

کتابخانه انقلابی خوارزم

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸ صفحه

۸۴

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۵۹ بهار ۳۰ سال

در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است **صفحه ۹**
- رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۲) **صفحه ۲۳**
- تفرانس سران عرب توطئه ای علیه خلقهای عرب **صفحه ۲۴**
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف (قسمت آخر) **صفحه ۱۵**
- تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان علیه سرمایه داری دولتی (۱) **صفحه ۱۱**

آمل: تهاجم گسترده از نجاج به انقلاب و کشتار انقلابیون

بدینال سخرانی "آست"
مردور و سحرک نموده های متوهم و
سازماندهی باندهای جاناندار و
جانکوش توسط او، روز سه شنبه
۱۵۹/۹/۱۱، و باش و مزدوران رژیم
جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی
شهر حمله کرده و ضمن ضرب و جرح
انقلابیون، کتابخانه های موجود در
شهر را به آتش کشیدند. مردم
زحمتکش آمل و نیروهای انقلابی
بقیه در صفحه ۲۱

جنایات رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان یاد آور جنایات اسرائیل در فلسطین و آمریکا در ویتنام است **صفحه ۵**

لیبرالیسم: ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار! **صفحه ۱۳**

مقاله

جنگ قدرت و سیاست خارجی رژیم

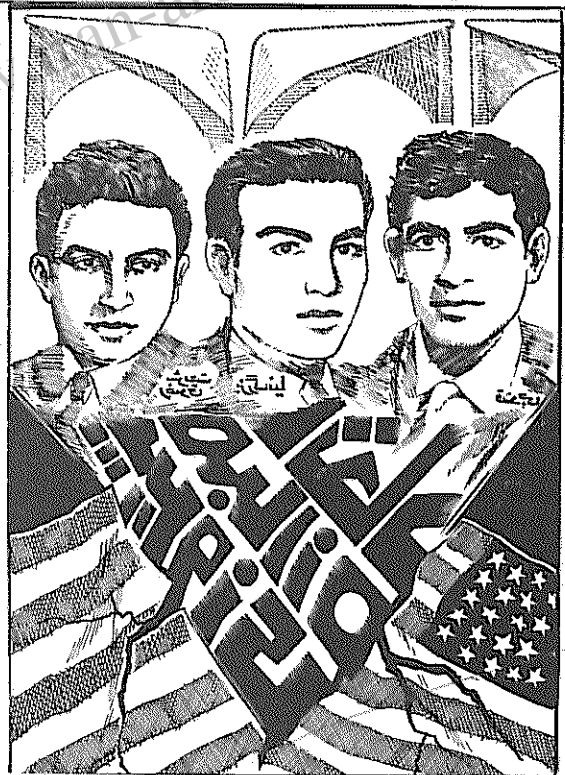
دو هفته پیش در همین ستون از
اوگیری جنگ قدرت در درون هیات
حاکمه با شما سخن گفتیم و اشاره
کردیم که این به معنی وحدت
بازی تضادهای درونی رژیم
بناشی از شدت و افزایش بحران
اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه
بویژه پس از جنگ ایران و عراق
است. هم اکنون با ایدها فک کنیم
که این روند همچنان با شدت بیشتر
و در اشکال جدید تر و طبعاً تا آنجا
که "میثاق وحدت" آنان را در سرکوب
جنش نموده ای و نیروهای انقلابی
بقیه در صفحه ۲

آوارگان جنگ و رژیم جمهوری اسلامی **صفحه ۲۵**

سخنان وزیر کار:

بیان خواسته های طبقه کارگر
یا حزب خائن توده؟! **صفحه ۳**

امپریالیسم جنایتکار آمریکا و بودجه نظامی آن **صفحه ۲۴**



۱۶ آذر، عید خون دانشجوگرامی باد **صفحه ۷**

یک ربع قرن از قیام باشکوه
خلق قهرمان آذربایجان گذشت

۲۱ آذر

سالگرد یاب پیروزی،
سالگرد یک شکست
صفحه ۱۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ جنگناوه

خنده‌دار رسا زد، در طول دو هفته اخیر و در آینه‌ها نیز ادا به‌داشته و خواهد داشت. دور جدید مبارزه بر سر قدرت که با دستگیری قطب زاده و عکس‌العمل لیبرالها در برابر آن شروع گردید، همان‌طور که ما همدویم از یکسوی قطب زاده لحن آیت‌الله خمینی علیه لیبرالها و حمایتش از حزب جمهوری و از سوی دیگر سخنرانی بنی‌مدر را در روز عاشورا و روزهای پس از آن که شدت و وضوح حزب و بطور غیرمستقیم خمینی را مورد حمله قرار داد، دیدنیال داشت. در ادامه این مبارزه و جنگ بر سر قدرت هر دو جناح کوشیدند تا از طریق بد میدان کشیدن مهره‌ها و سخنگویان برجسته خود و بر آنداختن نظرات و اعتمادات دست رقیب و نقشه‌های عوام‌فریبانه یکدیگر را رو کرده و افشا نمایند. هفته گذشته، تهران و شهرهای مختلف ایران عرصه این رویارویی و تاخت و تاز بود. جمله شدیدخامنه‌ای به لیبرالها در خطبه نماز جمعه هفته قبل، سخنرانی لاهوتی، شیخ علی‌تهرانی و سلامتین در همان روز و روزهای بعد در مشهد علیه حزب جمهوری و بر آنداختن نظرات هر دو جناح از هر دو سو در این شهر و در پی آن بسته شدن بازارهای مشهد، قم، تهران و سایر شهرها به پشتیبانی از روحانیت و حزب جمهوری، سخنرانی‌های متعدد رفسنجانی و خلخال و همچنین شیخ علی‌تهرانی در تهران، گوشه‌های برجسته‌ای از این کارزار تبلیغاتی و جنگ قدرت جناح‌های رقیب در هیات حاکمه را به‌نمایش می‌گذاشت. نمایی که همچنان ادامه دارد.

اما در پس این مبارزه بر سر قدرت، دو نکته بسیار اساسی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. نکته اول این است که در این دوره از مبارزه، بنظر میرسد که حزب جمهوری، علیرغم آنکه بارها از سوی رقیب، مورد حمله و افشای قرار گرفته و حتی در مواردی در قبال لیبرالها موضع تدافعی داشته و بتدریج توده‌های وسیعی از آن دل می‌کنند، ولی همچنان، بدلیل پشتیبانی همه جانبه آیت‌الله خمینی و روحانیون برجسته از این حزب و توهمات وسیع توده‌ها نسبت به ما هیئت‌آن و در اختیار داشتن نهاد های مهمی چون مجلس و رادیو و تلویزیون بطور نسبی از حریف جلوا فتاده و موفق به کسب مواضع جدیدی از قدرت سیاسی شده است. بطوریکه برخلاف جناح رقیب که اخیرا موضع تنها جمعی خود را از دست داده همچنان در حالت تنها جمعی خود را حفظ کرده است. همان‌طور که میدانیم ما هم‌اکنون، بنی‌صدر و حزبیه‌ها بر سر تعیین وزیر امور خارجه به شدت اختلاف نظر دارند و هر یک می‌کوشند، این پست بسیار مهم و اساسی را در اختیار خود بگیرند. اگر چه تاکنون کوشش رجا ئی و مجلس برای تعیین وزیر خارجه "مکتبی" به نتیجه نرسیده و بنی‌صدر به شدت با آن مخالفت کرده است، ولی حزبیه‌ها

بیکار نشانده و در برابر مخالفت بنی‌صدر و وزیر امور خارجه مورد نظرشان، عملا ادا را به این وزارتخانه را جدا از طریق مدیران آن وجه از طریق ارسال هیات‌های نمایندگی سیاسی برجسته به کشورهای مختلف و دخالت تام و تمام در تعیین سیاست خارجی ایران بدست گرفته‌اند و این خود بدینسان در اختیار ردا شتن مجلس شورای عالی قضائی، دادگاههای انقلاب، رادیو و تلویزیون، چندین روزنامه کثیرالانتشار است نخست وزیری و... موفقیت بزرگی برای آنها و بخصوصی در شرایط حساس کنونی (جنگ ایران و عراق، آزادی گروگانها، تامین اسلحه، بهبود و گسترش روابط با آمریکا...) به حساب می‌آید.

سفر اخیر رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی در راس یک هیات به برخی از کشورهای عربی موسوم به "جبهه بیداری" و کشور لبنان، همزمان با تشکیل کنفرانس سران عرب و ایجاد دوستگی میان کشورهای عربی مبتنی بر سیاست و خط امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی از یکطرف و سیاست و خط سوسیال امپریالیسم شوروی از سوی دیگر و همچنین مسافرت سایر هیئت‌های نمایندگی ایران به کشورهای اروپائی و شبه قاره هند به سرپرستی حجت الاسلام خا تمی (سرپرست جدید روزنامه کیهان) و اما می‌کاشانی که هر دو وابسته به جناح حزب هستند، بسیار نگران است که حزب می‌کوشد در غیبت وزیر امور خارجه، دیپلماتی و سیاست خارجی مورد نظر خود را در مقابل لیبرالها چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای به پیش ببرد.

نکته دوم و بسیار با اهمیت که در ارتباط با جنگ قدرت دو جناح هیات حاکمه یا بدتوضیح داده شود، همانا مضمون دیپلماتی و سیاست خارجی ای است که حزب جمهوری اسلامی به شکل فعال و گسترده‌ای در صدد انجام آن است. این مضمون حاکی از وجود یک گرایش در حزب جمهوری اسلامی با سنگبندی به سوسیال امپریالیسم شوروی و کشورهای وابسته و با کم و بیش وابسته به آنست. اینک این گرایش چه رابطه مشخصی با موقعیت و ترکیب طبقاتی حزب و ویژگیهای آن اعسم از بورژوازی و خریده بورژوازی دارد، مساله‌ای است که در اولین فرصت و در جای خود به توضیح آن خواهیم پرداخت. اما آنچه که باید در اینجا بدان اشاره شود، افکتهای اساسی این حرکت و نتایجی است که از آن بدست می‌آید.

رفسنجانی درصدد است که با خیر خود با خیرنگار سی - سی - اس کانادا در مورد رابطه شوروی و عراق و اینکه در صورتیکه عراق رابطه اش را با شوروی قطع کند و شوروی به ایران پیشنهاد اسلحه نماید آیا ایران قبول میکند، اظهار می‌دارد: "همانطور که گفتیم این اطلاع را بطور رسمی

سفیر شوروی به آقای بنی‌صدر دادند و آقای حافظ اسد و آقای قذافی هم همین خبر را داشتند. توجیهش از نظر من اگر با شد این است که الان اگر شوروی بفهمد که صدا م خود را به آمریکا فروخته موضعش را عوض میکند.... ما بطور کلی هیچوقت خود را محدود نکرده ایم که از جانی وسیله بخیریم یا از جانی معین بخیریم. در صورتیکه نیاز داشته باشیم و شوروی بخواد اسلحه‌ای بمانده می‌بخیریم." (روزنامه میزان ۱۳ آذر - تا کیدار ما ست) توضیح رفسنجانی، مرد قدرتمند حـزب جمهوری و کسیکه همین چند روز پیش با دوستان عرب زبان شوروی ملاقات داشته است، بعد کافیه گویاست و نشان دهنده آن است که میزبانان آقای رفسنجانی یعنی قذافی و حافظ اسد در نزدیک ساختن شوروی و ایران و انجام معاملات اسلحه نقش بسیار فعال و حساب شده‌ای را ایفا کرده‌اند. و اصولا مگر یکی از اهداف هیات سیاسی ایران از مسافرت به خاور میانه و به‌ترتیبست بگوئیم سیاست این گرایش حزب جمهوری اسلامی جز این بوده است؟! و تا زه مگر ارسال اسلحه شوروی به ایران با دید حتما از بند راستار و با بند راستار نلی صورت گیرد، این کار می‌تواند از بند راستار زقیه سوریه و طرابلس لیبی نیز انجام گیرد! و البته این سوای اسلحه‌ای است که رژیم جمهوری اسلامی در انتظار دریافت آن از آمریکا و باز از آزادی گروگانهای آمریکائی است و تاکنون هم آقای کارتر و هم سردمداران رژیم از جمله همین آقای رفسنجانی بدان اعتراف کرده‌اند. (توده‌ها معنی نه شرقی، نه غربی آقایان را هم فهمیدند!)

جهت گیری این گرایش حزب جمهوری اسلامی به سمت شوروی، البته مساله‌ای نیست که خیرا بوجود آمده باشد، هر گس نیمنگاهی به مواجبه‌ها و سخنان برخی از سردمداران حزب جمهوری اسلامی و از جمله همین آقای رفسنجانی از ما هفتاد و پنج سال پیش به این طرف انداخته‌ها شد و بیسیاست حمایت آمیز در رودسته‌ها شن حزب توده، این نوکران سوسیال امپریالیسم روس را از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و مواضع سیاسی آن مورد توجه قرار داد این مساله برایش آشکار و روشن خواهد شد. اما آنچه که باید اضافه کرد این است که در این دوره از مبارزه و جنگ قدرت میان جناحهای هیات حاکمه و الزاماتی که شرایط کنونی و ویژگیه جنگ ایران و عراق برای هر یک از جناحها و کل رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورده است، هر یک از جناحها را با توجه به ویژگی و موقعیت طبقاتی اش بمراتب بیش از گذشته به این یا آن امپریالیست و در این رابطه گرایش حزب جمهوری را به سوسیال امپریالیسم شوروی و لیبرالها را به امپریالیسم آمریکا و اروپا و از این نزدیک ساخته است.

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها بشتابیم

جنبش کارگری



زندگی در زیر رگبار گلوله‌ها: شرط پرداخت حقوق کارگران آبادان!

مقامات رژیم اعلام کرده اند هر کارگر آبادانی که میخواد حقوقش را بگیرد باید به شهر بیاید و گرنه تنها از حقوق خبری نیست بلکه خراج هم خواهد شد. این حکم در شرایطی صادر میشود که هر دقیقه یک خمپاره در نقاط مسکونی شهر فرود میآید. مثلاً روز ۸/۲۴ که کارگران برای دریافت حقوقشان در محل ستاد تعمیرات بریمشالی، اجتماع کرده بودند، این محل مورد اصابت خمپاره قرار گرفت که موجب وحشت شدید کارگران گردید. رژیم با اینگونه اعمال فشارهای ضد مردمی خود، کارگران (و بخصوص کارگران بیعانی که دچار فقر شدید هستند) را بر سر دوراهی قرار میدهد که یا باید تن به اخراج و گرسنگی خودوزن و فرزندانشان بدهند و یا در شهر بمانند و هدف خمپاره‌های مزدوران یعنی قرار گرفته و گوشت دم‌توب سرما بدهد را بگردند. این امر نه تنها بیاتگری توجیحی رژیم به جان زحمتکشان است، بلکه این سؤال را مطرح میکند که آیا رژیم در کشتار زحمتکشان ایران، کمتر از رژیم عراق مقصراست؟

پالایشگاه اصفهان

روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۹/۵ کارگران پالایشگاه اصفهان همدگر با همکاران خود بودند، او که عبدا لله بلدی فروشانی کارگر تعمیرات (مکانیک) بود در حین کار از روی داربست سقوط میکند و میمض رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست میدهد. علت سقوط این کارگر زحمتکش، بیهووشی ناشی از مسمومیت هوای آلوده به گاز زحوظ یا لایشگاه بود. در صورتیکه هم میزان آلودگی هوا سنجیده میشود و هم کارگرانی که روی داربست کار میکنند از کمربند ایمنی برخوردار میبوندند که از هیچکدام خبری نبود و عدم وجود وسایل ایمنی تاکنون موجب مرگ بسیاری از کارگران گردیده است و این همدلی ندادن در عکسود جوشی سرما بدهد را و بی ارزش بودن جان زحمتکشان برای آنها تنها با نابودی سرما بدهد ری وابسته، میتوان جلوی تکرار اینگونه حوادث را گرفت.

گیلان

اخیراً استاندار ضد کارگر جمهوری اسلامی، به بهانه جنگ مبلغ ۵۰۰ تومان از حقوق ۱۸۰ کارگر جدیداً استخدام کرده است. همچنین طبق بخشنامه نخست وزیر، تمام اضافه کاری کارگران از تاریخ اول آبانماه بقیه در صفحه ۱۰

سخنان وزیر کار: بیان خواسته‌های طبقه کارگری یا حزب خائن توده؟!

رویزیونیستها، دارو دسته حزب توده است که همواره در فدییت با طبقه کارگر و سایر توده‌ها به دفاع از رژیمهای سرما بدهداری پرداخته است. اخیراً این دارو دسته در روزنامه خود مطلبی درج کردند که با ردیگرما هیت فدکا رگری آنها را، تمام و کمال به نمایش میگذارد.

بقیه در صفحه ۱۱

رویزیونیستها، عوامل سرما بدهداری هستند که تحت پوشش "دفاع از منافع طبقه کارگر"، در واقع بدنحال تا مین منافع اربابان خود هستند و غالباً اتفاق می افتد که این خائنین به طبقه کارگر، کاسه داغتر از آن شده و در موجی به جلوه دادن استثمای سرما بدهداری، از خود آنها بیشتر "تلاش" میکنند. در ایران، کهنه تریس

کارگران مینو خواهان برگزینی "هیات مدیره" ضد انقلابی کارخانه هستند!

وبه سختی مجروح شد. اکثریت کارگران به این عمل خیره شدند. و آنها بی که از ما خبری خبرند اشتند از این کار ناراحت شدند. مفیدی با ردیگر میکروفون را در دست گرفت و کارمندان را "مشتی رستخیزی" معرفی نمود و گفت ما "مکتبی هستیم" و "مکتبی عمل میکنیم" و مخالف چپ نماها و فداییها، مجاهد پیکار بیاو... هستیم که هر چه زود - تریوسیلنه انجمن اسلامی آنها را تصفیه خواهیم کرد. روز بعد از صحبتهای مفیدی، با سداران تعدادی از کارمندان خوراک و کارمندان زن را دستگیر کرده و به کمیته می برند. کارگران و کارمندان که از این موضوع مطلع میشوند، بییه سازمان صنایع ملی رفته و خواستار برگزینی مفیدی میشوند و نیز کارگران قسمت ساخت دارو تا ساعت ۹ صبح کار نمی کنند. مفیدی در این روز گفت: "عده ای قصد رفتن به سازمان صنایع را دارند و من خودنما بنده این سازمان هستم و کار آنها توطئه ای بیش نیست."

در اجتماع کارمندان و کارگران سازمان صنایع ملی در مقابل خواست آنها که "برگزینی هیئت مدیره جدید" بود، سلب مسئولیت میکند و آنها را به وزارت صنایع و معادن حواله میدهند هم اکنون کارخانه مینو در وضع نا آرامی بسر می برد و خراج کارگران مبارز و مترقی احساس میشود. ۵.

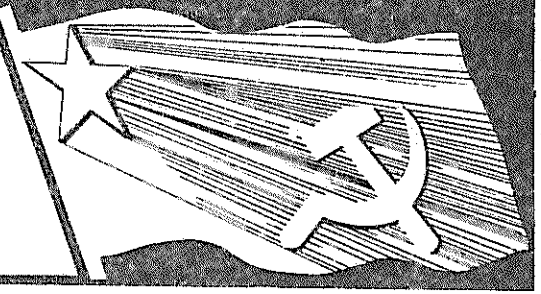
چندی پیش کارمندان شرکت خوراک (وابسته به شرکت پارس مینو) به عنوان اعتراض به: ۱- انحلال شورای کارمندی توسط هیئت مدیره جدید ۲۰ - تبعیض شغل ۳۰ - پرداخت ۱۰۹ هزار تومان به سه عامل مزدور خسرو شاهی که بوسیله هیئت مدیره قدیم اخراج شده بودند. (البته این سه نفر بوسیله هیئت مدیره جدید بر سر کار برگشته اند). در سالن اداره مرکزی واقع در کارخانه مینو اجتماع کردند، و در آنجا به افشای هیئت مدیره جدید پرداختند. در این اجتماع مهندس پوردیبا یکی از اعضای هیئت مدیره قدیم حضور داشت.

مفیدی مدیر عامل هیئت مدیره جدید که از دیدن این اجتماع وحشت زده شده بود، بوسیله بلندگوی کارخانه از کارگران خواست که جلوی اداره مرکزی اجتماع کنند. مفیدی در ابتدا صحبت کارمندان شرکت را مشت "تا چرا جو" و "هرج و مرج طلب" قلمداد نمود و گفت که اینها میخواهند هیئت مدیره منتخب دولت را برکنار کنند و "نیز" اینها کارگران را بی شعور و نا آگاه میدانند، و بدلیل ترسیت کارگران را بر علیه کارمندان تحریک میکرد. در این موقع مهندس پوردیبا اجازه صحبت خواست ولی مفیدی به او اجازه نداد در میان اجتماع عده ای خواستار صحبت پوردیبا شدند، همین که پوردیبا میکروفون را بدست گرفت مورد حمله مزدوران قرار گرفت.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیکار

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۸)

ب - مشخصات تبلیغ

در شماره‌های گذشته فواین تبلیغ را بررسی کردیم، اینک از دل آن عنوان مشخصات تبلیغ را بیرون می‌کشیم.

۱- تبلیغ برانگیزاننده است

در بیان اولین قانون تبلیغ گفتیم (بیکار ۷۸) که "تبلیغ بایستی روحیه تسلیم و رکود توده‌ها را درهم کوبد و روحیه خشم و طغیان آنان را برانگیزد و در جهت انقلاب این "خشم مقدس برانگیخته شده توده‌ها" را با زمان ده‌دوبه کارگیرد."

پس تبلیغ برانگیزاننده است و بایستی با تاکید بر فرا بی‌انقلابی توده‌ها، آنها را در جهت انقلاب برانگیزد.

لنین به زیبایی تمام این برانگیزانندگی تبلیغ کمونیستی را با اعلان جنگ مینامد: "حقیقت گوئی درباره زندگی کارگری، همه را بوجهی می‌آورد، بیان عقب مانده سربین کارگران همیک شور و شوق واقعی بسرای طبع و بشر، شور و شوق غیورانه‌ای برای این شکل ابتدائی جنگ علیه تمام نظام است اجتماعی امروزه، که پایه آن بر غارت و تعدی مبتنی است، بیدار شود و حقیقتاً هم این "شبانمه‌ها" در اکثر موارد همان اعلان جنگ بود، زیرا که این افکار بیا، تاثیر فوق العاده هیجان آوری می بخشد و باعث این میشد که تمام کارگران رفع این بی تربیتی های نفرت انگیز را خواستار گردند و آمادگی خود را برای پیشیانی از این خواستها بوسیله اعتصاب، اعلام نمایند." (۱)

پس: "تبلیغ کمونیستی، توده‌ها را بوجد می‌آورد، شور و شوق غیورانه‌ای در آنها ایجاد میکند، تا تیره‌هیجان آوری می بخشد و باعث میشود که توده‌ها بر علیه ستم‌طبقاتی برانگیخته شده، دست به مبارزه انقلابی بزنند و در حقیقت تبلیغ یک "اعلان جنگ" تمام عیار به بورژوازی است.

تبلیغ بایستی آن احساساتی را در توده‌ها بیدار کند و برانگیزد که برای انقلاب مفید است. لنین در گفتاری با گورکی کوشی روی سخنش با همه مبلغین کمونیست است که با تاکید

بسیار بر انگیزش روحیات انقلابی توده‌ها بگوید:

"آیا درماندگی و زندگی رفت بار! (خلق تحت ستم - بیکار) برای این نیست که با کشته‌هایی که مشوق روح اوست، به موقع به او کمک ندهد است... آیا ستم می توانی آن خسته نشاط بختی را که روح انسان را جلا می دهد، برانگیزی؟... حواست را جمع کن، حق موعظه کردن تنها روی این اصل کلی بتوداده میشود که توانائی بیدار کردن احساسات واقعی و ما دقتاً مردم را دانشمائی، با توانی به کمک آنها، ببتک مانند، بعضی از صورتیهای زندگی را خراب کنی، در هم بریزی و به جای این زندگی تنگ و تاریک، زندگی آزادتر دیگری را ایجاد کنی، خشم، کینه، شرمساری، نفرت و با لآخره با این بخت آلوده هر میاشی هستند که به مدد آنها میتوان در دنیا، همه چیز را در هم ریخته نابود ساخت. آیا میتوانی چنین امر میاشی بسازی؟... (۲)"

- ① تبلیغ کمونیستی، توده‌ها را به وجد می‌آورد. شور و شوق غیورانه‌ای در آنها ایجاد میکند، تا تیره‌هیجان آوری می بخشد و باعث میشود که توده‌ها بر علیه ستم طبقاتی برانگیخته شده، دست به مبارزه انقلابی بزنند و در حقیقت تبلیغ یک "اعلان جنگ" تمام عیار به بورژوازی است.
- ② تبلیغ بایستی زنده، جاندار و بموقع باشد. افکارگری بدون فوت وقت انجام گیرد و هیچ دشمن ظمناقی در حین ارتکاب جرم گرفته شود. در چنین حالتی است که تبلیغ میتواند توده‌های پیشتری را آگاه کرده و به مبارزه انقلابی بکشانند.

پس تبلیغ کمونیستی باید عطش زندگی بهتر را در توده‌ها برانگیزد و عصیان بر علیه ستم طبقاتی را در توده‌ها به طغیان وادارد و با تاکید بر روحیات انقلابی توده‌ها، تبلیغ را در خدمت انقلاب درآورد. برعکس، تبلیغات رویز-یونستی میخواهد از برانگیخته شدن احساسات انقلابی توده‌ها جلوگیری کند و تبلیغات آنتاگونیستی نیز میخواهد حفظ احساسات برانگیخته شده مشت را روشنفکر جدا از توده‌ها را ارضاء کند.

۲- تبلیغ کمونیستی بموقع انجام میگیرد

در بیان قانون دوم تبلیغ در بیکار ۷۹ گفتیم که تبلیغ کمونیستی بایستی به اساسی ترین نیاز توده‌ها در هر مقطع تاریخی پاسخ بگوید. بدین ترتیب مشخصه دوم تبلیغ یعنی

بموقع بودن آن استنتاج میشود. تبلیغ بایستی بموقع دشمنان توده‌ها را آتشکند چرا که آگاه شدن توده‌ها را: "منظر زنده و افتای بدون فوت وقت آنحیزهائی مینواند بدست دهد که در لحظه کنونی در برابر ما روی میدهد." (۳) تبلیغ بایستی بموقع رهنمود مبارزاتی بدهد بدون تبلیغ بموقع نمی توان اعتماد توده‌ها را برای رهبری مبارزاتشان بدست آورد و نمی توان با افتای بموقع دشمنان توده‌ها آنها را به مبارزه گنده، لیسین میگوید، بهترین دعوت بوده‌ها به مبارزه، گرفتن بموقع مسج مجرم حین جنایت است:

"ما دریا بد دعوت توده‌ها بفعالیت، بایست گفت که هر آینه تبلیغات جدی سیاسی و افکارگریهای روشن و جاندار عملی شود، آنوقت این امر خود بخود صورت خواهد گرفت. مسج بیکمجرم را در حال ارتکاب جرم گرفتن و رسوا کردن وی در همان ساعت در ملا عام، این بخودی خود از هر گونه دعوتی اثرش بهتر است. اشرافین امر غالباً چنان است که بعداً حتی نمی‌شود معلوم کرد که در حقیقت چه کسی توده را دعوت کرده و... (۴)" (همه تا که جدا، در نقل قول - های این مقاله از ما است.)

پس تبلیغ بایستی زنده، جاندار و بموقع باشد. افکارگری بدون فوت وقت انجام گیرد و هیچ دشمن طبقاتی در حین ارتکاب جرم گرفتار نشود. در چنین حالتی است که تبلیغ میتواند توده‌های پیشتری را آگاه کرده و به مبارزه انقلابی بکشانند.

عدم تبلیغ بموقع در حقیقت یاری کردن به مجرم در فرار از اثبات گناهاش نزد توده‌هاست.

تبلیغ یک مسئله اساسی روزا کردیر انجام میدهد مانند غذای لذیذی است که پس از چند روز ماندن دیگر هرگونه ارزش غذایی خود را از دست داده است. تنها با تبلیغ بموقع میتوان حضور فعال خویش را در عرصه مبارزه طبقاتی نشان داد و با هر جنایت دشمن، توده‌ها را فوراً آگاه ساخت.

تبلیغ بموقع نشریه روزانه تبلیغی را بسرای سازمانهای کمونیستی طلب میکند و در فقدان چنین نشریه روزانه‌ای، تراکتها و اعلامیه‌های افکارگران روزانه بایستی سریعاً وبدون فوت وقت توده‌ها را آگاه کرده هر چه بیشتر به مبارزه بکشاند.

بقیه در صفحه ۲۱
(۱)، (۲)، (۴) - جها بید کرد، بخش سوم
(۲) - کورکی - هدف ادبیات.

خلق ها و مسئله ملی



دروود بر...

دروود بر شهدای روستاهای ایندرفاقش،
یوسف کند، صوفیان، وسه روکانسی.

گرامی باد...

گرامی باد خاطره پیشمرگان انقلابی
کومله، رفقای شهید، کاک طی قطبی
و کاک با یزید دانشمایی.

گشتنار پیر حمانه در روستاهای کردستان

قتل عام زحمتگشان

روستای صوفیان در آشنویه

آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان بیداد میکنند، روزی نیست که آنها دهکده‌ای را به آتش نکشند و خانه‌ها و مزاره‌های اهالی زحمتکش آنرا بارت نبرند. روزی نیست که این جنایتکاران حرفه‌ای مزدور، زحمتگشان بخت روستا را قتل عام نکنند، پس از قتل عام روستایان "ایندرفاقش" و "یوسف کند" این جنایت‌ها خود را با ردیکروا بنیسا در روستای صوفیان (آشنویه) تکرار کردند:

روستای "صوفیان" در حدفاصل جلدیان و آشنویه قرار دارد. در تاریخ ۵۹/۸/۷ یا ساداران بدون هیچ بیانه‌ای بدروستای صوفیان حمله کردند. اهالی مبارز روستا که بیش از این وحشیگریها و جنایات یا ساداران را در ایندرفاقش و دیگر روستاها دیده بودند، با کینه و نفرتی هر چند تا مترساح بدست گرفته و به دفاع از زن و بچه‌ها و خانه‌های خود برمیخیزند. آنها طی نبردی قهرمانانه عده‌ای از یا ساداران فدخلتی را به هلاکت میرسانند. اما بغلت نداشتن سلاح سنگین و تجهیزات کافی تا چاربه ترک روستا میگردند. پس از رفتن عده‌ای از اهالی از روستا، با ساداران وحشیانه به روستا حمله کرده و اهالی باقی مانده را عملاً زدن و مردود کودک و بیروحوان را زیر رکبا ر مسلسل‌های خود میکوبند. آنها با وحشیگری هرچه تمامتر ۱۲ نفر از اهالی زحمتکش را شهید و بین ۲۰ نفر را مجروح میکنند. اما شهدای "صوفیان" بشرح زیر است:

جنایات رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان

یادآور جنایات اسرائیل در فلسطین و آمریکا در ویتنام است

در فلسطین و آمریکا بیجا در دهکده "میلان" ویتنام و دیگر امیریا لیستها در روستاهای سیاه پوست نشین آفریقا و دیگر نقاط جهان انجام داده‌اند و برآستی که رژیم جمهوری اسلامی نیز بواسطه جنایاتی که در ایران و از جمله در روستاهای کردستان انجام میدهد همدست با امیریا لیستها و صهیونیستها میباشد.

گشتنار در روستاها، شیوه دیگری است که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرده‌اند. گشتنار جزئی از توطئه‌های گسترده و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر کامل کردستان و برقراری حاکمیت خونین خود در این منطقه میباشد. رژیم علاوه بر سرکوب مقاومت خلق کرد در شهرها، زحمتکش روستایان را هدف زیر را دنبال میکند:

۱- سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد با گشتنار روستایان در جهت بیزا نمودن آوردن زحمتگشان روستاها:

می دانیم که جنبش مقاومت خلق کرد، علاوه بر کارگران و زحمتگشان شهری، عمدتاً بر بقیه در صفحه ۸

گشتنار خلق کرد بویژه در روستاهای کردستان ایجا دکسترده تری بخود گرفته است. مزدوران رژیم، یا ساداران، ارتش، جاشهای منفور، کمیته جی‌ها، ملاحسنی و دیگر مرتجعین، برآستی که با جنایات و وحشیگریهای خود، روی سربازان اسرائیل و امیریا لیسم آمریکا را سفید کرده‌اند آنها به دهکده‌ها حمله میکنند، اهالی زحمتکش و بی دفاع را قتل عام میکنند، جثمانان را از حدقه درمی آورند، با ساطور و قمه و... مجروحان ساخته و فلج میکنند، مزدوران رژیم خرمنها، کندمها و علوفه‌های دامی دهقانان را آتش می‌زنند، خانه و دکانهای مردم بی دفاع را غارت و به آتش میکنند و به زنان و دختران و روستاییان تجاوز میکنند. آنها تا بحال اهالی روستاهای تارنا، کانی ماسید، قهلاتان، ایندرفاقش، یوسف کند و صوفیان، سه روکانی را قتل عام کرده‌اند، و دهها روستای بزرگ و کوچک را یا با حملات مستقیم خود و یا با شلیک توپ و خمپاره راکت و گلوله نابود کرده‌اند.

آنچه که هم اکنون در کردستان می‌گذرد، نکراریا در آذربایجان است که ساداران اسرائیل گشتنار در دهکده‌های "دیریا سین" و "کفر قاسم"

دو جناح ضد خلق در کردستان بجان هم افتاده‌اند

سندج:

آنها طی حملاتی ضمن خلق سلاح جاشهای مفتی زاده، عده‌ای از آنها را دستگیر میکنند و عده دیگری از آنها را رزمینمایند. همزمان با این وا تعهد در کرمانشاه یا ساداران و جاشهای وابسته به آنها به خانه مفتی زاده ریخته و ضمن دستگیری مفتی زاده و ۱۴ نفر از محافظان مسلح، تمام کتابها و جزوات موجود در خانه را توقیف و ضبط میکنند. لازم به یادآوری است که قبل از این جریانات ۷۵٪ از تشکیلات جاشهای منفور ضد خلقی، طرفدار مفتی زاده بودند.

بدنبال اختلاف بین جاشهای مفتی زاده و جاشهای وابسته به یا ساداران، در جریان ظاهرات فرمایشی ۱۳ آبان در سندج، در میدان آزادی این شهر یک جانی مفتی زاده پس از درگیری لفظی با یک یا سادارا و راه مجروح نمود. که در تیراندازی متقابل یک عابری نام "کیومرث حجت جلالی" کشته شد. این واقعه باعث شد که جناح جاشهای وابسته به رژیم در ساداران ادغام شده و به خلق سلاح جاشهای مفتی زاده اقدام نمایند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد



- ۱- زلیخا توحیدی ۲- محمدبوره خضر ۳- سید طه توحیدی ۴- عبدالرحمان خوشرو ۵- حسنه کورید
 - ۶- طاهر تبطران ۷- حاجی حسن بورخسیر
 - ۸- رحیم نوان ۹- ملا حسین ۱۰- امین نوان ۱۱- سید حسن شیخ محمدا مین ۱۲- ابوبکر ثامی زاده
- با داین شهدای خلق کرامی باد.

روستای "سهروکاکی" پیرانشهر وقتل عامی دیگر

بعد از کشتار جانباختگان راه وفاق سنی رژیم در "ابندرقاش" و "موفیان" دزخیمان عده زیادی از اهالی سیدقاع "سهروکاکی" (سروکاکی) را قتل عام کردند. صبح روز ۵۹/۸/۱۹ عده زیادی از افساداران ارتجاع و افراد سیخ مستعفی و رتشی ضد خلقی مستقردر "بادگان جلدیان" دو دسته شده و سوی روستاهای "گیلی" و "سهروکاکی" حرکت نمودند. به این هدف کداهالی سیدقاع این روستاها را قتل عام کرده و در نقطه‌ای بهم پیوندند.

دسته‌ای از افساداران و مزدوران سوی "سهروکاکی" (این ده در بین جلدیان - کرده - کسانه واقع شده و نسبتاً ده بزرگی است و از دو بادگان جلدیان و بیسوه بنا شده ۵ کیلومتری قرار دارد) حرکت نموده و در سیده دم در نزدیکی روستا از خود روها بیاباده شده و بیابای بیاباده از طلوع آفتاب از چند طرف سوی آن بیابان روی نمودند و آن را به محاصره خود در آورده و شروع به تیراندازی کردند. اهالی روستا در لحظات اول وحشت زده شروع به بیرون بردن زنها و بچه‌های خود می‌کنند. اما چون از کشتار روحیانها هالی سیدقاع روستاهای "ابندرقاش" و "موفیان" ... گاه بودند تصمیم بیدفاع تا سرحد مرگ میگیرند. زن و مرد و بیرو جوان با تفنگ، داس، سیل، کلنگ ... بیدفاع می بردارند. ولی بیعت اینکه مهمات کافی و سلاح سنگین در اختیار ندارند، و نیروی کمکی هم بیعت وضعیت خاصی روستا به آنها نمی رسد، پس از چندین ساعت مقاومت قهرمانانه عقب نشینی می نمایند. افراد دشمن تدریجاً داخل ده شدند، عده‌ای از اهالی که هنوز در سنگرها مقاومت میکردند با مزدوران کلان‌وزن شده به جنگ تن به تن با آنها برداشتند.

عده‌ای از زنان نیز قهرمانانه در ایستادگی درگیری شرکت جستند. در این نبرد عده زیادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. نیروهای سرخوب کرباسدار، افراد سیخ و ارتشی مغولوار به هرج و مرجند که میدیدند تیراندازی میکنند آنها بزرگ و کوچک را قتل عام کردند قساوت و وحشیگری این دزخیمان روی ناشیستان تاریخ را سفید کرد. آنها بعد از درهم شکستن مقاومت مردم با فردا بیجا نده در ده حمله کرده و با کمال بیشرمی ۱۷ نفر کودک و بیرو جوان روستا را به

شهادت رسانده و بدن آنها را با برنیزه سوراخ سوراخ کرده و جسم آنها را بیرون می آورند و بدن عده‌ای را نیز با ساطور قصابی و تبر قطعه قطعه کرده و آنها را منله می‌گردند. از ۱۸۰ خانه ده ۱۳۰ خانه را آتش زدند. آنها چندین کودک را در حالی که در داخل گپواره شان بودند داخل آتش انداختند. صدها را س از کتا و گوشتند هالی بر اثر دود و آتش تلف شدند. چندین دستگاه تراکتور و ماشین سواری را آتش زده و با ساطور بردند. جناایتکاران پس از غارت اموال مردم، روستا را که غرق در خون و آتش بود ترک کرده و مفرقه‌نشین دیگری را بر تار ریخ برار دشمنی، قساوت و جنایت خود با خلقها و زحمتکشان افزودند.

اسامی شهدای فاجعه "سهروکاکی"

- ۱- درویش بیخ برالان ۶۰ ساله
- ۲- احمد کاک عمر ۷۰ ساله
- ۳- ابراهیم که رمینی ۸۵ ساله
- ۴- عایشه همسر رسول شالی ۵۰ ساله
- ۵- خاتون کیور ۷۰ ساله
- ۶- قادر بیزیز ۳۵ ساله
- ۷- حاجی مظفی ناوله ۷۰ ساله
- ۸- مارنه نعل ۸۰ ساله
- ۹- صوفی عولا ۶۰ ساله
- ۱۰- صوفی ابراهیم ۶۰ ساله
- ۱۱- رسول حاجی حسن ۶۰ ساله

- ۱۲- مظفی حاجی احمد ۲۰ ساله
 - ۱۳- حسین حاجی اسماعیل ۵۵ ساله
 - ۱۴- فرزندان هه واره بی (گپواره اش در آتش سوخت)
 - ۱۵- فرزندان ۶ ساله عبداللهم رضا ن گردکسیان.
 - ۱۶- یک زن و مرد آواراهل "اشنویه".
- سه نفر نیز زخمی شدند.
(بشکل از خبرنامه ۹۳ کومه)

بقیه از صفحه ۱۴ لیبیرالسیم

لیبرالسیم، تنها سازش با امپریالسیم، حفظ و با زسازی سرمایه‌داری وابسته و ایجاد "تنظم" و "امنیت" فدا انقلابی و "کاروکوش" بیشتر یعنی استثمار بیشتر برای زحمتکشان را نوید میدهد. لیبیرالسیم، دشمن خطرناک دموکراسی واقعی، یعنی دیکتاتوری کارگران است، چراکه دیکتاتوری کارگران یعنی دیکتاتوری برای طبقه سرمایه‌دار و دموکراسی برای توده‌ها، و بهین دلیل لیبیرالها از آن متنفرند. در شماره بعد مفهوم واقعی دموکراسی را توضیح خواهیم داد و روشن خواهیم کرد که چه کسانی دموکراسی واقعی را برای توده‌ها به ارمغان می آورند.

لیبرالسیم، ایدئولوژی فدا انقلابی
بورژوازی را افشا و طرد نماید



۱۶ آذر، عید خون دانشجوگرمی باد

دربست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر،
دانشگاه در جنگال جمهوری اسلامی
به بند کشیده شده است

رایزبانان لهستانی تاریخ افکنند. اما همچنان
دانشگاه میدان نبردهای مبریا لیسما قسی
ماندور رژیم جمهوری اسلامی نیز این راه کز
بردا نشکا هنجشود.

ببست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر، در زمان
برگزار میشو که دانشگاه این سنگرمیش
پایدار آزادی بسوسله دژخیمان آزادی به بند
کشیده شده است و رژیم جمهوری اسلامی ۱۶ آذر
دیگری در اول اردیبهشت ۵۹ پدید آمد، ۱۶
آذری که بسیا ر خونین تر و حماسه ای تر از ۱۶ آذر
شاه خا ش بود.

اگر شاه خا ش دانشگاهها را می بست، بسه
خون میکشید و دانشجویان زندان و شکنجه میکرد،
جمهوری اسلامی نیز تا کنون در این آزما یش
شکنجه و کشتار و خفقان کوتاه نموده است.
زندانیها همچنان شکنجه گاه دانشجویان انقلابی
است و خون شهیدان اول اردیبهشت، علسوی
شوشریها، مودنها، معتمدیها، دانشانیها، ...
بر درود یوار دانشگاه همچنان زنده و شاداب است.
تا زمانی که امیریا لیسما و ارتجاع وجود
دارد، ۱۶ آذر ها اول اردیبهشت ها بعنوان
نشانهای از دشمنی آشتی ناپذیر توده ها و
امیریا لیسما و ارتجاع، دانشگاه را همچون مشعلی
در شب تیره حکومتهای خدمردمی بر خواه شد
افرا شت.

زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران!

خا طره سرخ ۱۶ آذر ها، یادآور آنهمه
دلآوری دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم شاه
خا ش است، اما آن دانشگاهی که شما با قیام
خود در بهمن ۵۷ کشودید، اینک باز به بند کشیده
شده است. آن زندانیها که در آن هزاران دانشجو
اسیر بودند و شما آنها را کشودید، اینک باز پراز
دانشجویان شکنجه دیده انقلابی است. آن آزادی
که شما بخاطرش هفتاد هزار شهید دادید، اینک در
چنگال رژیم جمهوری اسلامی باز هم به اسارت
در آمده است. طبیعی است رژیمی که به کشتار
کارگران و زحمتکشان می پردازد، رژیمی که
خلق کرد، سرکمن و... را بیرحمانه بمباران و
سرکوب میکند، رژیمی که همچنان به غارت و
استخما زحمتکشان بسودا امیریا لیسما می پردازد
و با تمام قوا سعی در بازسازی سیستم سرما به -
داری وابسته دارد، باید که دانشگاهها را ببندد و
باید که ۱۶ آذر خونین را در اول اردیبهشت بار

۲۷ سال از ۱۶ آذر خونین گذشت اما اگزر
خا طره این روز همچنان تا بنیاک است.
راز جا ودانگی این روز کجاست؟
کودتای آمریکا طی ۲۸ مرداد دیوقوع می -
پیوندد، رهبری خا ش حزب توده، بجای مبارزه
میکریزد و رهبری جبهه ملی نیز اساسا با بعلت
ماهیت سازشکارانه و جویونا نه اش توان و بیارای
مقاومت ندارد. اما اگر رهبری خا ش است،
توده ها نمیکخواهند تنگ شکست را بر خود هموار
کنند و چنین است که دانشگاهها بر علیه کودتای
آمریکائی می خروشند، سفرنیکسون جلاد به تهران
بردا منده این مبارزات می افزاید و حماسه
۱۶ آذر پدید می آید. تیپ دوزخی که در دانشگاه
مستقر شده است، بروی دانشجویان تظا هرکننده
آتش میکشا ید و سه دانشجوی قهرمان، خندچی،
بزرگ نیا و شریعت رضوی به شهادت میرسند. از
آن پس ۱۶ آذر همانند ستاره سرخی بر فراز جنبش
دانشجویی، بیانگر سوگند خونین و فساداری
دانشجویان انقلابی به آرمان توده ها میگردد.
راز جا ودانگی ۱۶ آذر در اینجا است که
دانشجویان انقلابی تنگ خیانت و زبونی فرار
از مبارزه را در یک دوران حساس از مبارزات خلق
نمی پذیرند و نشان میدهند که در این دوران
شرائط عینی برای مبارزه علیه کودتای
آمریکائی هنوز کاملاً وجود دارد، منتها اگر
حزبی انقلابی وجود میداشت و رهبری مبارزات
توده ها را سرخستانه در دست میگرفت. بهرحال
۱۶ آذر از این پس خاری میشو در چشم دشمنان
توده ها و کابوسی میشو که هر ساله رژیم شاه را
دچار وحشت میسازد. ماه آذر که فرا میرسد، در تمامی
دوران پس از ۱۶ آذر، دانشگاهها عید خونین خویش
را میکوشد که جشن بگیرد و میکوشد که همواره به
میثاق خونین دانشجویان که ۱۶ آذر گسوا ه
آشت و فدا داربمانند، در تمامی این دوران،
دانشگاه سنگری مستحکم بر علیه امیریا لیسما و
ارتجاع است. پرچم آزادی و انقلاب در دانشگاه
همواره برافراشته میماند و پرچمداران این
سنگرمقدس، دانشجویان خونین کفن هستند که
اوین و کمیتها زشا عشان در زیر شکنجه و میدان
های تیرا زخروش فریاد "جا وید با دآرمان
زحمتکشان و مرگ بر امیریا لیسما و ارتجاع" شان
به لرزه در می آید.

دانشگاهها نه تنها در کشور ما بلکه امولا در
کشورهای تحت سلطه امیریا لیسما نقش با اهمیت
را در مبارزه علیه امیریا لیسما و ارتجاع ایفا
کرده است و به همین خاطر است که همواره مورد
یورش ارتجاع واقع شده و بخون کشیده شده است.
اما هرگز هیچ سرکوبی و هیچ تیرباران و شکنجه
- ای تاکنون نتوانسته است بیمان استوار
دانشجویان انقلابی را با خلقشان درهم کوبد و
این را بیش از همه، خلق میدانند، خلقی که
بسیار و بسیار بر دانشگاهها راج گذاشته است.
اگر زمانی دانشگاهها جدا و تنها می خروشد،
فریاد دانشگاهها سپس با فریاد توده های میلیونی
و قیام مسلحانه آنها درهم آمیخت و رژیم شاه

دیگر تکرار کند.
اینک گرامی داشت ۱۶ آذر خونین و همه
دلوریهای حماسه ای دانشجویان قهرمان بر -
علیه امیریا لیسما و ارتجاع، جز با مبارزه در همان
راه سرخ آن شهیدان امکان پذیر نیست. کسی
میتواند امروزه زخا طره ۱۶ آذر خن بگوید که
خود پیونده آن راه سرخ توده ها باشد.
اینک همچنانکه در زمان شاه دانشگاهها را
دلآوری خلق کشود، باید که با زهم توده ها این
سنگر را یکجا ببندد دانشگاه متعلق به توده ها و
سنگری از سنگرمبارزات توده ها است. مبارزه برای
بازگشتی این سنگر جز با مبارزات دموکراتیک
و فدا مبریا لیستی خلقهای ماست. در این میان
جنبش انقلابی دانش آموزان میتواند مبارزه
حول این شعار (در کتا رشا رهای اساسی دیگرش
مانند کسب آزادی فعالیت سیاسی در مدارس و
جلوگیری از اخراج معلمین و دانش آموزان
و...) نقش مهمی ایفا کند.
دانشگاهها این دزخونین ۱۶ آذر ها،
۱۳ آبان ها و اول اردیبهشت ها باید کشوده گردد
تا دانشجویان انقلابی با دیگر مبارزات خویش
را با رزم خونین کارگران، زحمتکشان خلق کرد
و... درهم آمیزند و اساعرا کاهی و مدافع
آزادی و انقلاب ایران باشند. در این میان
بایستی با تبلیغات گسترده در میان توده ها
بخصوص کارگران و زحمتکشان، حمایت پایگاه
اصلی انقلاب، یعنی کارگران و زحمتکشان را از
دانشگاهها برانگیخت.
اما مبارزه بخاطر بازگشتی دانشگاهها
تنها گوشه ای از مبارزات انقلابی دانشجویان
انقلابی را تشکیل میدهد. آنها وظیفه دارند که
نیروی اصلی خود را در جهت فعالیت و کارگاه -
گرا نه در میان کارگران و زحمتکشان قرار دهند،
آنها وظیفه دارند علیه رژیم محروم بودن از سنگر
دانشگاهها، از هر طریق ممکن در هر کجا، چه در
کارخانجات و روستاها، چه در محلات و در میان
صفهای طویل شان، نفت و... چه در مناطقی
جنگی و یا در میان آوارگان جنگ، چه در کنار
دکته های فروش کتاب و یا از طریق بحث های علمی،
بخش اعلامیه، فروش نشریه، اشعار نویسی و... به
افشای ماهیت رژیم و افشای ماهیت جنگ
ارتجاعی کنونی پرداخته و نقش خود را در ارتقاء
و هدایت جنبش اعتراضی توده ها و گسترش آن در
جهت انقلاب ظفر نمون دموکراتیک و ضد
امیریا لیستی خلقهای قهرمان ایران بسه
رهبری طبقه کارگر، ایفا نمایند.
گرامی باد ۱۶ آذر - "روز دانشجو" روز رزم
خونین دانشجویان انقلابی علیه امیریا لیسما
و ارتجاع داخلی
هر چه گسترده تر با جنبش انقلابی دانشجویان
هر چه مستحکم تر با پیوند جنبش انقلابی
دانشجویی با جنبش کارگران و زحمتکشان
مرکب بر امیریا لیسما و ارتجاع داخلی
بترتیب در جمهوری دمکراتیک خلقی
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سندج - یساران ۱۶/۸/۵۹ درگیری مزدوران بعث رزگاری با پیشمرگان انقلابی کومله

(علی قطبی) شهید شده ۲ نفر دیگر زخمی میگرددند همچنین افراد رزگاری دودختر را به اسارت می-گیرند که در اترقش مردم آنها را آزاد میکنند . این درگیری و وقایعی نظیر این نشان میدهد - سیردگی مزدوران رزگاری است . سیاه رزگاری که تکیه بر سلاحها و کمکهای رژیم ارتجاعی عراق زده است میکوشد تا جنبش مقاومت را به انحراف کشاند و از طریق آن منافع اربابان بعضی خود را تا مین نماید . خلق کردها منظور که بر علیه ساداران و دیگر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کرده و آنها را از میان خود بیرون میراند این مزدوران را نیز بیرون خواهند راند . (بقتل از اخبار جنبش مقاومت - حوزه سندج سازمان)

در این روز مزدوران بعث رزگاری به آبادی "بی ساران" حمله کرده و با پیشمرگان کومله درگیر میشوند . این درگیری از ۹ صبح تا ۵/۵ بعد از ظهر ادامه مییابد . پیشمرگان کومله بعلت اینکه تعدادشان کم بوده و فقط سلاح سبک داشتند ، مجبور به عقب نشینی میشوند . مزدوران رزگاری در این درگیری از انواع سلاحهای سبک و سنگین از قبیل تبر یا ر - دوشکا - فنا صه (تک تیر) - آربی جی و خمپاره استفاده میکردند . در این درگیری ۳ نفر از افراد رزگاری کشته و ۷ نفر از آنها زخمی میشوند ، یکی از کشته شدگان بنام " حاجی حمده شنانی " سربل بوده است . یکی از پیشمرگان کومله نیز بنام "کاک " میرزا علی "

دومین شماره پیگار کردستان منتشر شد

دومین شماره " پیگار کردستان " ارگان کمیته کردستان سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر منتشر شد . انتشار مجدد " پیگار کردستان " تلاشی است از زنده و قابل تقدیر از طرف رفقای کردستان ما آغاز فعالیت مجدد " پیگار کردستان " را به زحمتکشان کردستان و رفقای کمیته کردستان تبریک گفته و امیدواریم این نشریه گامهای ارزنده ای در جهت اهداف انقلابی سازمان و در جهت وحدت و همبستگی خلقها و نیروهای کمونیستی و انقلابی سراسر ایران و بیرون روزی جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد پیدا رود .

پیگار کردستان

سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر - کردستان

۵۹/۸/۱۶

جنگ ایران و عراق

و جنبش مقاومت خلق کرد

از این شماره پیگار کردستان ...

سرمقاله

از این شماره پیگار کردستان ...

پیگار خلق کرد

گروه مایر

پیگار خلق کرد ...

ملاقات با پارتی

و جنبش مقاومت خلق کرد

ملاقات با پارتی ...

قتل عام زحمتکشان کرد

بوسه ارزش و پاسداری از جمهوری اسلامی

رژیم آبیگار در لاور زادر

نخستین جنگ زده تیرباران کرد

مقره برابری اسم آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران

قحطی دهقانان از سوی دیگر در پی آنست که دهقانان را همچون زحمتکشان شهرهای کردستان زیر فشار همه جانبه نیروی برتر خود بوسی نتیجه بودن مبارزه خلق کردها متقاعد کرده و موجبات دلسردی آنها در جهت مبارزه برای تحقق خواسته های عادلانه و برحق خلق کردها فراهم سازد . این تاکتیک همان تاکتیکی است که اسرائیل در سرزمینهای اشغالی و در شهرها و روستاهای فلسطین بکار میگیرد . در راه بطله سیاست رژیم در کردستان با یادگفت که به لحاظ بالا بسودن سلاح آگاهیه دهقانان و زحمتکشان شهری و ایمان آنها به حقانیت مبارزات انقلابی شان از یک طرف و مقابله و مقاومت مسلحانه پیشمرگان قهرمان و تسوده های آگاه در نقاط مختلف کردستان نه تنها این شیوه سرکوب موثر واقع نشده بلکه باعث شده است که خلق زحمتکش کرد از جمله روستائیان در مبارزات خود هر چه استوار تر شده و حمایت بیدریغ خود از پیشمرگان را افزایش دهند و با بیای زحمتکشان شهری راهی را که جز بیروزی جنبش مقاومت سراسر نمی تواند دادا شده باشد ، ادا مدهند .

امروز در شرایطی که دفاع طلبان نغمه سازش و " صلح " در کردستان را سرداده اند ، در شرایطی که سازمان خائن چریکهای فدایی خلق (اکثریت) دست در دست ضد خلقی بر خلق کرد خنجر میزنند ، در شرایطی که محاصره اقتصادی سرکوب و خفقان و کشتار خلق توسط رژیم در کردستان شدت یافته است ، وظیفه شما نیروهای انقلابی کمونیست و زحمتکشان ستمدیده آگاه است که به حمایت از خلق کرد برخیزند ، اهداف جنایتکارانه رژیم از کشتار راهالی روستاها را افشا نمائید و قریباً اعتراض عمومی خود را بر علیه جنایات وحشیانه مزدوران رژیم زجمله ارتش و پاسداران و جاشها و مرتجعین محلی بلند کنید . کشتار در روستاها بطور خاص و کشتار خلق کرد در کردستان بطور عام ، سرکوب انقلاب است نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها باید با تمام قوا به مقابله با این جنایات رژیم برخیزند

بقیه از صفحه ۵ جنایات ...

باید دهقانان تهیدست روستاها ، استوار است ، اکنون علاوه بر محاصره اقتصادی کردستان که فشار آن بویژه بر روی روستائیان قرار گرفته است ، رژیم با حملات و قتل و غارت روستائیان و دهقانان تهیدست میخواهد ، آنها را بمثابه بخشی از خلق کرد از صحنه جنبش مقاومت بیرون براند . بهمین سبب میبینیم که همزمان با کشتار زحمتکشان شهری ، دهقانان نیز توسط مزدوران رژیم قتل عام میشوند . جنگ ایران و عراق فرصتی در اختیار رژیم قرار داده تا با تبلیغات گسترده به حول جنگ ، اهداف جنایتکارانه فوق را بهتر به پیش برد .

۲ - جلوگیری از حمایت دهقانان نسبت به پیشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد : هم اکنون جمهوری اسلامی ، به قیمت کشتار مردم برخی از شهرهای کردستان ما ندمتها باد ، سقز ، سندج این شهرها را زیر حاکمیت خونین خود در آورده است ، اما رژیم در تسخیر روستاها و برخی از شهرها ، بعلت مقاومت روستائیان و اهالی شهرها و مبارزه بی امان پیشمرگان موفق نبوده است .

درواقع حمایت بیدریغ روستائیان از پیشمرگان خود در شهرها از یکسو و تمرکز نیرو - های پیشمرکه در دهات و روستاهای اطراف شهر - ها از سوی دیگر ، رژیم را درین بست قرار داده است . رژیم میبیند که تنها عاملی که میتواند مانع از حمایت دهقانان و اهالی شهرها از پیشمرگان قهرمان جنبش گردد ، همان کشتار و قتل عام این زحمتکشان است . او با دست زدن به این جنایات در پی این است که نیروهای پیشمرکه در شهرها و روستاها و با در کوههای اطراف در محاصره کامل قرار داده و با بیروزی روستائیان بعنوان پشتوانه توده پیشان ، پیشمرگان را منزوی گردانیده و با خیال آسوده - ای به تضعیف و تحلیل نیروهای مسلح خلق کرد بپردازد . حمله و قتل عام و انهدام روستا - های اطراف " اسنویه " توسط رژیم از جمله ایمن اقدامات جنایتکارانه برای تسخیر اسنویه است .

۳ - ایجاد تفرقه و برپا کردن کشتی بین کردها و ترکها : سیاست تفرقه اندازی و ایجاد درگیری بین ترک و کردو شیعی و سنی از جمله اهداف دراز مدت رژیم در جهت سرکوب خلق کرد بشمار میرود . حمله پاسداران ، ارتش ، جاشها و دیگر مزدوران رژیم به روستاها آتش زدن محصولات و علوفه های دامی روستائیان کرد و غارت اموال و خانه ها و دکانها و کشتار آنها بویژه در نواحی مرزی آذربایجان غربی و بطور مشخص در نطقه برای این است که مزدوران رژیم و نمود سازند که این اعمال توسط ترکیهای منطقه انجام گرفته است و با اینکار بر اختلافات قومی و مذهبی بین اهالی منطقه دامن زدن ، ایمن سیاست رژیم زد و جنبه حاشا همت است ؛ اولاً " اذهان عمومی روستائیان کرد توجه آنها را از مبارزه با رژیم جنایتکار کم و ادا مه جنبش مقاومت تا بیروزی آن ، منحرف کند . ثانیاً "



جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است



مبارزه طبقاتی در جامعه ما اوچکونده و در دنیا بنده است. این گفته بر پایه ذهنیات و خارج از چهارچوب واقعیات و پدیده های عینی بلکه ناشی از تحلیل ما از تشدید بحران اقتصادی - سیاسی وحدت یا بی تضادهای طبقاتی میباشد. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خود، همانا در دناک بحران را تنها بر دوش کارگران و زحمتکشان نهیست قرار داده است و بیرواصح است که تمام این بحران محضات جامعه را افروده، توهم نموده ها را بیستی از پیش در هم شکسته و سیر مبارزه زحمتکشان را تسریع مینماید.

در بستری بحران اقتصادی - اجتماعی، توده ها بطور روز افزون درک میکنند که این رژیم نمی تواند و نه میخواهد به خواسته های آنان پاسخ گوید. کارآگاهان و فعالان لیتهای افشاگرانه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها نیز در آگاه شدن هر چه بیشتر زحمتکشان عمل کرده و انتشار وسیعی از زحمتکشان، بسوی نیروهای انقلابی جذب شده و در شرف افزون پایگاه هستند. کمونیستها و نیروهای انقلابی را موجب میگردد در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیز بنا به ماهیت سرمایه داری و ارتجاعی خود، شیوه سرکوب و کشتار و ایجاد خفگان گسترده را در پیش گرفته و برای رها نشی خود ازین بست بحران کنونی، از هر گونه اقدام جنایتکارانه دریغ نمیورزد، اما این امر نیز دامنه جنبش را باز هم وسیعتر مینماید. جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز در تشدید مبارزه طبقاتی تاثیر بسیار زیادی دارد. چه، توده ها در جریان زندگی روزمره خود با توجه به واقعیتها و ملموس اقتصاد - اجتماعی نظیر گرانی، قحطی، گرسنگی، مرگ و میر و بیماری و آوارگی و صدها مصیبت دیگر از سویی، و آسناگری - ها و فعالیتهای نیروهای کمونیستی و انقلابی از سوی دیگر، ماهیت ارتجاعی این جنسک را در بافته و بعینه درک میکنند. این جنگ ضمن کمک موثر به شکستن توهم توده ها، عامل مهمی در تعمیق و گسترش نا رضایتی و مبارزه توده ها نسبت به رژیم میباشد. با گسترش جنبشهای اعتراضی زحمتکشان مبارزه طبقاتی شدت یافته و جامعه مایسوی یک حرکت انقلابی توده ای کشیده میشود. همانطور که امروز شاهد هستیم در حال حاضر مناطقی از جامعه ما در شرایط موقعیت انقلابی قرار داشته و مبارزه انقلابی مسلحانه علیه طبقه حاکمه در جریان است، اما در همین هنگام ما بر نقاط ایران از جنبش موقعیتی بدور است. اما آنچه ما را اهمیت است اینست که شرایط اعتلای کنونی جامعه در متن بحران عمومی بیش از پیش تکامل

بیدا کرده و روند مبارزه طبقاتی را عمق داده و گسترده مینماید و با معضات یک جنگ داخلی اجتناب ناپذیر سوق میدهد این روند عمومی جامعه ما است. اگر چه احتمال کودتای امیر - لیستی را ما از نظر دور نمیداریم، لیکن اعتقاد ما بر آنست که تشدید مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی موجود و راهگشایی بسوی جنگ داخلی جهت دهنده سمت عمومی جامعه ما است. البته ما در گذشتند بدستی این روند عمومی جامعه را در مقابل آنچه ما به کدا مسمومی رود (بیکارهای ۵۵ و ۵۴) بیش بینی نمودیم، و بیسان کردیم که جاری شدن جنگ داخلی خارج از ضابط و آرا داده افراد است، زیرا خود محصول تشدید تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی در جامعه ما است. اما در این مقاله در توضیح مفهوم جنگ داخلی مابعد انحراف در غلطیدیم. ما در این مقاله نوشتیم: "بی هیچ تردیدی طی چنین روند در دناکی که موافق تمایل و آرزوهای مانیت ما خواهد ن مبارزه طبقاتی اوچکیری آن هستیم، لیکن خواهان جنگ داخلی و برادرگشی نیستیم" در اینجا ما بیروتنی مواجدا درکی غیر - ما رکسیستی و غیر طبقاتی از جنگ داخلی میبایم در اینجا چنین وانمود می نمود که گویا جنگ داخلی همان برادرگشی است. حال آنکه چنین نیست این درست است که در جنگ داخلی چه بسا توده های نا آگاه و متوهم دنیا ل سیاست بورژوازی حرکت کنند، اما آنچه که اساسی است اینست که مبارزه طبقاتی در روند خود صفوف طبقاتی را هر چه بیشتر از یکدیگر منما نیز نموده و جامعه را به دو قطب اساسی تقسیم میکند. در یک سو، اردوگاه زحمتکشان و خلقها و در سوی دیگر اردوگاه بورژوازی و تمامی مرتجعین. مبارزه در میان این دو اردوگاه جریان داشته و هر چه ما در میگردد، جنگ داخلی نتیجه اجتناب ناپذیر تضاد های این دو قطب است. جنگ داخلی ادا مسه سیاسی است که از تضادهای طبقاتی نشات

گرفته است. جنگ داخلی همان انقلاب است که نتیجه سیاست سبتی بر ضرورت سرتکونی ارتجاع و رها نشی زحمتکشان میباشد. بنا بر این درک انحرافی ما از جنگ داخلی چنین وانمود می - ساخت که گویا جنگ داخلی همان برادرگشی است و این امر نتیجه اوچکیری مبارزه طبقاتی نمی - باشد! حال آنکه جنگ داخلی همان انقلاب و نتیجه اوچکیری مبارزه طبقاتی درون جامعه و در حقیقت عالیترین شکل مبارزه طبقاتی بشمار می آید. لنین آموزگار رکیس زحمتکشان میگوید: "جنگ داخلی نیز جنگ است. کسی که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نمیتواند جنگهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی مینماید و در تکامل و تشدید طبیعی و در موازات مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی است، قبول نداشته باشد. تمام انقلابیهای کسیر مویسد این اصل اند. نفی یا فراموش نمودن جنگ - های داخلی معنایش دچار شدن به منتها درجه بورژوازیست و عدول از انقلابات سوسیالیستی است." (منتخب آثار - برنانه جنگی انقلاب پرولتاریائی) بنا بر این نمیتوان هم خواهان اوچکیری مبارزه طبقاتی بود و هم از جنگ داخلی اجتناب نمود. جنگ داخلی ادا مبارزه طبقاتی در شکل قهرآمیز آن میباشد. شما ما انقلابات سوسیالیستی دموکراتیک - فدا میریالیستی، همواره از کانال جنگ داخلی بر علیه حکومتهای سرمایه داران و مستکبران عبور کرده و به پیروزی و رهایی زحمتکشان انجامیده است و وجود توده های نا آگاه و در حقیقت سرمایه داران و مستکبران نمیتواند نافی اجتناب ناپذیر بودن و ضرورت جنگ انقلابی داخلی (در صورت وجود شرایط عینی و ذهنی) باشد. معیار ما در ارزیابی از هر جنگ سیاست حاکم بر طرفین جنگ است. ما این جنگ داخلی را نه جنگ توده های نا آگاه و نه نیروهای انقلابی بلکه با یک جنگ انقلاب و فدا انقلاب و خلق و ضد خلق

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

قطع حقوق و اعتراضات کارگران صنعت نفت

من فقط مسئولیت دارم که خانواده‌هایمان را اسکان دهم! کارگران با فریاد حرف‌هایشان را قطع کرده و گفتند: "اسکان یعنی اینکه در کنار خانه‌ها با خوابگاه‌ها، در مساجد، بیرون سبزه‌ها، در کمپ B آب و برق و غذا را بروی زن و بچه‌ها - بمان قطع کنید؟" فرمانداران را چارمیشود که برای پاسخ گویی به کارگران "آهویی" مسئول صنعت نفت ما هشورا خبر کنند و آهویی بس از آمدن شروع به زبان نازی و آوردن دلائل ارتجاعی برای کارگران میکنند که کارگران یک صدا میگویند: "ما شما را همینجا نگه میداریم تا به کارمان رسیدگی کنید و ما را با ما بمانند ما زمین بخوابید تا مزه‌اش را بچشید" خشم و غلیان کارگران اوج گرفته بود و مسئولین از ترس به آنها قول میدهند که هفته دیگر حقوقی کارگران را پرداخت نمایند، اما آرزوی سرمایه‌داری خواهد توانست با وعده و وعیدهای دروغین از او جگری مبارزات کارگران قهرمان جنگ - زده جلوگیری کند؟

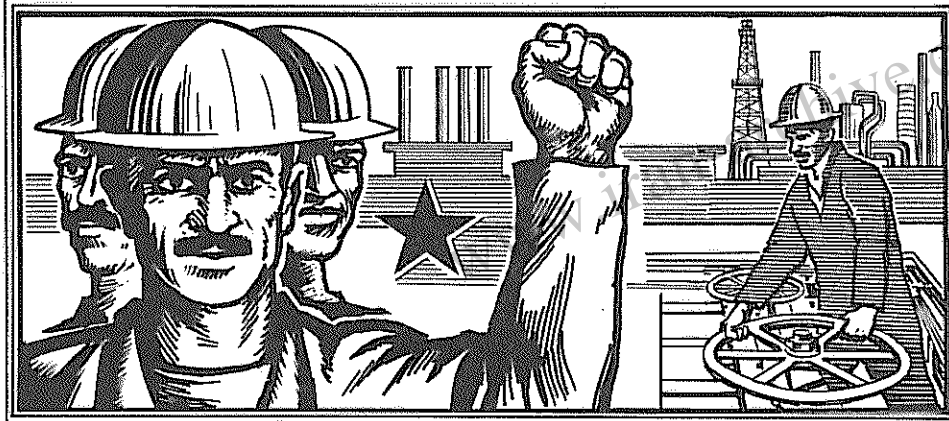
روز دوشنبه ۵۹/۸/۱۷ حدود ۲۰۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت که با خانواده‌هایشان در شهر بسر می‌برند، برای گرفتن دوما حقوق عقب افتاده‌شان در دبستان سعدی جمع شدند. مسئولین قول داده بودند که "حدادی" شما بینه اما در صنعت نفت برای رسیدگی به خواسته‌های شما باید ما خبری از وی نشد. کارگران خشمگین از این موضوع تصمیم می‌گیرند بیطرف فرمانداری برونند که "شکوری" خوانده ما شین سر رسیده و خطاب به کارگران میگوید: "این کار شما بسیار زنده است." یکی از کارگران در پاسخ وی فریاد میزند که: "زنده اینست که در شاهراغ شیراز زیر پای مردم آوار آید با زمین کنید، زنده این است که بعد از یک عمر کار کردن زن و بچه‌هایمان در گوشه‌خانه‌ها با بخوابند و گرسنه بمانند." بعد از رسیدن کارگران به فرمانداری، فرماندار به میان آنها آمده و میگوید: "من مسئولیتی ندارم، گفته‌اند که کارگران اگر حقوق می‌خواهند به آبدان بیایند و بگیرند،

عبداصمحه ۳ زندگی...

قطع شده است. این اعمال موجب خشم کارگران گردیده است، از جمله حدود ۱۵۰۰ کارگر تخریب و با ریکری بندر انزلی که طبق این بختنامه ۱۰ حقوقشان کم می‌شود، دست بمبارزه و خواستار لغو این بختنامه شده‌اند. رژیم سرمایه‌داری مبطریق شیوه معمولش با سازمان سرمایه‌داری برای سرکوب کارگران می‌فرستند و آنها سه‌تنه از نمایندگان کارگران را دستگیر میکنند. ولی کارگران مبارزه خود را بصورت کم‌کم‌کاری ادامه می‌دهند بطوریکه تخریب کالانه ۷۰۰ تن تقلیل می‌یابد.

اجتماع کارکنان صنعت نفت در اصفهان

روز دوشنبه ۵۹/۹/۸ کارگران و کارمندان نفت جنوب برای حضور و غیاب به باشگاه کارکنان نفت اصفهان می‌روند. در آنجا بزرگانی را بر می‌کنند تا روز ۱۵ آذر به آنها حقوق بدهند. لایحه به تذکرات که تحت شرایط کنونی که زحمتکشان مناطق جنگ زده تحت فشار آوارگی و بی‌خانمانی از یکسو و گران و کمبودها بحاجت زندگی، از سوی دیگرند، دولت تمام حقوق کارکنان نفت جنوب را نداد و به هر کارگر ۲۰۰۰ تومان بیشتر ندهند. در اجتماع مذکور، نماینده کارکنان از مذاکراتش با مسئولین در شهران، صحبت کرد و گفت که مسئولین امر گفته‌اند "هیچگونه حق مسکن و مزایایی به کارگران نمیدهیم و کارگران باید به مناطق جنگ زده برگردند." آن‌گاه نماینده کارکنان توضیح داد که با زکشت کارگران به مناطق جنگی نتیجه‌ای جز به استقبال گلوله‌ها رفتن ندارند. گفت: "جنگ را که ما راه نیافتاده ایم که حال آنرا ادامه می‌دهیم. این جنگ شما تحمیل شده و ما حاضر نیستیم بیخودی کشته شویم ما هیچ کتانی نگردیده‌ایم که زن و بچه خود را از جنگ نجات داده‌ایم. ولی با زانایان مسئولین می‌گویند بروید در جبهه تا کشته شوید!" کارگران که از روحیه‌ای انقلابی و پر شور برخوردار بوده و به ماهیت ارتجاعی جنگ پی برده بودند، شفر خود را از جنگ سرمایه‌داران و اعمال فدکا رگری رژیم جمهوری اسلامی ایران میداشتند. قاسم توجه است که تعداد کارکنانی که در مجموع از جنوب به اصفهان آمده اند به ۵۰۰ نفر می‌رسد.



خواستهای کارکنان صنعت نفت

تاریخ ۵۹/۸/۷ در مناطق جنگ زده مانده‌اند و مقداری پول برداخت می‌کردند، اما نمایندگان این شرط را باطل اعلان کرده و خواسته‌اند تا بهمه کارگران این پول تعلق گیرد. اما مانده بودن جهت کار در قسمتهای مختلف شرکت نفت یا بخش در اصفهان. پس از فشارهای زیادی که نمایندگان کارگران در شهرها به مسئولین شرکت نفت وارد کرده اند فعلا به کارگران فرمهایی برای برگردن داده اند و قصد دارند به کارگران رسمی ۴۰۰۰ تومان و به کارگران پیمانی ۳۰۰۰ تومان جهت کمک خرج بپردازند که تاکنون به تعدادی از کارگران این پول پرداخت شده و بقیه هنوز در انتظار هستند. مبارزه بیش در آمدن و سرمایه‌داری زحمتکشان است.

اصفهان - روز دوشنبه ۱۹ ۵۹/۸/۷ حدود ۵۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت در آبادان و خرمشهر که اکثرًا از کارگران با سابقه یا لایحه آبدان میباشند، جهت روشن شدن وضعیت در محل شرکت نفت اصفهان اجتماع میکنند. این عده تمیلا چند نماینده از میان خود برای مذاکره با مسئولین شرکت نفت به شهران فرستاده بودند که آنها خواسته‌های زیر را مطرح کرده و خواستار اجرای آن شده‌اند:

- ۱- پرداخت حقوق
- ۲- پرداخت خواروبار
- ۳- بیمه درمانی و استفاده از بیمه رستانهای شرکت نفت و غیره.
- ۴- پرداخت غرامت جنگی بمدت ۲ ماه (از طرف شرکت نفت اعلان شده است که فقط به کسانی که تا

ارزیابی کنیم. این جنگ، جنگی است که راهی از بردگی و استعمار استعمار را تعقیب مینماید و به همین لحاظ جنگ داخلی، جنگی عادلانه و انقلابی است و طبقه کارگر و کمونیستها با بسد فعالان در آن شرکت نمایند. اجتناب از جنگ ناگزیر آئینده، جزا بورژوازی و ریزش بورژوازیسم چیز دیگری نخواهد بود، زیرا این امر نفی انقلاب و تائید حاکمیت ارتجاع خواهد بود.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان
علیه سرمایه‌داری دولتی (۱)



اواخر مردادماه سال، جهان شاهد افتخار مبارزات طبقه کارگر لهستان گردید. این مبارزات که بسبب اعتصابات گسترده کارگری برپا شد، (و هنوز هم غیرمعمول و بی‌سابقه‌ای بزرگ کارگران ادا می‌دارد) (۱) جهان ضربات عمیقی بر سرمایه‌داری دولتی لهستان و نه تنها، سرمایه‌داری جهانی، وارد آورد که لبره بر اندام امپریالیسم جهانی افکند. بویژه کشورهای اروپای شرقی که مدتی سوسیالیستی بودن نظام خود میسازند، رسوا شدند. این اعتصابات تأکید غیرقابل انکاری بود بر ماهیت سرمایه‌داری سوسیالیسم شوروی و اقرارش که پس از غلبه قدرت طبقه کارگر، توسط طبقه سرمایه‌دار، آنها بمنظور فریب کارگران و خلقهای جهان تلاش مذبحانه‌ای را آغاز کردند تا نظام خویش را کماکان سوسیالیستی جلوه دهند. علاوه بر این یکبارگی طبقه کارگر لهستان در این مبارزات وسعت و گسترش کم نظیر اعتصابات که طرف مدت کوتاهی میلیونها کارگر سراسر لهستان را دربر گرفت، بی‌تکرار قدرت لایزال طبقه کارگر و بوسیدگی نظام سرمایه‌داری میسازد.

از آنجا شیکه کارگران جهان یک طبقه واحد را تشکیل می‌دهند، دارای منافع و خواسته‌های مشترک میسازند، آنها همچنین دشمنان طبقاتی مشترک چون امپریالیستها، سرمایه‌داران،

روزیونیستها و تمامی مترجمین دارند. بنا بر این مبارزه بخشی از طبقه کارگر در منطقه‌ای از جهان اینجا میگیرد، تا شریات خود را در سرتاسر جهان باقی میگذارد. بخشی از این تأثیرات، استفاده است که کارگران ساینقاط میسازند از تجربیات مبارزه برادران طبقاتی لهستان، به‌شمارند. به همین دلیل درس آموزی از تجربیات مبارزاتی طبقه کارگر لهستان (که بسیار غنی و پر بار است)، بررسی و جمع‌بندی دستاوردها و نقاط ضعف آن، برای بالا بردن آگاهی کارگران ایران و بی‌هر چه بیشتر آنان به هیچ وجهی مبارزه طبقاتی، اهمیت بسیاری دارد چرا که بدون درس‌گیری از تجربیات مبارزاتی نمیتوان دانش لازم برای نابودی سرمایه‌داری و امپریالیسم را بدست آورد. لذا با این هدف به

سرمایه‌را "بشارتی" برای طبقه کارگر قلمداد میکنند که "شمرات انقلاب" خود را لمس خواهند کرد! در صورتیکه طبقه کارگر همچون ساینتر بوده‌های تحت ستم ایران طی این مدت ۲۲ ماهی که از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، بارها و بارها با هیت رژیم را در سرکوبها و پاسداری از سرمایه‌داری وابسته، دیده‌اند و روز بروز توهم‌شان نسبت به رژیم ارتجاعی حاکم فرو میریزد. بنا بر این تلاش روزیونیستها (و از جمله‌دار و دسته حزب توده) برای آرایش رژیم نتیجه‌ای جز افسای هر چه بیشتر خودشان در نزد توده‌ها، نخواهد داشت. طبقه کارگر، برخلاف روزیونیست‌ها که بدنبال وعده‌های "محبت آمیز" رژیم دودم تکان میدهند نیازی به این عوامفریبیها نداشته و راه‌هایی خویش را تنها و تنها در مبارزه‌ای بی‌کسر و آشتی ناپذیر با دشمنان طبقاتی (که رژیم فعلی در رأس آنها قرار دارد)، می‌بینند و در این راه شما می‌روزیونیستها را نیز به زباله‌دان تاریخ خواهد سپرد!

کاروا مورا اجتماعی که وزارت کار به وزارتخانه مدافع اصلی حقوق کارگران تبدیل خواهد شد، "بشارتی" است برای طبقه کارگر که میخواهد شمرات انقلاب را در محیط کار روزندگی خود لمس کند. (همانجا، تا کیدازماست) اینهمه‌ها هو برای وعده‌آقای وزیر، یعنی اوج خدمتگزاری به طبقه سرمایه‌دار و اوج خیانت به طبقه کارگر! مثر مقامات رژیمهای سرمایه‌داری، تاکنون برای خاموش کردن کارگران و زحمتکشان، کم وعده و وعید داده‌اند؟ مکرور بران "کار" در زمان رژیم شاه و در زمان همین رژیم‌زاییان وعده‌ها کم داده‌اند؟ اصولاً این یکی از روشهای سرمایه‌داران و عوام‌پلشان است که تا نمیتوانند کارگران و توده‌های معترض و بی‌خوار را با انواع شیوه‌ها از وعده و وعید گرفته تا سرکوب مستقیم، از ادامه مبارزه بازدارند. حال روزیونیستها، توده‌ای نه تنها این شیوه‌ها را تا شیکه کرده و با رژیم همصدا میشوند، بلکه با و تا حد خاص خویش، این عوامفریبی وزیر جدید

سخنان... بقیه از صفحه ۳

روزیونیستها، توده‌ای با هیاخوی بسیار از سخنان وزیر کار و مورا اجتماعی تعریف و تمجید کرده و می‌نویسند: "طی هشتادسالی که از تولد طبقه کارگر ایران میگذرد، این نخستین بار است که وزیر براس وزارت کار و امور اجتماعی ایران، در نا شیکه نسبت طبقه کارگر میگوید: "ما معتقدیم که حکومت روی زمین بسا مستضعفین است." (مردم شماره ۲۸۱) روزیونیستهای توده‌ای چنان از این کفنه و زیور رژیم جمهوری اسلامی (که نه تاریکی دارد و نه دردی را از دردهای طبقه کارگر درمان میکند)، یاد میکنند که کوبی در ایران "حکومت مستضعفین" برقرار است و همین امروز وفردا است که روی گره زمین برقرار شود!

اما آنها که نمی‌توانند منکر نارما بیتی شدید مبارزات کارگران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی شوند، برای دفاع از رژیم سعی میکنند اورا "بگنا" جلوه داده و همه تقصیر را متوجه "سرمایه‌داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی" (که معلوم نیست چگونه اینقدر قدرت یافته‌اند که کارکنانی دولتی را تحت نفوذ خود درآورد) گردانند. آنها مجبورند اعتراف کنند که: "سود ویژه را نبرداخته‌اند از اجزای همان قانون کار و رفا غوتی ظفره رفته‌اند، بر جزایای کارگران قلم کشیده‌اند، آنان را بی‌سعه نگرده‌اند، بهداشت و ایمنی محیط کار را بی‌فرا موشی سپرده و هر روز و هر هفته از کارگران شریاتی گرفته‌اند..." (همانجا) اما حزب خائن توده مزورانه می‌کوشد تا رژیم جمهوری اسلامی را که عامل فلاکت و استخما رشید کارگران و توده‌ها، میسازد را "معصوم" جلوه دهد، با یدا زاین چاپلوسان رژیم سوال کرده که چه کسانی سود ویژه را که قسمتی از حقوق کارگران بود و در آنسالیها مبارزه از حلقوم رژیم جنایتکار شاه بیرون آورده بودند، قطع کرد؟ چه کسانی بر جزایای کارگران قلم کشیدند؟ چه کسانی با وضع قوانین ضد کارگری به دفاع از منافع سرمایه‌داران پرداختند؟ و سرانجام چه کسانی با پشتیبانی تمام و کمال از طبقه سرمایه‌دار، هر مدای اعتراضی کارگران را با گلوله یا سداران سرکوب نمود؟ و این چه کسانی هستند که با تمام قدرت خویش در جهت تحکیم و تثبیت سرمایه‌داری وابسته، کوشید و میکوشند؟ جز رژیم جمهوری اسلامی؟ و البته که شما روزیونیستها هم در رسیدن رژیم به اهدافش، الحق که سنگ تمام گذاشته‌اید!

و اما ببینیم چه چیزی موجب شده که روزیونیستهای توده‌ای به خود اجازه بدهند که این چنین به آرایش رژیم بپردازند؟ تمام مطلب که "بیان خواسته‌های طبقه کارگر" است (!)، از زبسان روزیونیستها چنین است:

"اکسون و عده‌آقای محمد میرمادتی وزیر جدید

←
بررسی تجربه مذکور ببرد از بیم:
**الف - جلوه‌های از
قدرت و یکپارچگی طبقه کارگر**

یکی از روزگانه‌های مهم جنبش اخیر کارگران لیسان، نمایان‌ندری است که طبقه کارگر در کشورهای صنعتی و بخصوص مالیکی که سرمایه داری دولتی و تحت حاکمیت روزیونیست‌ها هستند، انجام داده است به همین دلیل همه‌تتها بورژوازی لیسان، کشورهای اروپای شرقی و بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی، بلکه سوسیالیسم بورژوازی سراسر جهان امپریالیستی، از این حرکت بوده‌ای که می‌توانست به کشورهای دیگر هم سرایت کند، بوحشت افتادند، امپریالیستهای غربی غلبه‌گرها بشان با بلوک شرق و سوسیال امپریالیسم شوروی، و غلبه‌گرها، استفاده‌های سلطنتی که بمنظور بدنام کردن سوسیالیسم و موجود جلوه‌دادن خود، می‌گردید، مع ذالک دولت لیسان را در خوابانیدن این بحران، بسیاری نمودند (دادن وامی معادل ۲۲۵ میلیون دلار توسط یک گروه بانکی آمریکائی، وام ۱/۲ میلیارد دلاری یک گروه بانکی آلمانی و...)، این اسرار ظرفی ناسنگر و حودت منافعی نمایان امپریالیستهای روزینیستهای سرمایه‌داری در مقابل طبقه کارگر و روزینیستگان، و از طرف دیگر بیانگر قدرت طبقه کارگر لیسان می‌باشد. اما جلوه‌های این قدرت که اینچنین موجب وحشت بورژوازی شده است، کدامند؟

۱- گسترده‌گی و ابعاد میلیونی جنبش

قبل از آغاز اعتبارات گسترده از اوایل سرمایه داری، اعتبارات برآکنده اما بی‌دری، در بسیاری از شهرهای لیسان صورت می‌گیرد. که در خواستهای این اعتبارات عمدتاً رفاهی بود (افزایش دستمزد، مخالفت با افزایش قیمت ارزاق عمومی و بخصوص گوشت) ولی خود بیانگر بحران عمیق اقتصادی در کشور بود که سرانجام بدانفجارات عظیم توده‌ای منجر گردید. روز ۲۳ مرداد ۱۳۵۷ هزار کارگر کاخانه کشتی سازی لنین در سیرکداشک، بعنوان اعتراض به اخراج یک کارگر دست به اعتصاب می‌زنند و ظرف چند روز بعد از آن صدها هزار کارگر در شمال لیسان و سراسر میلیونها توده کارگر در سراسر کشور دست به اعتصاب می‌زنند. سرعت و گسترده‌گی این اعتبارات از طرفی، و مدد در مدد کارگری بسودن جنبش از طرف دیگر، خصوصیات برجسته و کم‌نظیری به اعتبارات کارگران لیسان می‌بخشد.

۲- همبستگی کارگران

آنچه که بیش از همه موجبات تکراری "دولت لیسان را فراهم کرده بود، اتحاد و یکپارچگی طبقه کارگر و رضایتی شدید آنها از سیستم سرمایه‌داری دولتی حاکم بود. اگر چه رسته‌هایی اعتبارات وجود بحران اقتصادی و فشار ناشی

از آن بدکارگران بود، اما شروع اعتبارات گسترده با اعلام حمایت کارگران کاخانه کشتی دیگر کارگران کشتی سازی لنین بود و حال آنکه این ساخت زمانیکه دولت با دستبازگی و از سرین گسترش جنبش با خواستهای کارگران کاخانه مذکور موافقت نمود، کارگران که مسخاستند اعتبار خود را با بیان بخشند، بعلت درخواست کارگران سایر کاخانه‌ها که خواستار ادا مسد مبارزه با تحقظ خواستهای نمای کارگران لیسان بودند، به مبارزه و اعتبار با ادا مسد دادند. اینست جلوه یکپارچگی طبقه کارگر! کارگران که به ما هیت سرمایه‌دارانند دولت بی‌برده‌اند بدردستی درک کرده‌اند که رها بیی طبقه کارگر فقط بدست خودشان ممکن است. آنها به حیل‌های سرمایه‌داران که همواره سعی میکنند بین کارگران تفرقه بیندازند و حتی گاه بیان دادن امتیازاتی، جنبش کارگری را بخواه‌اند تا بعد بتوانند همان امتیازات را هم بیسی بگیرند، بی‌برده‌ویا اتکا به برداران همه طبقه خود حفظ یکپارچگی کارگران را بر هر چیز مقدم دانستند. این همبستگی شدید، از طرف دیگر بیانگر اعتباری دولت و استبداد سوسیالیسم امپریالیسم لیسان در میان توده‌ها و کارگران است. کارگران که بدردستی دولت را در نمس طبقه‌ای خود می‌دیدند، لزوماً اتکا به خود و حفظ وحدت را برای مبارزه با آن بیشتر احساس می‌کردند. با اید از روزیونیستهای که لیسان را "سوسیالیستی" می‌دانستند اوال کرد، آیا اگر دولت ذره‌ای در میان کارگران بقوودداشت، این اعتبارات می‌توانستند با این سرعت و ابعاد گسترده، انجام شوند؟

۳- شکست دولت بورژوا - روزیونیستی و پیروزی طبقه کارگر

رژیم مذکور کارگری لیسان به همراه ربا بان روستی که از جنبش کم‌نظیر کارگران به وحشت افتاده بودند، تمام کوشش خود را کردند تا هر چه زودتر قضیه را "قیله" دهند. آنها بدردستی بی‌برده بودند که ادا مه‌این جنبش مستواند انقراضی را در کشورهای اروپای شرقی و حتی خود شوروی بدنیال داشته‌اند که در آن صورت "مه‌ار" گردش محال می‌گردید. از طرف دیگر سرکوب نظامی و مداطه سوسیال امپریالیسم شوروی (که ادا مه تنها جم شده بود) "خطر" عواقب مصیبت بسیاری برایشان در برداشت. بنا بر این بعد از آنکه تلاتهای دولت جهت به انحراف کشیده مبارزات کارگران و ما شتمالی کردن خواستهایشان موثر واقع نگردید و طبقه کارگر چون کوهی استوار پیش می‌آمد، جنبه سرمایه‌داران، تسلیم را بامر مفاومنی که منجر به مرگشان می‌گردید، ترجیح داد و لذا سراسر ضمن اعتراف به حقانیت جنبش کارگران، با نمای خواسته‌های کارگران موافقت نمود. خواستهای کارگران که هم‌رفاهی و صمیمی بودند (افزایش ۲۵۰۰ زلوتی حقوق

ما هانه، امضای دست‌نمونه‌ها با افراسنت تمینها، حق با زینسنگی بهیود شرایط کار و...) و هم سیاسی (برسمیت شاختن سندیکا های آزاد حق اعتنا ب آزادی بیان، آزادی رسداسان سیاسی و بعضا اخبار مربوط به ایداد کمیسر هها هنکی کارگران و...) بیانگر ما هیت سرمایه دارانند نظام کارگر لیسان و رسد آگاهی نسبی کارگران بود. به همین دلیل اگر چه خواهی کارگران تمینوا ندونما بد به اینها محدود شود، ولی بیروزی در تحمیل این خواسته‌ها در واقع نوعی بیروزی طبقه کارگر بورژوازی است!

ب- گندیدگی سرمایه‌داری جهانی و زبونی روزیونیستها

بیشتر از این انا ره کردیم به وحشت تمامی امپریالیستهای از جنبش کارگری لیسان کسه منجر بدان گردید که حتی امپریالیستهای غربی برای خوابانیدن اعتبارات به دولت لیسان که وابسته به رقیب سوسیال امپریالیستشان است، کمک کنند. اس امر با نکران و اذاعت است که اولاً قدرتهای امپریالیستی علی رغم اختلافاتی که در درونشان بر سر غارت هر چه بیشتر خلفها و کارگران جهان وجود دارد، در برابر مبارزات توده‌ها متحدند. ثانیاً جهان سرمایه‌داری در بحران عمیقی بسر می‌برد و ثالثاً مالیکی جهان چنان به هم مرتبط اند که مبارزات کارگران در یک نقطه سرعت تا نراتق را در سایر نقاط برجا می‌گذرد. علاوه، جنبش اخیر کارگران در لیسان بیانگر واقعیت دیگری نیز هست و آن بونالی بودن رژیمهای روزیونیستی و وابسته به سوسیال امپریالیسم است، که غلبه‌گرها نسلجات شان مبتنی بر "سوسیالیستی" بودن مفاسسات اقتصادی - اجتماعی کشورشان، اینجانبین با هیت سرمایه‌داران جهان بر ملا میشود. آنها یکمگ سرکوب و حقان و نیروی سربرداشتن از طرفی و عواقریبی‌هایشان در مورد سوسیالیستی جازدن خود، از طرف دیگر، در این خیال خام بسر می‌برند که بتوانند در مرحله اول توده‌های خود و سپس خلقهای سراسر جهان را فریب داده و به حیات ننگینشان تحت پوشش "سوسیالیسم" ادامه دهند. در صورتیکه مبارزات اخیر (که در گذشته هم در لیسان و هم در سایر کشورهای اروپای شرقی تکرار شده بود)، بوضوح نشان داد که اولاً دیگر حنای روزیونیستها برای خلقهایشان رنگی ندارد و توده‌ها کم‌وبیش به ما هیت ضد خلقی دولتشان بی‌برده‌اند و ثانیاً سوسیال امپریالیسم شوروی واقعا ریش‌روزیه روزی بیشتر در نزد کارگران و خلقهای جهان رسوا می‌گردد. سرخوردن دولت لیسان با کارگران (که همچون بر خورد تمامی دولت‌های سرمایه‌داری در جهت منحرف کردن مبارزه آنها، ابعاد تفرقه دو - دستگی و سردواندن کارگران بود)، و مداخلات آشکار سوسیال امپریالیسم و تهدیداتش مبتنی

لیبرالیسم: ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار!

ایرورها که حکم بس لبرالیا و حزب جمهوری اسلامی بالا گرفته است، مسئله لبرالیسم مسئله داغ رورسده است. بخی از مردم که در اختیاتی هیئت خاکند سئوه آمده اند و خواهان دموکراسی هستند، با آگاهان دیگر می کنند لبرالیا آزادخواه هستند. عده ای دیگر مانند ما همدیگر را اگر چه لبرالیسم را مطابق با منافع اشکلات نمی دانند، اما لبرالیا را در حزب جمهوری اسلامی طرح می دهند و معتقدند که لبرالیا مانند حزبی ها، سرکوبگر و "احزاب طلب" هستند. عده ای دیگر به حمایت از حزب جمهوری اسلامی برخاسته و در مقابل لبرالیا که در "خط آمریکا" مستند از جبر مجبوی بنام "خط امام" (۱) حمایت می کنند، مانند فدائیان اکثریت، حزب بوده خائن و ...

اما خود لبرالیا و حزب جمهوری در مسورد خود چه می گویند و نظرها کمونیستها در این باره چیست؟

حزب جمهوری خود را "انقلابی"، "مرفی"، "مدا میرالیا لیست" و "تکنسی" میدانند و حزب (لیبرالیا) را "سازگار"، "سرمکستی" و "در خط آمریکا" می خوانند.

لبرالیا سر خود را "آزاد بخواد" و "مرفی" میدانند و حزب جمهوری اسلامی را "مرنج" "مفت مانده" و "احزاب طلب" معرفی می کنند.

در این بین از آنجا که سیاست حزب جمهوری اسلامی، سیاست چپانی است و ما آزاد کردیم و افشا و محکوم کردیم، خلی رو در رین مردم رسوا شده و بسیاری از مردم به ما هیت فدائینقلابی و دیگنان نورسند آن بی برده اند و بیگانه آن در میان مردم بسرعت در حال افول است.

اما لبرالیا که سیاست "چپانی و سان سیرینی" را بنا بر میگرد، حرفها بیان از نظر بسیاری از مردم منطقی می آید و فکر می کنند که آنها واقعا درد دلان را می نهیند و آزادیخواه هستند. بهین جهت لبرالیا از طریق افکار روزمره آلودان را خیلی راحت در ذهن نوده ها می - نواسند و سر و کسب بسیار خطرناک هستند و سر - اندام یاد افشا نوند.

امروزه "لیبرالیسم" خطر بسیار بزرگی

(۱) - نمونه مجبوی بودن خط امام موجود دهیا تعبیر از "خط امام" است. کوبا خود "امام" هم نمی داند "خط" اش چیست. اگر میدانست بکار و برای همیشه بدعوای در این باره نارسده است بیان میداد! (بیکار)

لبرالیا میگوید ما از آزادیخواهی مردم رحمکن اسفاده کرده و خود را همراه با آسمان شان دهد. اما هرگاه در حینگان غلبه سرمایه داری فنام میگردند. آنها "آزاد بخواهی" خود را فراموش می نمودند و خود به سرکوب آنها می - بردا خندند. مثلا طبقه سرمایه دار فرانس که لبرال نیر بود، دوباره بخونین ترس کسار کارگران دست زد، یکی در سال ۱۸۲۸ و دیگری در سال ۱۸۷۱. و سندیخ که بورژوازی بکامل باست و سمر حله امیرا لبرالسم سید از نظر تاریخی کاملا بر سرخواهانه خود را از دست داد و بیک سروری ارتجاعی تبدیل شد. در همین رابطه لبرالیسم بورژوازی در کشورهای سرمایه داری وارد شده امیرا لبرالسم، بدلیل خصلت انکلی این

است که جنس دموکراتیک - مدا میرالیسی طبقه ای ایران را نهیدید بکند. چه مردم که از اینهمه گراسی، بیکاری، سرکوب، فشدان آزادی و ... به دست آمده اند، فکر می کنند "لبرالیا" ارتجاعی دیگری هستند و می توانستند مانع آنها را باخ دهد! در حال حاضر کرایه زیسادی نسبت به لبرالیا بوجود آمده است. نظرات باراریان در قزوین، خا رو و حمال عده ای از

● لبرالیسم که ایدئولوژی طبقه سرمایه دار بود، از آنجهت که با ارتجاع فئودالی به مخالفت برخاست و خواستار رشد نیروهای مولده بود، جنبه مترقیانه داشت. اما لبرالها از آنسر و خواهان آزادی سیاسی بودند، که بتوانند آزادی اقتصادی را برای خود تامین نمایند.

● بقول رفیق لنین، لبرالها از آنرواستنداد متزجر هستند که باعث انقلاب میشوند. آنها انقلاب بیشتر میبراسند تا از ارتجاع.

سیم و وایسکی بورژوازی لبرال - امیرا لبرالسم، بهیچوجه برای حیند سیرتیا سید نبودند و بهین دلیل لبرالها در این سیم (سرمادهاری وابسته) حتی در همان زمان که در قدرت نیندند و تا بیکه مزارات مردم برسد می کند، میگویند ما به ما رن کسان حسن بنا حکومت، از رند ما رزات نوده ای جلوگیری کرد. چه آنها اگر چه با ارتجاع حاکم اخلاقی دانسته باشند، اما از انقلاب نوده ها بیسرو حبت دارند. آنان به فکر کف پول خویش هستند نه فکر مردم.

بقول رفیق لنین، لبرالها از آنرو استنداد متزجر هستند که باعث انقلاب میشوند. آنها از انقلاب سیرتیا سید از ارتجاع.

لیبرالیسم ایدئولوژی آزادیخواهی
بورژوازی است. آزادیخواهی ای که بر چهار رچوب آزادی برای بورژوازی و سدود. ای زحمتکن است. بهین خاطر است که ما کسی با را ارتوانین بورژوازی فرانس کرد است. فریاد بورژواها به هوا سلید می شود که "خراکار" و "ما خراحو" هستند. آزادی برای بورژوازی یعنی دیگنان نوری برای کارگران و زحمتکنان، آزادی برای بورژوازی یعنی "آزاد" بودن برای عارت دسریج کارگران، آزادی برای ندوسن توانینی کد این استعمار را رسمت بحسد، آزادی برای جلوگیری از "خا و ز" کارگران به "حرم" سرمایه داران، آزادی برای اعمال سرکوب جهت جلوگیری از انقلاب، آزادی برای ترب دادن زحمتکنان و ...

لیبرالیسم در کشورهای تحت سلطه، در جهت حفظ سیاست حید با امیرا لبرالسم می کند، حد،

روحان و لبرالها در دفاع از طبقه زاده و گسرن بقود لبرالها بی نظیرینی صدر غلب - راده و ... در میان مردم، بخوبی نتانند هده این خطرات. با می گویند من تومج لبرالیسم شان بهم که این ایدئولوژی چگونه در خدمت منافع نوده ها که نیست هیچ، نمن سرخست انقلاب است و زحمتکنان با بددیرک کنند که در مقابل احتیاق و دیگنان نوری حاکم، با بددیرک دموکراسی کارگری روی آورید و به لبرالیسم مدانقلابی.

لیبرالیسم، سیاست و طرز تفکری است که در سرن هیچدم در اروپا بوجود آمد. آسوق کسه طبقه سرمایه دار سندیخ و سدیگرده بود و بنا نشودا لبرالیسم و نشودا لبرالها سرنا ساز کاری دانست، لبرالیسم بوجود آمد، طبقه سرمایه دار مخالفت قید و سید نشودا لبرالیا بود و منخواست که آزادی سده اجازه رند سرمایه داری را داده اند، نشودا لبرالها از آنها مالیات بگیرند و مزاج منجارت و بازار کاسی آنها نبود. از اینرو لبرالیسم که بیان خواست - های اقتصادی و سیاسی آنها بود، بوجود آمد. لبرالیسم که ایدئولوژی طبقه سرمایه دار بود، از آنجهت که با ارتجاع فئودالی به مخالفت برخاست و خواستار رشد نیروهای مولده بود، جنبه مترقیانه داشت. اما لبرالها از آنسر و خواهان آزادی سیاسی بودند، که بتوانند آزادی اقتصادی را برای خود تامین نمایند. یعنی بتوانند آزادی بدروت خود را از اینان کیند و آزادی سده استعمار کارگران بردارند. آنها آزادی میخواهند، اما آنها برای خودشان و بنا آن حذک منافع خودشان با منین مسود.

لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را افشا و طرد نمایم

دفاع نمود و بالاخره از "قاطعتیت" برای اعمال "نظم" سخن گفت، "قاطعتیتی" که جز دیکتاتوری ضد انقلابی و سرکوب مبارزات کارگران چیز دیگری نبود، چنان "قاطعتیتی" که بنی مدیر اعتبار آن گفت "شورا، بی شورا"، چنان "قاطعتیتی" که چنانچه رهن از رهبران خلق ترکمن را اعدام نمود، چنان "قاطعتیتی" که در سرکوب دانشجویان و برقراری "نظم" ضد انقلابی از خود نشان داد و فردای روز کشتار دانشجویان در دانشگاه از برقرار شدن "نظم" سخن گفت، چنان است که لیبرالها بی چینی بنی صدر در مقابل انقلاب و مبارزه توده‌ها، "آزادخواهی" را فراموش کرده و چهره واقعی خود را ابراز می‌کنند، اما آنها برای فریب توده‌ها

خواهان حل "مسئله آرمیز" آن بودند، در حالی که توده‌ها بدلیل نفاذ آشتی‌ناپذیرشان با رژیم شاه و خواهان مبارزه مسلحانه علیه او بودند. در همان زمان، بازرگان کوشید که آیت‌الله خمینی را از صرا روی سرکونی شاه منصرف کند که موفق نشد، بختیار رنبرگه جزو همین لیبرالها بود، خیانت خود را آشکار کرد و برای مقابله با انقلاب به‌دامان رژیم پناهنده و در سرکوب فعالان مردم‌نشان داد که "آزادخواهی" ای که وی در جنبه ملی بهمراهی همدستانش دنبال میکرد، چند پوچ و دروغین است و برای مقابله با انقلاب، حاضر است بدترین نوع استبداد و کشتار را اگر لازم باشد بکار برد.

● لیبرال‌هایی کوشیدند تا از آزادیخواهی مردم زحمتکش استفاده کرده و خود را همراه آنها نشان دهند. اما هرگاه زحمتکشان علیه سرمایه‌داری قیام می‌کردند، آنها "آزادخواهی" خود را فراموش می‌نمودند و خود به سرکوب آنها می‌پرداختند.

میکوشیدند فقط با چاق، بلکه از ان شیرینی نیز استفاده کنند، "نان شیرینی" برای فریب توده‌ها که بصورت وعده‌های دروغین حل مسئله بیکاری، رعایت و تضمین آزادیها و مناظره تلویزیونی و... صورت میگرفت و "چاق" برای سرکوب توده‌ها، زمانیکه توده‌ها به مبارزه دست می‌زنند.

اکنون با این توضیحات باید روشن شده باشد که لیبرالها "آزادخواه" نیستند، با بسط روشن شده‌اند که لیبرالیسم، آزادی بسراپی توده‌ها نیست، آزادی برای سرمایه‌داران، آزادی برای سازش با امپریالیسم، "آزادی" برای فریب توده‌هاست، باید روشن شده باشد که زمانی لیبرالها فریاد آزادیخواهی سر میدهند که منافع خودشان مورد تهدید قرار بگیرد، در شرایط کنونی که حزب جمهوری اسلامی بر لیبرالها فشار روانی آورد، قطب زاده، این دیکتاتورسانسورچی را دیووتلوویزیون، فریاد "آزادخواهی" سر میدهد، و از نبود آزادی بی‌تاملی و لاجرم که منافعی در خطر است، اما همین قطب زاده قاطعتیت ضد انقلابی فراوانی در تصفیه کارکنان مبارزان دیووتلوویزیون نشان داد و در انحلال شورایی مترقی آنها و برقراری استبداد فردی در رادیو و تلویزیون دست حریفان "حزبی" را از پشت بسته بود، یا همین بنی صدر که از نبود "آزادی" وجود شکنجه در زندانها می‌نالند، خود کسی است که در کشتار و سرکوب و دستگیری مبارزین خلق ترکمن، کرد و... دستش بخون آلوده است، اما چه شده است که امروز داد آزادی سر میدهد؟ زیرا رقیب، منافعی وی را مورد تهدید قرار داده و "آزادی" لیبرالها را محدود کرده است.

بدین ترتیب کارگران و زحمتکشان توده‌های مردم با بیدار شدن و آگاهی شدند که لیبرالیسم، دموکراسی نیست، لیبرالیسم، اینجا در فاه و حل مشکلات را به ارمان نمی‌آورد.

بقیه در صفحه ۶

لیبرالها در شرایط نزدیک به قیام و در شرایطی که توده‌ها خواهان مبارزه قطعی با رژیم شاه و امپریالیسم بودند، با سوار شدن بر موج جنبش توده‌ای کوشیدند تا واسطه بین خرد و بورژوازی مرفه‌سنتی و امپریالیستها شوند و سیستم سرمایه‌داری وابسته را بدون کوچکترین کزندی حفظ کنند، اما قیام، معادلات انتقال قدرت بصورت "مسئله آرمیز" را برهم زد و ضرباتی را بر این سیستم و منافع امپریالیستها وارد ساخت، لیبرالها که بسیار رحیرت زده شده بودند، با روی کار آمدن دولت جدید سرکوبی بازرگان کوشیدند و روابط با آمریکا را بهبود بخشیدند، ساواک و اکیها و ارتش را غسور نموده و حتی با اعدام هویدا مخالفت کردند. لیبرالها که برای سازش با آمریکا، برای بازسازی ارتش و سیستم سرمایه‌داری وابسته سینه جاک میکردند و از "محسنتات" آن سخن میگفتند آشکارا از مبارزات مردم انتقاد کرده، و بازرگان میگفت: ای کاش که انقلاب نمی‌کردیم! و در جای دیگر میگفت: "با ران خواستیم، سیل آمد!" لیبرالها هر چه بیشتر برای نزدیکی با امپریالیسم از جمله ارتش و... کوشش میکردند و بهمان اندازه تنفر خود را از مبارزات انقلابی توده‌ها نشان میدادند و در سرکوب آن لحظه‌ای تردید به دل راه نمی‌دادند، از آن جمله است سرکوب مبارزات کارگران بیگار، سرکوب خلق کرد، سرکوب خلق ترکمن و... البته با زرگان نماینده لیبرالها، آنچنان آشکارا از حفظ روابط حسنه با امپریالیسم پشتیبانی میکرد که بزودی نزد توده‌ها رسوا و جناح دیگر حکومت نیز آنرا کنار زد، اما بنی صدر لیبرال که به ریاست جمهوری رسید، همان راه را ادامه داد.

سیاست بنی صدر تلاش در جهت آزادی‌گروگانها تقویت ارتش آمریکا، ایجاد نظم کهنه‌گذشته و برقراری امنیت به زور سرکوب مجدد خلق کرد که خود بنی صدر آنرا سا زمانه می‌نمود، سرکوب مجدد خلق ترکمن که بنی صدر آن در تلویزیون

لیبرالها که خواهان آزادی سرمایه‌گذاری خود و خواهان آزادی در غارت دسترنج زحمتکشان هستند، این آزادیها را نمی‌توانند بدون آزادی در حفظ مناسبات حسنه با امپریالیسم بدست آورند. چرا که آنها جز وظیفه سرمایه‌دار هستند و سرمایه‌داری در ایران وابسته به امپریالیسم است، بهمین دلیل آنها از مبارزه انقلابی مردم بر علیه امپریالیسم وحشت دارند و خواهان سازش و نزدیکی به آنها و حداکثر برخی مخالفت‌های "آرام" و "قانونی" و "قابل قبول" که منافعی را به خطر نیاندازد، هستند.

در این مورد که فای است به بررسی عملکرد لیبرالها در ایران چه آن زمان که در قدرت نبودند و چه وقتی که به قدرت رسیدند بسنجیم: در دوران حاکمیت رژیم مزدور آریا مهری، لیبرالها که در قدرت نبودند، سنگ آزا دیخواهی را به سینه میزدند، آنها ان اعتراضات به حکومت آریا مهری در این بود که چرا "قانون اساسی" رعایت نمیشود، چرا اجازه فعالیت به آنها که در چهارچوب قانون است داده نمیشود و به حکومت پیشنهاد می‌کردند که برای حفظ مملکت از "شوب مردم" (منظور انقلاب توده‌هاست)، بهتر است به رعایت قانون توجه کنند. شاعر آنها این بود که شاه با بدسلطنت کننده حکومت، تمام مواضع لیبرالها بی‌همچون شریعتمداری، سنجایی، بازرگان و... چنین بود، آنها نه تنها خواهان سرکونی رژیم نبودند، نه تنها خواهان نابودی حاکمیت امپریالیستها بر زمین ما نبودند، نه تنها به استثنای روحشانه کارگران اعتراضی ندا شنیدند (چرا که خودشان در استثنای آنها شریک بودند)، بلکه دشمن انقلاب بودند و مخالفتشان با استبداد شاه را زاینرو بود که می‌توانستند باعث انقلاب شود، آنها ان کوشش میکردند در مجلس و دولت راه پیدا کنند و با سازش با یکدیگر بیگانه سرکوب "انقلاب بپر دازند، اما رژیم آریا مهری به آنها بی‌مهری کرده و حاضر به سازش با آنها نبود، بهمین دلیل آنها از نقض قانون اساسی (همان قانونی که سلطنت را موهبت الهی می‌شناسد، همان قانونی که برای حفظ مناسبات سرمایه‌داران و برای سرکوب استثنای روشنگران بوجود آمده است، همان قانونی که سلطنت امپریالیستها را بر زمین، تا مین میکند) و از دست رفتن آزادی (آزادی خودشان) سخن می‌گفتند، اما به محض آنکه جنبش توده‌ها گسترش یافت، مخالفت لیبرالها با انقلاب و تلاش برای حفظ سلطنت بالا گرفت، نصیحت‌های فروهر، سنجایی، شاهپور بختیار و شریعتمداری به شاه برای حفظ مملکت از "شوب" شروع شد و تلاش برای مهار کردن جنبش خلق که خواهان سرکونی رژیم بود، تدفرونی یافت، بطوریکه روزتا سوعا لیبرالها مردم را وادار کردند که شاه را بر شاه نگویند، به این بهانه که ممکنست خونریزی شود!! لیبرالها همواره طرفدار سازش و مسالمت هستند، آنها اگر مخالفتی با رژیم شاه داشتند،

قسمت آخر

پیکار بحالاً زرمی تراب خواهن میکنیم در باره ادا نمائش با آیت الله خمینی پس از سال ۵۵ مطالبی را که لازم میدانم مطرح کند

زرمی تراب بزرگ موضع آیت الله خمینی در مجال مسائل مبارزاتی توده های رحتگس و تحت ستم ایران و سرخ تماس مابین آیت الله بعنوان نمایندگان سازمان مجاهدین در آن سالها به طرح مسائل ضروری متعددی نیاز دارم که در این مصاحبه (با توجه بدفعات محدود دیگر) نمیکنم و باید آنرا به فرستای دیگری موکول نمود. برای مثال باید شرح داد که "حوزه علمیه نجف" چگونه محیطی است و مجتهدین بزرگ آنجا حداقل در ۶۰

سال گذشته چکسانی بوده اند و در خدمت جده طیفانی؟ آیا آنطور که امروز تاریخ نویسان اسلامی "بدروغ اظهار میدارند روحانیت بزرگ شیعه پرچمدار آزادی و مبارزه با استعمار بوده است؟ یا بید برای توده ها روس کرد که مجتهدی بنام میرزا محمد تقی شیرازی که "رهبران انقلاب اسلامی عراق" (در ۱۹۲۰) لقب گرفته و آیت الله خمینی از او با تجلیل فراوان یاد میکنند (سخن رانی مندرج در روزنامه های اول آذر ماه ۵۹) چگونه نماینده ای به فرمانده سیاسی کل عراق سرپرستی کاکی، که از چهره های بازسیاست استعماری بریتانیا در خاور میانه بوده، می نوشته است. با بدروغی کرد که همین مجتهد مورد حمایت آیت الله خمینی، به سفر آمریکا در تهران چه می نوشته و چگونه از عدالت گستری آمریکا شیان استمداد میکرد و بالاخره چه روابطی بین او و وثوق الدوله عا قد معروف قراداد ننگین ۱۹۱۹ (۱) و امثال او وجود داشته است؟

همچنین برای درک موضع آیت الله خمینی در نجف در آن سالها، باید برای کارگران و زحمتگشان روشن کرد که مبتلا آیت الله سید محسن حکیم، صاحب قبیل و مورد حمایت فتوای الهیای عراق و دشمن سر سخت کمونیستها و نیروهای مترقی که فتوای "الشیوعه کفر" (کمونیسم کفر است) را صادر کرد و کشتار عام کمونیستها در عراق را در خود توجیه نمود، چه کسی بوده و آیت الله خمینی نسبت به او چه نظری دارد، تا سرخی در دست داشته با شیم برای حمایتی که هم اکنون رؤیم جمهوری اسلامی از فرزندان آیت الله حکیم میکنند و او را در این با صلاح "روحانیت مبارز" عراق مینشانند. در حالیکه همین شخصی اخیر (سید مهدی حکیم) از سردمداران حزب ارتجاعی "الدعوة" و مورد حمایت ساواک بوده است در سال

(۱) - روسیه تزاری و امیرا طوری بریتانیا قرار دادی را به ایران تحمیل کرده اند که بر اساس آن ایران به سه منطقه نفوذ یعنی شمال برای روسیه، جنوب برای انگلیس و مرکز بعنوان منطقه به اصطلاح بی طرف تقسیم میشود. این قرار داد در سال ۱۹۱۹ به امضای وثوق الدوله نخست وزیر رسید ولی در مجلس تصویب نشد. (پیکار)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

رابطه آیت الله خمینی با مبارزات مردم ایران در سالهای تبعید:

در آن سالها، با استنای سال ۵۷، یعنی تقریباً در طول ۱۲ سال، رابطه آیت الله خمینی با مبارزات مردم ایران، رابطه ای منفعل بود و از حد ۶-۵ ماه یک اعلامیه، آنهم پس از یک - دنیا اصرار و التماس برخی از طلاب و روحانیون مبارزان سالها از داخل یا خارج کشور، تجاوز

۵۲ به ایران بنا شده و مورد حمایت ماه قرار گرفته است.

و یا باید دید آیت الله خوئی که تا آخرین روزهای شاه از او حمایت میکرد و در سال ۵۷ از صرح "بهنگام زیارت در نجف" استقبال نمود چه کسی است و آیت الله خمینی در مقابل خوئی و امثال ایشان آیت الله شاه هرودی و... چه موضعی داشته و دارد؟

● آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت میکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی) و در آن زمان داشتیم) منع می نمود.

● در آن سالها آیت الله خمینی چنان نومید بود که تلویحاً به برخی از طرفداران که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند.

با بددی که در برابر فرماندهی و ریخت و پاش با صلاح نیت المال مسلمین که از یک ریال و دو ریال توده های زحمتکش و نا آگاه جمع شده بصورت "جوهای شرعی" به صندوق هریک از مجتهدین نجف سرازیر میشد و صرف شکمبارگی "آقا زاده ها" و نوه و نینجه های مجتهدین بزرگ میکردند آیت الله خمینی چه موضعی داشته و دارد برای مثال اولاد و نواده های مجتهدین "وقتهای عالی مقام" - هر چند روحانی نبودند - از "مستعمری" مرتب ماها نه بخورند و بیرونند. در باره ریخت و پاش ها و فساد های "آقا زاده ها" که معمولاً با صلاح "عقل منغل" پدران نشان هم هستند چه در نجف و چه در قم و مشهد... افسان گریبای متعدد میتوان تهیه کرد که اینجا مجال طرح آنها نیست.

باری آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت میکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی) که در آن زمان داشتیم) منع مینمود. (رجوع شود به قسمت های قبلی مصاحبه - پیکار ۸۱) آیت الله خمینی، اگر دیروز سکوت میکرد ولی امروز که دیگر موضع گذشته را نمیتوانند اشته با شیم - عنوان یکی از سردمداران رژیم در آمده است که درست در مقابل خلق ایستاده است، از موضع سکوت پیشین با رافرا تر گذارده به خیانتها و جنایت های معممین هم با اغماض می نگردد که نمونه اش را در "دادگاه ویژه روحانیت" (۲) میتوان دید.

(۲) - درباره "دادگاه ویژه روحانیت" که تبعیض بین معمم و غیر معمم را به وضوح نشان میدهد رجوع کنید به فرمان آیت الله خمینی مورخه ۱۲/۲ ج ۹۹/۲ (پیکار)

نمیکرد. آیت الله خمینی در باره سرکوب خلقی کرد توسط رژیم شاه در سالهای ۴۶ و ۴۷، کشتار کارگران جهان جیت ۱۳۵۰ دستگیرها و اعدام های آن سالها بخصوص از سیاه هکل به بعد، کشتار خلق فلسطین در اردن (سیتامیرسیاه)، جنایات امیرالایسم آمریکا در ویتنام، لشکر کشی شاه به طفا روکشتار خلق عمان و بسیاری از موارد مشابه دیگر، هیچ موضع گیری نداشت و این در حالی بود که نیروهای انقلابی ایران و توده های که آگاه بودند برای هریک از مسائل فوق انسانی انقلابی قابل توجهی صرف کرده خود را با خطرات فراوان روبرو میساختند و چه بسا با سرخشان در زندان می ماندند یا به جوخه های آتش سیرده میشدند برای آنکه نمونه ای داده با شما زدگی که آیت الله خمینی در سال ۵۱ از زند مبارزاتی در ایران داشت اشاره میکنم به اینکه وقتی از زنادت مبارزین جان برکف آن سالها خبری می شنید، برایش قابل باور نبود، ما دفاعیات مجاهد شهید سعید محسن را که خود او اصل آنرا روی کاغذ سیگار نوشته به خارج زندان ارسال کرده بود چاپ و منتشر نمودیم و توسط همین آقای دعائی نسخه ای را برای آیت الله فرستادیم. آیت الله پس از خواندن گفته بود: "اینرا در خارج از زندان نوشته اند" و وقتی به او گفته شده بود: "خیر، سعید محسن خودش اینها را در سلول نوشته و به خارج از زندان فرستاده و اینهم نمونه دستخط اوست که در آخر کتاب کلیشه شده است، آیت الله با تا با وری گفته بود: اگر کسی این حرفها را بزند دهانش را خرد میکنند" که به او جواب داده شد "آقا! او را اعدام کرده اند!"

آیت الله خمینی در آن سالها نسبت به پیروزی بر شاه امیدوار نبود و هما نظر که در قسمت های قبلی مصاحبه آمده، آنرا بدون کمک

یک ارتش و دولت خارجی، ممکن نمی دانست تا بدخوا طرهمین نومیدی بود که در اغلب اغلایه ها و نامه های آیت الله در آن سالها عباراتی مانند این که "من روزهای آخر عمر خود را می گذرانم" و "دیدم میشم، او میشمیداست که ضعف های جنبش انقلابی ایران و فقدان تشکیلات نیرومند انقلابی و کمونیستی، او را برجسته کرده ای سوار خوا هد کرد تا بالاخره مردم، جمهوری اسلامی را هم تجربه کنند! او به مبارزه عظیم توده ها و انفعال توان انقلابی زحمتگنان اعتماد نداشت و به همین دلیل هم هست که همواره از انقلاب توده های زحمتکش ایران که نظام مناهتا می را به زیبا لهدان تاریخ انگنید بعنوان معجزه یاد میکنند و می بتا رذ که "دستی از غیب بیرون آمده" و کاری کرده است. در آن سالها آیت الله خمینی چنان نومید بود که تلویحا به برخی از طرفدارانش که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داد که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند. (۳) و بدین ترتیب آقای لاجوردی (دادستان دادگاه انقلاب)، عسکرا ولادی (وکیل مجلس شورا) و حاج مهدی عراقی (که بدست گروه فرقان ترور شد) و آیت الله انواری (نماینده امام در زندان امری و وکیل مجلس شورا) و آقای کرویی، هم در سال ۵۵، در تلوویزیون، سیاسی ناهتا ه آریا مهر را گفتند و آزاد شدند.

درک آیت الله خمینی در آن سالها از مبارزه بین خلقهای تحت ستم از یک طرف و امیرالاستهای غارتگر و خونخوار و عوامل دست نمانده آن از طرف دیگر چنان بود که نبرد ما دلانه و جان آفرین خلق ویتنا مرا که پوزه امیرالاست آمریکا را به خاک مالید بصورت دعوی آمریکا و شوروی تصور میکرد. در دستگا ه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی با رها از مبارزات خلق ویتنام و بیروزی عظیم آنان بنا شده است ولی هرگز اینرا نگفتند که آیت الله خمینی در آن سالها که جنگ جریان داشت کوچکترین موضعی در حمایت از آنان نکرقت همچین الاسته ایتراسیز نگفتند که آن بیروزی عظیم تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام عملی گشت.

همینطور در مورد لشکرکشی شاه به دلفا روسر - کوب خلق قهرمان عمان که جزئی از ایفانی نقشی بود که امیرالاست بعنوان ژاندارم منطقه بعهده شاه گذاشته بود، آیت الله خمینی هیچ موضع مخالفی نگرفت، بلکه سید مصطفی فرزندی آیت الله، از قول بدر نقل کرده بود که "ما نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفار ریها کمونیست اند!" البته آیت الله خمینی

(۳) - چند سال زندان کشیدن این آقایان و امنا لهدانستان مفضل از اوزادگی، تنگ نظری - های خرده بورژوازی و پاس دار دکه در جاسای دیگری با یدافتا کرد (پیکار)

به سکوت گذشته خود که ناشی از نا بیگیری شدید او در مبارزه با رژیم شاه و امیرالاست بود اکتفا نکرده، بر از کسب قدرت خود به سرکوب کمونیستها و شوروی های انقلابی در داخل ایران برداشته و با قطع بنا به ما هیت طبقا نین نمیتوانست، هیچگونه حمایتی هم از انقلاب مسلحانه خلقی عمان بعمل آورد.

● آیت الله خمینی حماسه تاریخی خلق ویتنام را در جلد "جنگ بین آمریکا و شوروی" تصور میکرد

● آیت الله درباره لشکرکشی شاه به ظفار معتقد بود: "ما که نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفار ریها کمونیست اند"

هما نظیر که قبلا گفته ام با سخنای فتوایی که در سال ۴۲ راجع به کمک مالی به سازمان الفتح از طرف آیت الله خمینی داده شد، دیگر اعلامیه ای مستقل در حمایت از فلسطین از او سراغ ندادیم تا اینکه در سال ۵۲ برادران انقلابی فلسطینی از ما خواستند در ترتیب ملاقات هایستی از طرف آنها را با آیت الله بدهیم تا آنها ضمن طرح مسئله جنوب لبنان، از او بخواهند طوسی فتوایی حمایت شیعان لبنان از مقاومت فلسطین را مورد تاکید قرار دهد. در آن ملاقات که من هم معرف آنها بودم و هم کار ترجمه را بعهده داشتم این امکان شده که ضمن طرح مسائل سیاسی مربوط به قضیه فلسطین بخصوص در لبنان آیت الله وعده انتشار اعلامیه ای در حمایت از فلسطینی ها را بدهد. آن اعلامیه با بعضی بیسنها دهائی که من هنگام قراشت پیش نویس آن کردم به امضای آیت الله رسید و منتشر شد.

رو به مرتبه موضع آیت الله خمینی نسبت به مسائل سیاسی ایران و منطقه حالت منفعلی داشت بطوریکه تا سال ۵۷ او برای نیروهای انقلابی فلسطینی و غیره تقریبا نا شناخته بود. در مورد برخورد آیت الله با عمال سرسریده رژیم شاه، یک نمونه را ذکر میکنم و آن اینکه طی یکی از ملاقاتها که معمولاً برای درجریسان گذاشتن آیت الله نسبت به اخبار مبارزاتسی ایران داشتیم، مطرح کردم که سرهنگ مولوی رئیس سابق ساواک تهران گویا کشته شده است. آیت الله با تعجب پرسید که "چرا او را کشته اند؟" من گفتم "لایه چون در اس ساواک بوده" گفت: "این درست نیست، او دیگر از ساواک رفته و به ژاندارمری منتقل شده بود!"

آیت الله از سرهنگ مولوی خاطرهای داشته است و آن اینکه در سال ۴۲ وقتی آیت الله خمینی حدود دو ماه در زندان گذراند یک روز مولوی نزد او میرود تا خبر آزادی آیت الله را به او بدهد و تا کید کند که "شاهتا ه معتقدند که حضرات آیات عظام ما یدمورد احترام ما شد و لسی از سخنرانی تند آیت الله ناراحت هستند" و آیت الله خمینی قبول میکند که ممکن است تند روییها می هم شده باشد! آیا اغماض آیت الله

نسبت به مولوی و برخوردی که او در همان سالهای ۴۲ نسبت به اصل سلطنت ویا سکوت او در قبال جنایات شاه در ظفار و... در سالهای بعد داشت سی ارتباط است؟ در حاشیه این مباحثه جا داشت راجع به روایت آیت الله با کردا نندگان انحن اسلامی در اروپا و آمریکا نظیر ما دی طباطبائی و قطب زاده و بنی صدر و دکتر بریدی که گارشان بطسور عمده داره محافل و جلساتی بود که ربطی به مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه نداشت و تا ید و کمک مالی که آیت الله بدانان مینمود جاسای صحبتهای فراوان هست.

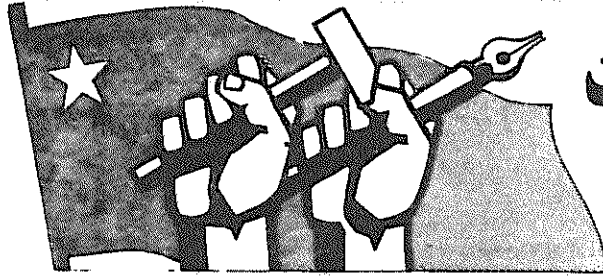
ما طی این مباحثه تحلیل مواضع آیت الله خمینی در سالهای تسعید و نقش واقعی که او در آن سالها داشته برده ختا یمود را اینجا نیازی به تکرار آنها نیست.

ما در این مباحثه کوشیدیم هر چند با خصا ر کامل شهای از واقعیات جنبش انقلابی سالهای گذشته را که از طرف بورژوازی و خرده بورژوازی بقدرت رسیده شد یداد معرض تحریف و مسخ قرار گرفته است، برای کارگران و زحمتگنان و نیروهای انقلابی بازگو کنیم و نشان دهیم طبقا ت واقعا ریهنا بینی که در دوره شاه، در زیر حاکمیت مطلق سیاسی و اقتصادی سرمایه دارای وابسته به امیرالاست قرار داشتند و به همین اعتبار برخی مواضع مبارزاتی (البته تا بیگیری و در تناسب با موقعیت طبقا نین) از خود نشان میدادند، چگونه پس از سوار شدن بر موجی که انقلاب توده ها برانگیخته بود، و غلب قدرت سیاسی، به صف ضد انقلاب پیوسته همدست با امیرالاست چنانی به سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی میسر دارند، این واقعیتی است که راه سرخ انقلاب دموکراتیک فدا امیرالاستی خلقهای قهرمان ما در مسیر پرستلاخ خود با مبارزه علیه طبقات با سادار نظام استثنای کهن طی خواهد گشت. این وظیفه سترگ کمونیستهاست که بی مهابا حقایق را به توده ها بازگویند، آنها را در پرتو جهان بینی عملی خود ما رکیسم لنینسیم بسیج، سازماندهی و رهبری کنند و جا مع را بسوی آینده - ای تا بناک که فارغ از هرگونه ستم طبقا ن و ملی است رهشمن شوند. کمونیستها برای تحقق این آرمان از هیچ گونه فداکاری دریغ ندارند و از هیچ چیز نمی هراسند. این حتمیت تاریخ است. پیکار: با تشکرا ز رفقا تراب حق شناس و حسین - روحانی که نظرات خودشان را با پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف یا ما در میان گذاشتند، به خواشنندگان عزیز بویزه رفقای که به ما نامه نوشتند و خواستارانتنا را این مباحثه بصورت کتاب شده اند اطلاع میدهم که متن کامل این مباحثه را همراه با مباحثه رفیق تراب پیرامون یا وهای شیخ محمد - منتظری (مندرج در شماره های ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ پیکار) در یک کتاب منتشر خواهیم کرد.



پیکار

هنرمقاومت هنرپرولتری



نقد فیلم "چهل و یکمین"

کارگردان: گریگوری چوخرای - محصول شوروی

هنر رویونیستی و نفرت از جنگ طبقاتی پرولتاریا

فیلم "چهل و یکمین" اثر مشهور کریگوری چوخرای، یکی از زیاده‌ترین فیلم‌سازان رویونیست معاصر شوروی مدتی است که اگران چندسینمای رسمی جمهوری اسلامی را فتح کرده است این فیلم ارتزاهای نیست، در واقع محصول سال ۱۹۵۶ می‌باشد، نمایش آن بارها در کشورهای غربی و همچنین در ایران آنهم مصادف با سیاه‌ترین سالهای سرکوب رژیم شاه تکرار شد و ستایشهای فراوانی برانگیخت، با اینهمه سخا طرا اهمیت تاریخی این فیلم در بنا نهادن هنر پرولتاریا - رویونیستی معاصر، سخا طرا تاثیر مخرب آن در میان کارگران و زحمتکشان جهان، و سخا طرا ضرورت روشن کردن ماهیت ایدئولوژیک این اثر برای پرولتاریای مارکسیست - لنینیست و همه زحمتکشان، ما لازم دیده ایم برده از چهره فریبکارانه آن بزرگواریم، تا بهر آشکار شود که چرا جمهوری اسلامی، اینچنین طرفدار فیلمهای روسی شده است، و بویژه حزب جمهوری اسلامی چنان به این حد علیه رژیم همه تضادهای ضد انقلابی خود با سوسال امپریالیسم شوروی، بسوی این آثار آغوش گشوده است و از آن چه می‌طلبید، ما فراموش نمی‌کنیم که آن با صراحت در نشریاتش می‌نویسند: "از سینمای روسیه با غولهای... که کوشیده اند قبیل از هر چیز یک سینمای مسلح به ایدئولوژی سازند و در واقع سینما را تبدیل به وسیله آموزشی کنند که در سطح وسیعی با قویترین نیروهای جهان تبلیغات کند میتوان آموخت... فیلم‌ها و گران‌ترین سیستم (این فیلم به وسیله "بنیاد هنری مستضعفین" به نمایش درآمده است سوسال امپریالیسم شوروی است - پیکار) و هم طبقه فیلمهای سینمای روسیه بعلمت اینکه دارای ایده‌ها و تکنیکهای تازه و جالبی هستند میتوان در مقایسه‌ای بین سینمای غرب نتیجه‌ای خوب به سینماگران و سینما دوستان بدهد... (بخشنامه ۳۰ مرداد ۵۹ د - هفته‌نامه فرهنگی روزنامه جمهوری اسلامی)

هیچ شکی نمی‌توان داشت که کارگران این هنری حزب جمهوری اسلامی بدرستی دریا افتادند این "ایده‌های تازه" و این "سینمای مسلح به ایدئولوژی" امروز شوروی هیچ ربطی به ایده‌ها و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم ندارد، و آموزش آن، آموزشی خیانت‌بار برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و آموزشی بسود پرور و آزادی و در خدمت ارتجاع و ضد انقلاب است. و به همین دلیل است که فیلم‌هایی نظیر "چهل و یکمین" را به نمایش درمی‌آورند... بیستیم فیلم منجسط چوخرای چگونه به رژیم جمهوری اسلامی خدمت میکند.

چوخرای خود درباره فیلمش میگوید: "من ۴۲ سال پیش در اکراشین" مایل‌ها دورتر از مسکو متولد شده‌ام. و "چهل و یکمین" را در سال ۱۹۵۵ که چنین تا شیری بر فیلمسازی روسیه داشته است در همانجا ساختم.

پیش از ساختن "چهل و یکمین" من درباره آینده سینمای شوروی که در نتیجه کیش شخصیت استالین به دکما تیسم‌گفته نظراته مبتلا شده بود خیلی فکر کردم. تصمیم گرفتم که بر علیه این دکما تیسم مبارزه کنم. من مجبوریم مبارزه با تعصبات بودم تا شانس ساختن این فیلم را بدست آورم. (چوخرای - مجله فیلم و فیلمسازی - اکتبر ۱۹۶۳)

اکنون آسان تر میتوان دریافت که در "چهل و یکمین"، کدام دیدگاه سیاسی - ایدئولوژیک و هنری نهفته است و در پس‌تصاویر این فیلم چه ضدیت و قیاحت‌های با مارکسیسم - لنینیسم و هنر مارکسیستی خوابیده است.

داستان فیلم

فیلم "چهل و یکمین" مربوط به سالهای اول انقلاب اکتبر و دوران جنگ داخلی است فیلم با صحنه‌ای شروع میشود که دست‌های از نیروهای سرخ از کار رد سفید شکست خورده و در شزار

های خرد در حال عقب‌نشینی هستند، ما روتکا یکی از افراد این دسته است. او دختری ساده و سراسر اندازی ما هر و بلتویکی رزمنده است. آنان به افراد کار رد سفید بر میخورند و ما روتکا از سی و هشتمین تا چهلیمین نفرات را دشمن را بدون خطا مورد هدف قرار میدهد، اما وقتی که ما روتکا برای کشتن "چهل و یکمین" نفر می‌فشارد دست تقدیر (!) سبب میشود که تیرش به خطا برود افسر کار رد سفید مورد هدف قرار نمی‌گیرد، بر جسد او بالا می‌برد، و به اسارت آنان در می‌آید، او از افسران کلچاک فرمانده کل کار رد سفید است و با خود اسرار یک حمله پرا اهمیت را برای دنگین، ژنرال دولت شوروی حمل میکند.

وظیفه محافظت از این افسر تا رسیدن به ستاد ارتش سرخ به ما روتکا سپرده میشود، و پس از حوادتی، وقتی که آنان با یک قایق به محل ستاد می‌روند قایقشان گرفتار توفان شده و دو نفر از همراهان ما روتکا غرق میشوند و او افسر چشم‌آبی به یک جزیره خالی پرتاب میشوند. در اینجا ست که این دو عاشق هم میشوند لیکن دوران سعادت انسان دیری نمی‌پایید، بیکروز از میان دریا قایقی سر میرسد، آنان فکر میکنند که نجات یافته‌اند اما با نزدیک شدن قایق، مشخص میشود که متعلق به افراد کار رد سفید است، افسر دشمن، فریاد زدن بسوی قایق میدود و ما روتکا در یک لحظه بناچار کسی را که عاشقش بود، میکشد و تنها در حالیکه بشدت میگریه، جسد غرق در خوش را در آغوش می‌فرد، و فیلم پایان میابد.

ریاکاری فیلمساز رویونیست

آموزش فدما رکیستی و خیانتکارانه این فیلم در کجاست؟ چوخرای یکی از علمداران هنر رویونیستی چگونه فریبکارانه حقایق را تحریف میکند؟ اینست مسئله‌ای که باید به آن بپردازیم.

آنچه که باید در وهله اول بدان توجه کرد این موضوع است که چرا چوخرای صحنه را به گونه‌ای می‌گرداند که ما روتکا و بلتویک عاشق افسر کار رد سفید شود. در پشت این داستان چه چیزی پنهان شده است. چیزی که بیش از همه میتواند توجه یک تماشاگر مارکسیست - لنینیست را جلب کند این است که فیلمساز با این داستان برداری فریبکارانه سعی میکند در ذهن طبقه آشتی‌ناپذیر را از میان بردارد.

ما روتکا، نماینده پرولتاریا انقلابی و افسر کار رد سفید نماینده پرولتاریای ارتجاعی است، چگونه ممکن است این دو عاشق یکدیگر شوند؟ حقیقت آن است که چنین آموزش مروارنه - ای تنها از ذهن علیل و خاش یک هنرمند رویونیست میتواند ندرت را و ش کند، آنان همان

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

کونه که مبلغ آشنی طبقاتی، مبلغ یگانگی بورژوازی و پرولتاریا و بردها میکنند برضاد کار و سرما بدانند، به همان سان برابری آن سکوف شدن عشق و وحدت یک بلوئیک با یک دهنمن طبقاتی ممکن و ایده آل است. از نظر آقای جوخای بالاتر از "حکمت اندیشی" و "دکمانیم" کمونیستها در ارتباط با ماهیت طبقاتی و تضاد آشنی نا پذیر طبقات وجود دارد، و آن "انسان بطور کلی" و "جوهر انسانی" است. اگر برای ما رکسیست ها عشق، یکی از عالیترین اشکال یگانگی سیاسی - ایدئولوژیک و عاطفی است، از نظر کارکارد و ریزونیست ها چنین مسئله ای "دکمانیم" است و عشق ما وراء طبقات و امری مربوط به فردودات نامکتوف بشری و سرشت بشر دوستانه انسانهاست. اینست بشر دوستی ریاکارانه فیلسوف ریزونیست و اینست

آموزش دروغین شوکران بورژوازی.

نفرت از جنگ طبقاتی و تضاد عشق و وظیفه انقلابی

در مباحثه ای که از جوخای در شماره ۴۷ سینما ۶۵، زوئن ۱۹۶۵ چاپ شده و به نحو بیترمانه ای ادما کرده است که منظور من در این فیلم آن بوده است که نشان دهنده گونه "انقلاب" مردم ربه دوازده گانه مخالف تقسیم کرده است (*). در واقع نفرت از انقلاب در برابر "چپل و یکمین" بوضوح به نمایش درمی آید. وظیفه انقلابی ما روتکا به او حکم میکنند که نا خواسته معنوقش را بکشد. هر جا که انقلاب نشان داده می شود، زستی، فقدان "بشردوستی" و عشق و... همراه آن است. کمیسر سربازان سرخ، بصورت موجودی وحشی، خشن و نفرت انگیز نموده میشود. افراد کار در سرخ، سربازانی با روحیه ضعیف هستند که دست به اعمال جنون آمیز میزنند. کمیسر به یکی از سربازان سرخ "مغول کثافت" خطاب میکند و سرباز سرخ دیگری دارای افکار کثیف نبوت آمیز نسبت به ما روتکا است برعکس، افسر کارکارد سفید، فردی با "فرهنگ"،

میربان، "روشن فکر" و کتاب خوانده است، زمانی که آنجا از دیگران جدا می افتند و در جریره خالی از سکنه با هم تنها می مانند، عشق، آرامش، سعادت و نیکبختی بدانان رومیکنند و انقلاب و وظیفه انقلابی که با زستی شما است جای را به همزیستی مسالمت آمیز و دوری از انقلاب و زیبایی میدهد. اینست آموزش خائفا نه دیگر کریکوری جوخای، بدرستی نامی بورژوا - ریز - یونیستی شوروی. اینست نفرت بیگمرا ن ریزونیستها از جنگ طبقاتی و اینست تضاد عشق انسانی با وظیفه انقلابی!! "چپل و یکمین" را از زوایای مختلف می توان مورد نقد قرار داد و صحنه به صحنه آن را بررسی کرد و برده از چهره این فیلم بورژواستی و خیانتکارانه برداشت و هر چه بیشتر به علت حمایت جمهوری اسلامی از فیلمهای روسی بی برد، لیکن بدلیل عدم مکان یک بحث مفصل ما در همین جا به نوشته خاتمه میدهم و برای درک چرخه عمیقتر ما هیت بورژوازی این فیلم به کتاب "نمونه ای از هنر ریزونیستی" مراجعه میتوان نمود. (* - به نقل از "نمونه ای از هنر ریزونیستی" - جانت گوانگ نی -

بقیه از صفحه ۱۹ یک تریج...

د، اما با اتخاذ مواضع راستروانه در قبائل مسائل فوق انحراف بزرگی در پیش گرفت، تسلیم طلبی های حزب توده و سازش او با ارتجاع سنگ بزرگی در مقابل بیروزی قیام انداخت. حزب توده پس از انتماب قوا مه نخست وزیر "بدون هیچگونه قید و شرطی با تمام نیروی تکنیکالانی" به بنسبانی این قره نوکارا میربا لیم شتافت، و در کارا بینه قواوم شرکت نمود، و دست و پا ل ارتجاع را در گسترش برنا مه های سرکوب و ارتجاعی اش بساز گذاشت و دنبال "ملح و سازش طبقاتی" را گرفت. اشتباهات شوروی سوسالیستی تحت رهبری رفیق استالین نیز نشان مهمی در شرکت جنبش خلق آذربایجان بازی کرد. دولت شوروی با مذاکره با قواوم مرتجع و عقد قرارداد موافقت در تبدیل مجلس ملی خلق آذربایجان به مجلس ایالتی و ولایتی و تقاضای امتیاز نفت شمال در قایل منافع خلق آذربایجان و آئینده انقلاب ایران یکی از بزرگترین اشتباهات سیاسی خویش را مرتکب شد و عملاً با اعمال نفوذ در رهبری فرقه دمکرات راه را برای اعمال نفوذ رهبران سازشکار با زکذاشته و سیاسی در جلو گیری از مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق زحمتکش آذربایجان بیروزی ارتجاع را تسهیل کرده و منافع اتحاد شوروی را در برابر منافع زحمتگشان میهن ما قرار داد و این برای یک دولت سوسالیستی قابل اغماض نیست. خلقهای قهرمان ایران از جنبش انقلابی خلق آذربایجان و بیروزیها و شکست های آن بسیار آموخته اند. اگر چه ایس خلق در یک آزمون انقلابی با شکست روبرو شد ولی این ناکامی تجربه ای است که با تکیه بر درسهای آن خلق آذربایجان، در کارا ردیگر خلقهای ایران بزرگتر سرخ جمهوری دمکراتیک خلق پرروازه های بیروزی خواهد کوبید. تجربه ای که امروزه خلق قهرمان کرد با تکیه بر آن درسهای پیش - درآمد بیروزی را شروع بنا و ختن کرده است.

بقیه از صفحه ۱۱ تجربیات...

بر دخالت نظامی در لهستان، بیاتگرایان مدعاست. دولت لهستان برای منحرف کردن سازشکاران به کشیها و تریجیها چون "پاب" متوسل گردید و این مرتجعین که خیره خسوار امیربا لیستها هستند، جهت انجام "وظایف" خود کارگران را به قطع اعتصابات و در نظر گرفتن "معالج عمومی" دعوت کردند. آنها برای منحرف کردن جهت سازشکاران را به طرح خواسته های مذهبی (بعنی قدرت گرفتن کشیها) و صرفاً اینجنین خواسته های دعوت کردند. البته دولت "سوسالیستی" (!) لهستان هم با این خواسته موافق بود.

مما هدهی اثر بودن این حبله، تغییرات وسیعی در دولت و حزب ریزونیست انجام گرفت. با این همه عکس العمل کارگران، بی تفاوتی شما ما تنفر بود. از طرف دیگر امیربا لیستهای غربی که مسئله را بسیار جدی تر از آن دیده بودند که بخوانند صرفاً به استفاده تبلیغاتی (***) بر علیه رقیبای خود دست بزنند، با اعلام اینکه: "امیدوارند دولت لهستان بتواند بر مشکلات داخلی غلبه کند"، بشیبا بی خویش از دولت لهستان را اعلام داشتند که این خود با تکیه و حخت امیربا لیستها از جنبش کارگری است. (ادامه دارد)

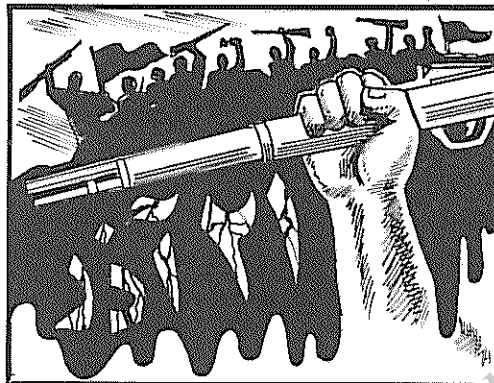
دولت از بیخ اخبار مربوط به اعتصابات جلوگیری بعمل آورده و دستها را تباط کارگران اعتصابی را با سایر نقاط لهستان و جهان قطع کرد. قطع ارتباط تلفنی شهر "گدانسک" با سایر نقاط، عدم بخش اخبار اعتصابات در روزنامه ها و رادیو، تلویزیون) و بسا آنکه تحت فشار کارگران مجبور به شکستن سانسور گردید، سوسله دستکامهای تبلیغاتی شش با تریا شدن مردم از عواقب اعتصابات سعی کرد تا بین توده ها تفرقه انداخته و کارگران اعتصابی را از حمایت مردم محروم سازد. اما زمانیکه تمامی این حله ها در مقابل اراده پولادین طبقه کارگر، بی اثر گردید، دولت شروع به عقب نشینی کرد و در هر مرحله از این عقب نشینی سعی در متوقف ساختن مبارزه کارگران نمود. آنها ابتدا تغییراتی در مقامهای دولتی که در جریان اعتصابات رسوا شده بودند، دادند ولی بعد از

(* - دولت ریزونیست لهستان که از شدت کوبندگی ضربات کارگران به وحشت افتاده بود، مجبور به پذیرش تمامی خواسته های آنان گردید، اما بعد از اجرای آنها مانند تمام رزمیهای سرما به داری، شروع به اشکال تراشی نمود. این موضوع از یک سو و رشت آگاهی مبارزاتی کارگران از سوی دیگر، موجب ادامه اعتصابات و مبارزات کارگران گردیده است. (***) - امیربا لیستهای غربی (و همچنین رژیم جمهوری اسلامی) برای موجه جلوه دادن خود سعی میکنند نظامهای موجود در کشورهای اروپای شرقی را سوسالیستی جا میزنند تا سوسیدگی سرما به داری دولتی این کشورها را بحساب سوسالیسم و کمونیسم بگذرند و بدینوسیله سوسالیسم را در اذهان کارگران و توده های کشورهای خود و جهان، بی اعتبار سازند.

"یک ربع قرن از قیام باشکوه خلق قهرمان آذربایجان گذشت"

۲۱ آذر: سالگرد

یک پیروزی، یک شکست



از ۲۱ آذر ۱۳۲۴، روز برقراری حکومت
دمکراتیک در آذربایجان تا ۲۱ آذر ۲۵ روزگت
این جنبش، خلق آذربایجان سال برتحوالی را
بست سرگذشت، یک سالی که در جنبش دمکراتیک
وفدا میریالیستی خلقهای ایران اثرات مثبت
ومنفی فراوانی باقی گذاشت. این تحولات
در آینده انقلاب ایران - از آن روز تا کنون -
تا شایر فراوان بخشیده و همچنان اهمیت خود را
در تاریخ مبارزاتی خلقهای ما حفظ خواهد کرد.

زمینه‌های شکل‌گیری قیام خلق آذربایجان

در طول دیکتاوری رضاخانی، خلق قهرمان
آذربایجان بخاطر سودگیری از دستهای مبارزاتی
سنا رخان ها در بدترین متسرطه و قیام شیخ -
محمد خانی و آرموس استلالی در اثر ارتباط
انقلابیون تبریز و جنبش "سویال دمکراسی
روس" در آغاز قرن اخیر میلادی و... یکدم از
مبارزه‌ها سنا ده و آذربایجان طلب برطلبی
انقلاب ایران محبوب مند، علاوه بر مستحق که
خلق آذربایجان همچون دیگر خلقهای ایران
از سلطه رژیم استبدادی رضاخان و پناخت و ساز
امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی میبرد
سویسیم و سلطه طلبی فارسی رژیم کامنیزم
کرده خلق قهرمان آذربایجان سنگینی نکرد.
هیات خاک که محصولات دهقانان آذربایجانی
را بزرور و بیگت ارزان میخرید و در زمستانها
مواد غذایی را به بیانی گزاف بر آنها تحمیل میکرد
سنا ربا بان کرده دهقانان را میسگت و در دل
آنها بذر طوفان میگاشت. زاندا رماهی حکومت
با همدستی راهبران و جا توکسان به قتل و غارت
دهقانان و زحمتکشان دیگری پرداختند.
مزدوران رژیم بریایی اتحادیه‌های تلالی،
بدرتفرقه و جدائی میان کارگران می یاشید.
صحبت بدریان آذربایجانی، سرکوب، حبس و
تلالی بدنیال داشت. رئیس فرهنگ مزدور
آذربایجان با وفاحت میگفت: "هرکس ترکی
حرف میزند، افسار را لاغ بر او بزنید و او را به
آخور بسندید." حکومت، متوذا لیا را بر علیه
دهقانان مسلح میکرد و در نتیجه خشم
خروشان مردم آذربایجان طوفانی عظیم بریا
میآخت و جنبش سیاسی - اجتماعی خلستی
آذربایجان شکل میگرفت.

قیام چگونه شکل میگیرد

کمیته‌ای لاتی حزب توده در فروردین ۲۱
تشکیل شد و تا ۱۲ شهریور ۲۴ که "فرقه دمکرات
آذربایجان" شروع به فعالیت کرد، تشکیلات
رهبری کننده جنبش دهقانان و زحمتکشان
آذربایجان بود. رهبری فرست طلب حزب سنی -
نواست آن حرکتی را که خوابگوی نورا انقلابی
زحمتکشان آذربایجانی با شده پیش ببرد و لذا
با رهبری سید جعفر بیسهوری کمونیست انقلابی
"فرقه دمکرات آذربایجان" که خواسته‌های خلق
آذربایجان را در جهت مبارزه با انقلاب اجتماعی
نحس می بخشید وجود آمد. "فرقه" به مبارزه بر

ایستادگی بنامد، عناصر پرور و کادر رهبری
"فرقه" نفوذ کرده بودند و حسب ارتبنا هم ارتجاع
دستور "ترک مساومت" دادند تا "خونی رخسند
سود" اینسهوری بدستور اتحاد سوری ایران را
ترک کرده و عناصر برزدل و سازنگار در راه "فرقه
دمکرات" ترا برکرسند. ولی نورضا و مخلص
برک آذربایجان تکستی نبود و انقلابیون مسلح
بوده‌ای در مسایل ارتش مزدور سنا صف بستند و
مناومی حماسه آفرین از خود سنا دادند.
نوازی ارتشی محمدرفا سنا هجا م خون برآه انداختند
مردان را سر بریدند، بر زنان و کودکان سنا ور
کردند و خلق دلیر آذربایجان را با خاک و خون
کسیدند و دهها هزار رکنه بجای گذاشتند. ارتش
تیا میبرور و مدخل آذربایجان را، راسی از یکسال
که نوا سنا بود خلق را بر سر نواخت خویی حاکم
کردند در هم کسگت. کسگت تیا مطنی که دلستان
برای آزادی کل ایران می طیبید، آغازی شد
"تیا م آذربایجان" و "با زکست آن بد غون میهن
فلم دادند ما بد.

دستاوردهای قیام خلق آذربایجان

علیرغم کسگت زودرس، حکومت ملی فرقه
دمکرات در مدت کوتاه بر فرازین توانست
اندامات مترقیانه‌ای سنا دهد که برخی از
آنها را مختصا میا وریم: تقسیم اراضی مالکین
فرازی بین دهقانان، مبارزه ضد بدیا رشوه -
خواری و سنا داداری، شعمیم بهداشت مجانی در
سرا سر آذربایجان، کنترل قیمت اجناس و کاهش
آنها بمیزان ۴۰٪، تصویب قانون کار انقلابی،
بگا رستن برنا مه کار همگانی، آموزش همگانی
و مبارزه جدی با جهل و بیسوادی، تاسیس دانشگاه
تبریز، تاسیس فرستنده‌ها دیو، آموزش بزیبان
آذربایجانی در مدارس وسط و کسگت فرهنگ
غنی آذربایجان و ...

انحرافات و علل شکست قیام

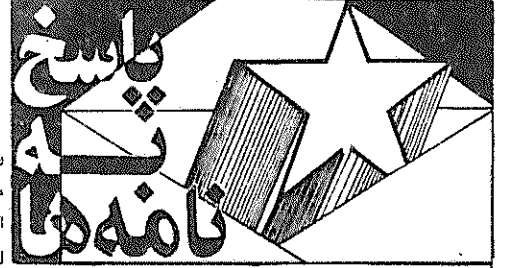
یکی از علل مهم انحراف و شکست قیام بر
نگوه خلق آذربایجان را با بدردردون "فرقه
دمکرات آذربایجان" جستجو کرد. از جمله همین
عوامل باید از اشتباهات رهبری و نفوذ عناصر
بورژوا و ملاکین در درون فرقه (آذربایجان
ارکان کمیته مرکزی "فرقه" در شماره ۳ بهمین
۲۴ تعدادا غنا فرقه را ۷۰ هزار اعلام که از جمله
آنها ۵۰۰ مالک ۲۰۰۰۰ تا حربودند) و بویسزه
رهبری آن، اشتباه بزرگ رهبران این فرقه
بود که گویا میتوان مبارزه ملی را از مبارزه
طبقاتی جدا کرد ("فرقه" ما فرقه‌ای است ملی و
لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم حنا عت را
بزیبر جم خود فرا میخواد. آذربایجان ۱۴/۶/۲۴)
و... ("اختلاف موجود بین دهقانان و ربا بان
از طریق مسلح و سازش حل میشود" - آذربایجان
۱۷/۴/۵۴). فرقه اگر چه برنا مه‌ای انقلابی پیاده

علیرغم ارتجاعی و امپریالیسم رخاست.
انقلابیون آذربایجان فریا بدرا آوردند که:
"با بد دولت آزادخواه و بیگتیا ن دمکراسی در
ایران سرگاز آید، ملت ایران با بدجا کمسگر
سروست خود با بد."
مبارزات توده‌های آذربایجانی کسگت
میبا بدوا ارتجاع برای سد کردن آن دست به
توطئه میزند ولی توده‌های انقلابی به مبارزه
برخاسته و حاضر نیستند آزادی را از ارتجاع
کدائی کنند. موقعیت انقلابی بر آذربایجان
حکفرماست. ثنرت مسلح توده‌های زحمتکسگت
شهروروستا بوجود میاید. دولت تصمیم به اعزام
نیرو میگیرد که توسط ارتش سرخ در ترویسین
متوقف میشود. کنگره خلق آذربایجان در ۲۹/۷/۲۴
برکزار میبندد و دستورا یجا دمجلس ملی صادر
میکرد. روز ۱۱ آذر ارتش بر روی عزاداران
حسینی آتش میکشا بید و ۲۱ آذر مجلس ملی تشکیل
و بینه‌وری ما مورت تشکیل کابینه میگردد. در مقابل
حرکت رزمجوبا به خروشان مردم، ارتجاع کیج
میبندد در اول بهمن ۲۴ توام السلطنه سوکسر
سر برده امپریالیسم تیا قبه "دمکرات" متفانه
روی کار میاید.

هجوم ارتجاع و شکست قیام

توأم السلطنه که تواته بود از بنیانی
حزب توده بر خوردا رسود و با اتحاد سوری
سویالیستی ترار داد و لستی امفاء بنما بید
دستور انتخابات "مجلس ایالتی" را در آذربایجان
مادر کرده و ارتش را برای "نظارت" انتخابات
به آذربایجان اعزام میداد و این سنا نه‌وری
ارتش بر علیه خلق آذربایجان میشود. مسئولین
سووری از بینه‌وری خواسته بودند در برابر ارتش

پیگار



رفیق م - گ از رشت

این رفیق سما نوشته است که آنچه در پیگار ۷۶ در مقاله "وظایف عملی مادر قبال جنسی کارگری و توده‌ای" درباره تلاش‌های او در دسترسه بختیار برای کودتا آمده با تحلیل ما از جنگ داخلی مناسبات دارد چرا که بختیار رسماً پیسنده سیاست امپریالیسم آمریکا است و در حقیقت بدین ترتیب امپریالیسم تلالان را در کودتا کند. و این با تحلیل ما از جنگ داخلی و نفی کودتا در تناقض است.

در پاسخ رفیق با بدبگوئیم روند جامع را جنگ داخلی ارزیابی کردن منافی تلاش امپریالیست‌ها برای کودتا نیست ما نکفتیم و اعتقاد نداریم که امپریالیسم آمریکا هیچ تلاشی برای کودتا نمیکند، ندیدن احتمال کودتا بعینسوان یکی از حربه‌های امپریالیسم طبیعتاً چپروانه و کودتا نیست. آنچه ما گفتیم این بود که روند اصلی جامعه را کودتا ارزیابی کردن، غیرواقعی و راستروانه است و باعث برخورد سازگارانه نسبت به رژیم میشود. از نظر ما امپریالیسم آمریکا از جمهوری اسلامی در مقابل خلق دفاع میکنند، از جناح لیبرالها و جناح بورژوازی حسد زب جمهوری اسلامی در مقابل جناح خرده بورژوازی آن دفاع میکنند و از نوکران و سرسپردگان شان همچون بختیار در مقابل حکومت جمهوری اسلامی این رده بندی درجه بندی منافع نیروهای نامبرده را جدا امپریالیسم میرساند. به همین دلیل امپریالیسم آمریکا ایده آلش برقرار نمیشود. حکومت دست نشانده خویش است. اما پیسنده آل کجا و واقعیت کجا؟ امپریالیسم آمریکا علیرغم این خواست مدانقلابی اش، بدلیل بحرانهای درونی، بدلیل وضعیت بین المللی و مهمترین ارهمه بدلیل عکس العمل توده‌های مادر تلالان آمریکا و موجود در جامع، تدرت برقراری حکومت دست نشانده اش را ندارد و تلالان اصلی او در چنین اوضاعی، نفیوت لیبرالها و نام نمودن جناح خرده بورژوازی موفهستی است.

بدین ترتیب ما بی آنکه تلالان برای کودتا را از تلالان بیادیم، روند اصلی جامعه را جنسین امری بدانسته و جنگ داخلی (مبارزه‌های طبقاتی) را پیش بینی میکنیم. واقعیت جنگ و تحولات ناشی از آن نیز نظر ما را تا حدی میکند. چسسه امپریالیسم آمریکا و رژیم تلالان فرارانی برای سازش با یکدیگر انجام میدهند و امپریالیسم آمریکا از این روند خشنود است.

رفیق - س

رفیق - س طی نامه‌ای توضیحاتی در مورد رابطه بین طبقه کارگر و جنبش کمونیستی، در مبارزه‌های طبقاتی داده است و از سازمان خواسته است که در مورد سر مقاله ۷۸ تحت عنوان "برجم لنینیسم..." به نقش تاریخی طبقه کارگر در این رابطه توضیح بیشتری دهد.

ضمن تشکر از برخورد رفیق و طبقاتی رفیسی بصورت مختصر با بدگفت، برافراشتن پرچم لنینیسم و ستواری کمونیست‌ها تنها و تنها در متن تکیه بر بیوند عمیق با پرولناریا قاسبل دوام است و الا هرگاه جنبش کمونیستی فاشد با بگاها اجتماعی پرولتری با سدوا جزاء تشکیل - دهنده آن روشنفکران باشند، بی شک تزلزلات بیشتری در این اورا نیز خواهد گرفت. در حقیقت آنچه که سخن از ضرورت برافراشته نگاه داشتن پرچم لنینیسم است، باید از برافراشتن پرچم رزم پرولتاریای ایران سخن گفت. باید به نقش تاریخی و تعیین کننده طبقه کارگر چه در عرصه جهانی و چه در جامعه ما تکیه زد و با افتخار گفت: این خط منطبقه کارگر است که در قبال جنگ با ایدئولوژیهای بورژوازی و سیاستهای خرده - بورژوازی شپرد میکند و آنها را بدلق نیسان میکند و همگرا زنده می‌داند که ضرورت تبلیغ و ترویج موضع پرولتری سازمان در قبال جنگ، در حقیقت موضع حقیقی طبقه کارگر در قبال جنگ است. و از موضع طبقه کارگر آرایه کارگران و سایر توده‌ها توضیح داد، و دست آخر باید این اصل بدیهی را در نظر داشت که استکام بخشدن و تسمین شدن و مخط می پرولتری بدون تعمیق بیوند با طبقه کارگر امکان پذیر نیست. باید به انگای کارگران آگاه ایران و به انگای ایدئولوژی م - ل در قبال تندبچه‌های تاریخی از افنا دن به دام تزلزلات بورژوازی خود را حفظ نمود. اگر کمونیست‌های روسیه آنچنان در مقابل فرار و شیب‌ها و در مقابل سرخشی‌ها از ره‌ای نردیده خود را نمیدادند، این نه تنها بدلیل انگایشان به تئوری انقلابی ما رگسیم، بلکه بدلیل آبدیدگی شان در کوران مبارزه طبقاتی پرولناریا، بیوند عمیقشان با کارگران بود.

نامه یک رفیق دانش آموز

من یک دانش آموزم و در سازمان پیگار هستم، که برای ادامه تحصیل از ده به تهران آمده‌ام وضع مالی ما خوب نیست و بدزم نیز از پیگسه ادامه تحصیل من نمی‌باشد، و میخواهد که در کسار وری به او کمک کنم. و من نیز باستان با وجود اینکه کار رنوبد سعی میکردم در ده کار کنم تا بتوانم برای سال تحصیلی خود قبول تهیه کنم ولی موفق شدم فقط ۸۰۰ تومان تهیه نمودم و آدم بیس یکی از آشنایان در شهر و رستم کلاس

اول علوم تجربی نت نامم کردم و پس از چند روز دیدم که درسا همان درسیهای قبلی است و بسول من نیز ۳۰۰ تومان بیشتر نداشته و کاری هم نیست که تنها اسامی بهمیمین منظور محبوسه ترک تحصیل شده‌ام. اما یک تحصیل جدید را شروع کرده‌ام و آنهم با رگسیت لنینیست است. بهمن دلیل من دیگر احتیاجی به این ۳۰۰ تومان ندارم دوست و بنجانه تومان آنرا میفرستم. امیدوارم سیستم ما معسر ما بیداری و پیسنده بر جیده شود تا دیگر در آینده چیزی بیامزگ تحصیل سطست ضعف مالی برای نل انقلاب در جمهوری دمکراتیک خلق نباشد.

پیگار همان بیروز با د

م - غ بندر عباس

رفیق نوحوان! از کمک مالیات سبک‌باریم بگوش تا در سنگر ما رگسیم - لنینیسم هر چه بیشتر علم انقلاب را فرا بگیر و به هدف انقلابیون حرفه‌ای بیبندی. در ضمن با رفقای هوادار شما بگیرنا مسئله ادامه تحصیل مورد بررسی قرار گیرد بیروز باشی!

مادر مبارز، وسط کرج

مادری نامه‌ای برای ما فرستاده است و ضمن توضیح اینکه چهار بیروز چقدر در حد رادو نقران آنها هوادار سازمان است، به بررسی وضعیت کرائی و تلاکت و... برده‌اخته است و از سازمان خواسته است در مورد کمبود بیزین و نفت و کرائی تسمت آن، دست به افشاکری بزنیم. و در آخر نیز ۲۰۰ ریال به سازمان کمک کرده است. ما ضمن تشکر از این مادر مبارز، تلاش میکنیم تا به بهترینها در این عمل کنیم.

رفیق قاسم

این رفیق پیسنده است که چرا جواب بسیاری از نامه‌ها را نمیدهم و صرفاً به ذکر نام آن پیسنده میکنم و این برای نویسنده‌ها معنای زیادی ندارد. در جواب رفیق با بدبگوئیم اولاً، تعداد نامه‌هایی که در همتیما می‌رسد بسیار زیاد است و ما نمی‌توانیم جواب تک تک آنها را در پاسخ بنامه‌ها که یک صفحه و نیم از سبک را با خود اخصاص داده است، بدهم چرا که در واقع اگر در مقابل هیانه بدون توضیح تنها بسویسم "در یافت شد"، "رسد" "بسیار دسان مورد توجه قرار گرفت"، "انقلابیان وارد است" و... بیشتر اردو محقر را اشغال میکند و با نوحه بدی سخنی که در این محفاب باسد بدهم، با کمبود بندد جامع مضمونمان سسار ساری از نامه‌ها تنها پیسنده‌ها، استنادات حرنی و امثالهم است که مورد توجه قرار میگیرد و ضروری به توضیح تک تک آنها نیست. تا لیسا برخی از سئوالات و استنادات چند تکراری دارد که با رهم از پاسخ به آنها خودداری میکنیم. فی المثل در مورد استناد به پیگار ۷۳ نامه‌های

بقیه از صفحه ۱
آمل...
شهر، شجاعانه به مقابله با تهاجم ارتجاع

شهر، شجاعانه به مقابله با تهاجم ارتجاع برخاستند. در جریان درگیری بین انقلاب و ضد انقلاب در آمل، ۷۰ نفر از انقلابیون شهر توسط مزدوران ارتجاع دستگیر شدند. بدنبال دستگیری انقلابیون نیروهای انقلابی و زحمتکشان آمل بخاطر آزادی انقلابیون اسیر دست به تحصن زدند. اینها رقدار زندان جمهوری اسلامی با چاق و سنگ و چاقو به متحصنین حمله کردند. در این حمله، پاسداران با تیراندازی و برتاب گزاشک آفرین، چاقو را در دست میگرداند. در جریان حملات وحشیانه ارتجاع دست کم سه نفر کشته و دهها تن زخمی شدند. پس از پایان تحصن در اثر فشار ارتجاع، نیروهای انقلابی و مردم زحمتکش آمل به تظاهرات موضعی دست زدند و با مقاومت خود در برابر هجوم ارتجاع، حماسه روزهای قبل از قیام را در خاطرها زنده کردند. آنچه در این مقابله انقلابی با ارتجاع چشمگیری بود، افشاشدن بیش از پیش فدا انقلابیون رویزبونیست چریکهای فدائی (اکثریت) و نیروهای ناپیگیری نظیر راهکارگر بود.

از روز ۵ شنبه ۵۹/۹/۱۳، پاسداران جهل و سرمایه به همراه چاقو در شهر آمل حکومت نظامی برقرار نمودند و شبها رفت و آمدها را شدت کنترل میگرداند. مردم زحمتکش آمل با سازگذاشتن درهای خانه های خود، حمایت بیدریغ خود را از انقلابیون تحت تعقیب و نفرت خود را از پاسداران نشان دادند.

روز جمعه ۵۹/۹/۱۴، در این روز مردم مبارز و نیروهای انقلابی آمل برای تشییع جنازه یکی از شهدای درگیری روز سه شنبه بنام "سالار" (کازگر کوره پزخانه) در خانه ها جمع شدند. شب بعد از شهادت این کارگر، پاسداران به خانه او رفتند و به خانه ها شگفتی بودند که به شما ۴ هزار تومان میدهیم شما بگوئید که سالار را کجاست؟ و ما هدیه کشتند. اما خانه ها شهید با نفرت هر چه تمامتر مزدوران فداخانی را از خانه خود بیرون کردند. پاسداران ارتجاع سعی داشتند هر طور شده تشییع جنازه جلوگیری کنند و از آنجا که مردم شهر تصمیم به برپا شدن تظاهرات گسترده حین تشییع جنازه گرفته بودند، پاسداران با حمله به خانه شهید، جسد کارگر شهید سالار را از خانه اش دزدیده و خودشان دفن کردند. پس از اینکار، پاسداران به همراه چاقو در دستگیری وسیعی را در شهر آغاز کردند. مردمی را که به نشانه اعتراض و تنفر از پاسداران، مغازه های خود را تعطیل کرده بودند، با زور به باز کردن مغازه وادامیگرداند.

برخی از شعارهایی که مردم در طول این درگیریها میدادند چنین بود:
مرگ بزرگ آمریکا - مرگ برپاسدار،
پاسدار، پاسدار - حامی سرمایه دار،
زندان سیاسی - میراث شاهنشاهی...
طبق آخرین خبر شهرداری آمل همچنان متشنج بوده و درگیری در آن جریان دارد.

آزار خانواده های مجاهدین
اسیر را محکوم می کنیم

طی یکی دو هفته گذشته پرده های دیگری از وحشیگری رژیم حاکم علیه نیروهای انقلابی و در این مورد خوانوران و مادران مجاهدین اسیر به نمایش گذارده شد. دهها تن از خانواده های مجاهدینی که به "جرم" پخش اعلامیه ها و نشریات سازمان مجاهدین دستگیر شده و به زندان اوین برده شده بودند در مقابل زندان اجتماع کردند ولی نه تنها به خواست آنها دادرسی انجام ندادند و فرزندان و آزادی آنها ترتیب اثری داده نشد، بلکه پاسداران زندان با وحشیگری تمام به خانواده ها حمله ور شدند بین حملات با مقاومت جانانه خانواده های مبارز و برور شد. "ساواکها" و زندانبانان "جدیدمان" و خوانوران را نیز به زندان انداختند، آنها را در مستراح ها حبس کردند، آنها را بر تنه های اوین در سرمانگه داشتند، ضرب و شتم و بدرفتاری و فحش های رکیک موجب بهم خوردن حال چند نفر از خانواده ها گردید.

مقاومت و برخورد تهاجمی خانواده ها علیه نیروهای ارتجاع حاکم و تنگنظران اسم و آدرس به مسئولین زندان، یک اقدام تعزیری و افشاگرانه قابل تحسین است. سازمان ما این برخورد و حیثیت رژیم با خانواده های مجاهدین اسیر را افشا و محکوم کرده از خوانوران و مادران مجاهد پشتیبانی می نماید.

تبلیغ...

بقیه از صفحه ۴
در اینجا ذکر یک نکته ضروری است. در مورد تبلیغات بموقع، بایستی یک تشکیلات (م-ل) مانند ساعت کار کنند. کافی نیست که مرکزیت یک سازمان (م-ل) اساسی ترین مسئله مورد تبلیغ را مشخص کند و مثلا هیئت تحریریه و یا ارگانهای مربوطه با برخورد فعال فوراً ترکتها و اعلامیه های در این مورد نشر دهند و یا ارگان مرکزی سازمان سرپا به آن برخورد کند، اینها همه لازم است ولی بهیچوجه کافی نیست. بایستی فوراً و سریعاً این تبلیغات، بموقع در اختیار توده ها قرار بگیرد. بدین ترتیب تبلیغات بموقع را تشکیلات منظمی میتواند سازمان دهد که با یک انضباط آنتین پرولتری و با سرعت و شوری انقلابی نظرات کمونیستی خود را بدون فوت وقت بمیان توده ها ببرد. در این مورد افراد پخش کننده در بموقع انجام گرفتن تبلیغات و در نتیجه کسب اعتماد توده ای و نفوذ در میان زحمتکشان، نقش حیاتی دارند. مبلغین شاهی و رفقای کمونیستی که به پخش اعلامیه ها و نشریات انقلابی در میان توده ها مشغولند، باید به این مشخصه اساسی تبلیغ یعنی سرعت و بموقع بودن آن کمال توجه داشته باشند. مسأله در این مورد در آینده، بیشتر سخن خواهیم گفت. (ادامه دارد)

بسیاری بدستمان رسیده است که ما چندین بار توضیح دادیم که برخورد با آن را در بیکارشوریک مطالعه کنید، اما باز هم رفتاری دیگری همین انتقاد را مطرح کرده اند. طبیعی است ما پاسخی مجدد به آنها نمیدهیم. خاما برخی از سوالات و یا انتقادات بدون آنکه پاسخی داده شود، بصورت مقاله در خود بیکار منتشر میشود دست آخر برخی از سوالات مورد بررسی قرار میگیرد و در فرصت مناسب پاسخی داده خواهد شد.

فدای از فیروز آباد فارس:

رفیق در مورد ضرورت افشای خوانینیست قشقایی و... در استان فارس بویژه فیروز آباد تذکر داده است و پیشینها در سوالاتی را نیز مطرح کرده است. ضمن توضیح در مورد اینکه پاسخی سوالات تئوریک در نشریه تئوریک منتشر میشود و ضمن تشکر از پیشینها در رفیق، در مورد افشای خوانین قشقایی باید بگوئیم، افشای این عناصر مزدور و وابسته به امپریالیسم برای گزاشتن دقتی از فعالیت اینان در منطقه بستگی دارد رفقا موظفند تا مرتباً از فعالیت های این دارو - دسته ها و افشای آنها گزارشتی برای ما ارسال دارند تا ما بتوانیم فعلاً آنها را افشا کنیم.

رفقای دیگری که برایمان نامه فرستاده اند: رفیق کرد، هواداران دیر - کارگر بیکار هوادار - م - دانش آموزان، م - م - ط - الف - سارا - ب - کازرون، رفیق ک - شیراز ط - ف - ب - س - ن - ر - ع - ا - و - ن - الف - از شیراز - هواداران حشمتیه شرق تهران - ق - ض - بندرعباس - ه - ط - ر - رفیق الف ۲۸ - رفیق ه - دانشجویان مشهد (س - ب) - م - د - از سمنان - رفیق کشا و زالف از اورا میمن - هسته دانش آموزی "ش" - هم از سمنان م - ب - پ از سمنان - ب - س - سهراب دانش آموزان دزفول - ناصر از اهواز - مسعود - م - رامین دران - عبدالله، رضا از اصفهان - م - س - لاهیجان - الف - الف - رشت

انتشار نشریات محلی

آخرین شماره های چاپیش (۶) (نشریه محلی هواداران سازمان در اردبیل) و (دالف) "موج" (۳) (نشریه محلی سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار در اردبیل) بدست ما رسید. موفقیت رفقا در گسترش و هدایت مبارزه توده ها و افشای جنایات رژیم و پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آرزو می کنیم.
اولین نشریه پیکار "نیر که به همست" " جوانان انقلابی روستاهای گیلان" انتشار می - یابد و حامی مطالب سودمند و افشاگرانه - پیرامون زندگی و کار زحمتکشان روستاهای شمال بویژه برنجکاران می باشد، بدست ما رسید موفقیت این رفقا را صمیمانه آرزو می کنیم.

پیکار

بقیه از صفحه ۲۸ نیروهای ...

دانش آموزی در هفته گذشته بعبیان ادامه یافته و روند کلی جنبش، حکایت از او جگیری با زهم بیشتر دارد. در کنار این واقعیت اساسی، با یستی از او جگیری بیشتر بحران جا معسخن گفت. عدم صدور نعت، تعطیل پالایشگاه ها، تعطیل برخی کارخانجات بخاطر فقدان مواد اولیه، کمبود ذخایر انرژی که گفته ریش با نک مرکزی تنها ۶ ماه کفاف خواهد کرد، حکایت از او جگیری بیشتر بحران جا معسخن میکند. لیبرالها با شتم نیز طبقا تیشان، خطرا و جگیری انقلاب را بسیار زودتر حدس زده اند. سخنرانیهای متعدد لیبرالها ویا عناصری که دارای گرایشات دموکراتیک بوده و بسود لیبرالها حرکت میکنند در هفته گذشته اوج بیشتری یافت. لیبرالها میگویند، آلترنا تیوا ارتجائی خود را برای کشتن نطن توده ها بسوی خویش، ارا شده اند. در مقابل موج نارضا ییتی توده ها در زمینه سرکوب آزادیها و دموکراتیکه لیبرالها به فریب توده ها دست زده و با آزا دیخواهی دروغین سعی در جذب آنان کرده اند. در زمینه خراج معلمین ودانش آوزان و کارمندان، لیبرالها با این خراجها مخالفت کرده اند. در زمینه خواست توده ها مبنی بر بازگشائی دانشگاهها، لیبرالها نیز شاربازگشائی دانشگاهها را مطرح کرده اند. (انقلاب اسلامی، ۱۲ آذر)، در زمینه بحران اقتصادی، سیاسی جا معسخن لیبرالها تمام سعی تقصیرات را برگردن جناح مقابل افکنده اند. نیروهای ارتجائی دیگر چون بختیار و اویسی نیز با استفاده از امکانات رادیوئی امپریالیستی همچنان در استفاده از نارضا ییتی توده ها می کوشند، گرچه بخاطر جنایات آنان، توده ها نسبت به آنها تا حدود زیادی آگاهی دارند، اما بهر صورت مسئله اساسی افشای کلیه آلترنا تیوهای ارتجائی است. حزب جمهوری اسلامی نیز بسبب تبلیغات دروغین خویش برای نشان دادن خود به عنوان یک نیروی "فدا میریالیست" ادامه میدهد. همه جناحهای متفقاوت بورژوازی خطر را حس کرده اند. نارضا ییتی توده ها روز افزون است و رژیم روز بروز پابیه های خود را در میسان توده ها از دست میدهد. بحران عمیق سرما یی - داری وابسته، سخن از زوش با ده های سهمگین انقلاب میدهد. نسیم انقلاب در بسیاری از نقاط وزیدن گرفته است. جنگ و خرابیهای ناشی از آن بر شدت وزیدن این نسیم افزوده و خواهد افزود. در این میان آنچه اهمیت دارد، آگاهی توده ها و تشکیلات دادن آنان است. در هنگامیکه نسیم اعتلا میوزد، هرگاه توده ها را نسبت به همه آلترنا تیوهای ارتجاع آگاه کرده یا شیم و آلترنا تیو کمونیستها را بعنوان یگانه جریانی که میتواند خواست انقلابی توده ها را کلا بر آورد، ارا نه کرده یا شیم، طبیعی است که نیروی توده ها در خدمت پیشبرد امر انقلاب، هدایت نخواهد شد. توده ها بیش از پیش در دوران اعتلا، سیاسی میشوند و بهمین

بقیه از صفحه ۲۸ جنگ ...

شدت اختلافات اخیرا نجا مگیرد. چرا که آیت الله خمینی از دادن وقت ملاقات به پیمان بارها و بارها اجتناب کرده بود.

۴- گرچه مصاحبه بنی صدر در ۱۲ آذر حکایت از آن داشت که از حدت یا بی بیشتر تفا دهسا جلو گیری شده و احتمالا ملاقات آن روز صبح اوو آیت الله خمینی بیکسری سازشها نجا میسده است، اما با یدانست که این سازشهای موقتی از او جگیری تفا دهها نمی تواند در روند عمومی اش جلو گیری کند، این تفا دهها، نمی تواند با این قبیل سازشها فروکش کند، عاملی که اکنون تا حدودی از رویاروئی های خشن تر جلو گیری می کند. موقعیت آیت الله خمینی است. طبیعی است در فقدان وی، این تفا دهها بسیار رحا در شده و طرفین از یگا گرفتن هیچ وسیله ای برای یکف گرفتن کامل قدرت ابا ثی نخواهند داشت.

تأثیر متقابل رشد انقلاب و اختلافات جناحهای رقیب

هما نظور که بارها گفته ایم (بخصوص با یداشت های سیاسی - پیکار ۸۲)، رشد انقلاب موجب شدت گرفتن تفا ده های درون هئیت حاکمه می گردد. اکنون به تا تیرا اختلافات درونی هئیت حاکمه بر امر انقلاب نگاه می افکنیم:

۱- با او جگیری بیشتر تفا دهها، طرفین میکوشند تا با افشای طرف مقابل، پابیه های توده ای بیشتری برای خود در اختیار بگیرند. نطق بنی صدر عا شورا در مورد زندان ها و شکنجه و سرکوب آزادی توسط طرف مقابل واقعا - گریه های متقابل نما بیندگان حزب از جمله اشاره به آزادی کودتا چیان توسط بنی صدر، از این نمونه است. این امر گذشته از این جنبه مثبت که به بی اعتباری هئیت حاکمه نزد توده ها، دامن میزند، این خطرا را نیز دارده که توده ها با افشای طرف مقابل، طرف دیگر را دارای حقانیت بیشتر تشخیص داده و به آسوروی بنیا و روند. در صورتی که انقلابیون و بخصوص کمونیستها بتوانند این اشکال را بر طرف سازند، میتواند افشا - گریه های دوطرف علیه یکدیگر را به صورت افشای دوطرف در آورده، بسود انقلاب از آن استفاده

نمایند.

۲- اختلافات درون حاکمیت، "بت حکومت جمهوری اسلامی" را نزد توده ها شکسته و با افشا - گریه های بموقع کمونیستها و انقلابیون، میتوان از پس برده های "حکومت الله" ماهیت سرما یی - داری طرفین و سوء استفا ده از توده ها برای تثبیت و قدرت گیری بیشتر جناح خود را به خلق نشان داد. هم اکنون این احساس که این حکومت نمی تواند دو دوامیا ورد و با ید در فکر آینه ینده بود بطور روز افزونی در توده ها ایجا دمیشود با ارا نه آلترنا تیوا انقلابی با ید این احساس توده ها را در جهت انقلاب یگا گرفت.

۳- حدت یا بی بیشتر تفا دهها، کوشش طرفین برای کشتن نطن توده ها به خیا با آنها و تفا هرات تند بر علیه یکدیگر را بدنیا ا داشته است. اما کشتن نطن توده ها به خیا با آنها آنهم با این شعار - های تند بر علیه جناحهای ارتجائی حاکمیت، می تواند، بفض خود نیز بیدل شود و در واقع با تشدید فعالیت کمونیستها همراه با حضور فعال توده ها در صحنه سیاسی و در خیا با آنها و بر ضد کشتن نطن حاکمه یگا گرفته شود.

۴- از همه مهمترین اختلافات، خود ما نعی در جهت تثبیت هئیت حاکمه و قدرت یا بی بیشتر آن است و از آنجا که یکپارچه شدن حکومت موجب میشود، با شدتی بیشتر به سرکوب انقلاب بپردازد این تفا ده های درونی حاکمیت و تضعیف رژیم بخاطر این اختلافات درونی بسود انقلاب است. طبیعی است در صورت موفقیت هر جناح برای کسب تمام قدرت، سرکوب توده ها و ونیز باز - سازی سیستم با شدت هر چه بیشتری انجام خواهد گرفت.

در این میان انقلابیون و کمونیستها با یستی ضمن افشای دوطرف بعنوان نیروهای خدمت می و همینطور مقابله با هر آلترنا تیو - ارتجائی دیگر (بختیار، اویسی، حکومتی و ابسته به سوسیال امپریالیسم و...)، به تبلیغ آلترنا تیو خویش در میان توده ها بپردازند و در این راه طبیعی است بی آنکه بیاری یک جناح در درون هئیت حاکمه بر خیزند، از این تضاد برای افشای دوطرف و بسود انقلاب با یستی استفاده نمایند.

پوزش و توضیح

در جزوه ای که اخیرا تحت عنوان "چهار مقاله از لنین درباره کار حزب در میان توده ها" از طرف سازمان ترجمه و منتشر شده است، اشباهی رخ داده که ذیلا توضیح میدهم: این جزوه در اصل شامل سه مقاله است و همه نظور که ملاحظه میشود یکی از این مقالات تحت عنوان "در باره اشباهی که دردن سیاست با آموزش" به دو شکل ترجمه شده که بخاطر عدم توجه در چسک نهایی، بجای آمدن یک ترجمه، هر دو ترجمه آمده که یکی از آنها اضافی است.

همچنین سطر اول صفحه ۹ چاپ شده است. که بدینوسله تمحیح میگردد: ... از اینجاروش میشود که اگر کسی در مورد مسئله "وحشت" از اشکال ...

خاطر تبلیغات گسترده برای جذب آنان ضرورت دارد، اما تنها تبلیغات و افشا گریه های آگاهگرانه کفایت نمیکند در دوران اعتلا تشکیلات و با زهم تشکیلات ضرورت حیاتی میابد. موج نارضا ییتی توده ها که مدتی است بحرکت در آمده و در هفته گذشته شدت بیشتری نیز بخود گرفت با یستی در یک تشکیلات انقلابی یگا گرفته شود. هرگونه بی توجهی نسبت به این مسئله اساسی، آب یسه آسیاب نیروهای ارتجائی میریزد که بسورای بلعیدن جنبش اعتلائی توده ها دهان گشوده اند نگذا ریم نیروهای ارتجائی بر جنبش توده ها سوار شوند. خلق را بسوی انقلاب به پیش ببریم!



رزمندگان و راه‌کارگر: از حرف تا عمل (۲)

۲- رزمندگان و راه‌کارگر تا چه حد خواهان انقلابند؟

نظرات رزمندگان و راه‌کارگر (البته بیشتر) معنائی جز حرکت در جهت روی گرداندن از انقلاب ندارد. دمل ایورنوسیم‌مان بتدریج سرباز می‌گندویوسه‌سوارها و گفتارهای بی‌طعنا نشان دریده می‌تود و حمایت از بورژوازی بعنوان نتیجه جبری تعمیق انحرافات آن‌ها را می‌شود، لحن انقلابی بیستین‌سالن تغییر می‌آید و تحریک سخن گفتن بعنوان نامحان بورژوازی آغاز می‌گردد

الف - راه‌کارگر: افشاگری مستقیم ارتجاع حاکم، خیر! خواهش و اندرز آری!

یک ملاک اساسی برای شناختن نیروها و آزمایش گفتار و کردارشان، برخورد آنها به ارتجاع است. یک نیروی واقعا معتقد به انقلاب در مقابل به ارتجاع، نمیتواند از افشای مستقیم این نیروی سدکننده انقلاب خودداری کند و بی‌زگی اساسی کمونیست‌ها اینست که هرگز بیهوده‌ها دروغ نمی‌گویند و به ما حیوان قدرت تکیه نمی‌کنند و برای خوشایندتان از افشای دشمنان توده‌ها اجتناب نمی‌ورزند. اکنون ببینیم آیا راه‌کارگر واقعا به افشای دشمنان توده‌ها معتقد است؟ تا چه حد و به چه شیوه‌ای؟ به شیوه‌ای انقلابی یا لیبرالی؟

اول - راه‌کارگر می‌گوید: "در شرایط کنونی، افشاء ما هیت ارتجاعی سازمانهای اسلامی افغانی و یا سازمان‌های لبنان، حتی اگر از رابطه حکومت با آنها سخن گفته نشود، و با لحن کردن جمهوری اسلامی را خواهد گرفت، از این دورتر هرگونه تبلیغ علیه روابط ظالمانه و استثماری که سرمایه‌داری، خواهی نخواهی دودش بچشم حکومت ایران که از موجودیت این سیستم در ایران، دفاع میکند، می‌رود." (راه - کارگر ۴۷، سخن درباره افشاکاری در شرایط کنونی). راه‌کارگر در این مقاله، رهنمودی که درباره افشاکاری میدهد، اینست که افشاکاری مستقیم را با پستی به حداقل رساند و عوض به افشاکاری غیر مستقیم دست زد. برای نمونه راه - کارگر مثال می‌آورد:

"هنگامیکه ما سیستم طبقاتی ارتش، اطاعت کورکورانه و ما هیت آمریکائی تیمارها و فرماندهان آنرا توضیح میدهم و نشان میدهم که چنین ارتشی الزاما در خدمت سرکوب توده‌ها و انقلاب قرار گرفته و می‌گیرد، توده‌ها را آشکارا و مستقیم به نفعی وارد داندن آن دعوت می‌کنیم، در حالیکه در نشان، وقتی از ارتش

نورائی و روابط و سیاست انقلابی حاکم بر آن و ارتباط آن با توده‌ها سخن می‌گوئیم، این عمل علاوه بر اینکه مدل و نمونه مناسب را به توده‌ها می‌نشاناند، با مقایسه ضمنی و بطور غیر مستقیم بنوعی علیه ارتش افشاکاری نموده است." (همانجا)

بدین ترتیب راه‌کارگر به تبلیغ یک مدل افشاکاری اپورتونیستی و لیبرالی می‌پردازد چنین مدلی طبعا افشاکاری کوبنده ارتجاع را محدود کرده و به شیوه‌ای لیبرالی ضمن سکوت در مورد جنایات تاملی دشمن، توده‌ها را بسوی جوانب فرعی و کم‌اهمیت اقدامات ارتجاع سوق میدهد. راه‌کارگر در حقیقت می‌گوید: کم‌تر در افشاکاریها پتان بکوتیدر رژیم ارتجاعی است، مستقیما نگوئید این ارتش دست پرورده آمریکا و حماقت سرکوب سرمایه‌داری وابسته است، نگوئید بر سر نزدیک به یک میلیون آوارهنجنگ جها ورده‌اند، نگوئید چگونه کارگران و زحمتگشان را سرکوب میکنند، بگوئید مل گروه‌بندی است، سازمانهای افغانی آمریکا هستند و یا آنطور که در همین مقاله می‌گوید: بیوان را افشا کنید و بگوئید بیوان سرمایه‌داری و ارتجاعی با رژیم جمهوری اسلامی ارتباط دارد، رژیم خود بخود افشا می‌شود! صیادا مستقیما از جنایات خان، در جلوی رعیتها سخن بگوئید، اما میتوانید بطور غیر مستقیم افشاکاری کرده و بگوئید "دم‌الاخ خان کمی دراز است. بدین ترتیب خود بخود" خان هم افشا شده است بدین ترتیب راه‌کارگر هواداران خود را دعوت میکند که از افشای مستقیم، کوبنده و واقعا نه ارتجاع حاکم خودداری نموده و در حقیقت لبه تیز جا فورا کنند کنند، چرا که ارتجاع حاکم و با لطمه امپریالیسم دشمن اصلی انقلاب نیست و تنها امپریالیسم خطر عمده است! راه‌کارگر بجای آنکه به شیوه لنینی، با صراحت انقلابی تبلیغ، مح مجرم را حین ارتکاب جرم بگیرد و او را افشا سازد، بجای آنکه شیوه افشاکاری کمونیستی را که فاطم و برادر صریح است در پیش گیرد، آری بجای آن، از شیوه‌های اپورتونیستی و لیبرالی در تبلیغ سود میجوید و به جای افشای همه‌جانبه ارتجاع به مسائل کم‌اهمیت تر نظیر آنچه که خود گفته است، می‌پردازد و آنگاه دست‌ها به یادگفت "جاقوی کندخون نمی‌ریزد" و راه‌کارگر با جاقوی کندخون خیال ندارد که خون ارتجاع را بریزد چرا که خط امپریالیسم عمده است! مگر رفتی راه‌کارگر نمیدانند که حتی زمانی که کمونیست‌ها به یک ائتلاف موقت با یک نیروی ارتجاعی دست می‌زنند (مانند جبهه واحد در زمان بنی درجین) به تنهایی

فاطمه نه و بشدت هر چه شما متر آن نیروی ارتجاعی را مستقیما افشا می‌کردند، بلکه به همه تگونه که رفتی ما تومیکوید: "ک فرست او را با دوزخست با سخ میدادند."

رفقا! این جد ارتجاعی است که نباید مستقیما افشایش کرد، تکنیک نیروی انقلابی است و به ناحق نام ارتجاع بر آن گذاشته شده است و به ناحق نام ارتجاع بر آن گذاشته شده است! دوم - رفتی راه‌کارگر نه تنها میخواهند ارتجاع کمتر مستقیما افشا کرده، بلکه معتقدند با پستی به ارتجاع رهنمود و پیشنهاد داد:

"... انحرافی فقط به این اکتفا میکنند که هر آنچه را که در پیش روی بینند، نفعی کنند و بن اینک که کوچکترین زحمتی بخود میدهند که جای آنچه را که نفعی کرده است با ارائه بر نامه و پیشنهادها رهنمودی بکنند... در شرایط جنگ و مقاومت کنونی، تا کیدیش از انداز به افشاکاریهای مستقیم و گنا ندن تبلیغ به حوزه نفعی کامل و غیر مشروط... مغایرتا تا تکنیک دفاع از میهن و قراردادن موضع در کنار حکومت است. عمده نبودن افشاکاری علیه حکومت در شرایط کنونی جنگ به معنی تکیه و تا کیدیش بر وزن تبلیغات اشباتی و همچنین افشاکاریهای غیر مستقیم است." (همانجا) (با و صفا اینک که تبلیغات اشباتی: "آینده مدل بهتری را نوید میدهد...") (همانجا)

آیا راه‌کارگر منظورش ارائه بر نامه و پیشنهاد از جانب کمونیست‌ها برای طرح آلترنا تیف خودشان در میان توده‌ها است و یا ارائه رهنمود و پیشنهادها به ارتجاع که آنرا عملی سازد؟! اگر اولی است که کمونیست‌ها همواره موظفند آنرا انجام دهند، چه در شرایط کنونی که جنگ است، چه در هر شرایط دیگری که باشد، اما اگر مقصود راه‌کارگر دومی است که بنظر میرسد دومی است این نوع برخورد، آشکارا برخوردی رویزونیستی است. البته راه‌کارگر زمانیکه بر روی شرایط کنونی و قرار گرفتن خویش بصورت موضعی در کنار حکومت سخن می‌گوید، روشن است که منظورش حالت دوم یعنی ارائه پیشنهادها دور رهنموداشباتی به ارتجاع است که "در شرایط کنونی"، مجاز است ابویزه زمانیکه فی المثل به رژیم رهنمود میدهد: "ارتش علیه غم تجهیزات مدرن و پشتیبانی توده‌ها نتوانسته است تحسنا و جنایتکارانه رژیم عراق را درهم بکوبد، و تنها با نظام سوراخی است که میتوان برایین عدم هماهنگی و هرج و مرج ویسی انطباطی غلبه نمود (راه‌کارگر ۴۷) آری اینجا بوضوح نشان میدهد که هدفش ارائه رهنمود به ارتجاع است.

بدین ترتیب راه‌کارگر مرزا انقلاب و ضد انقلاب را درهم میریزد. راه‌کارگر بجای افشای ما هیت ارتجاع و توضیح این نکته اساسی که بقیه در صفحه ۲۷

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم



کنفرانس سران عرب توطئه‌ای علیه خلقهای عرب

در هفته اول آذرماه، در عمان پایتخت اردن یازدهمین کنفرانس از سران کشورهای عربی برگزار شد که نیروی عضو با صلاح جبهه بایبادی یعنی کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه، یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین آنرا تحریم نمودند. کنفرانس سران عرب، بدعوت اتحادیه کشورهای عربی که بنام "جامعه دول عربی" معروف است، تشکیل می‌شود تا به مسائل حادی که برای کلیه کشورهای عربی مطرح است پاسخ گوید، پاسخی که البته بر اساس ماهیت ارتجاعی این دول و مقتضیات سیاست امپریالیست‌ها در خاورمیانه و محوریت عرب طر حریزی و پدید آمده میشود. سرپوش رنده این کنفرانسها مسئله فلسطین است که همه این کنفرانسها با قطعنامه‌هایی در حمایت مزورانه از آن پایان می‌یابد، در صورتیکه قضیه درست بعکس است؛ هر کنفرانس در ظاهر حمایت می‌کند تا در باطن توطئه‌ها بچیند.

کنفرانس اخیر هدفهای مهمی بشرح زیر داشت:

اولا مقابله با جنبش اوج گیرنده انقلاب های توده‌ای در سراسر جهان عرب و بویژه در فلسطین، مصر، تونس، سودان، عراق، مغرب و... در معرض انقراض قرار دارند. ارتجاعیون هوای همدیگر را دارند تا می‌توانند در صورتیکه رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم خلیجی وارد آید اردن، عراق را در دو سعودی هر دو شان را می‌پاید و قس علیهذا، در واقع این کنفرانس می‌کوشد تا سیاست رژیمهای مرتجع عرب منطقه در قبایل انقلاب توده‌ها را هماهنگ کند. در کنفرانس اخیر، رژیمها، حاضر در کنفرانس به سیاست هماهنگ تری در قبایل جنبشها دست زده و از جمله در زمینه اقتصادی قرار می‌شود تا برخی از کشورهای که شدیداً در بحران اقتصادی می‌باشند، مورد حمایت مالی قرار گیرند. ضمناً این کنفرانس هر چند غیر مستقیم، به تأیید رژیم عراقی در جنگ با ایران پرداخت و احتمالاً با توجیه خسارات وارده بر عراق،

رژیم صدام مورد حمایت مالی و اقتصادی کشورهای شروتمند کنفرانس قرار خواهد گرفت.

ثانیا بایبادی برای خواباندن مساله‌ای که وبال کردن آنها شده است، یعنی مساله فلسطین جاره‌ای بیندیشند. سادات در سال ۷۷ آخرین ایستگاههای سازش و تسلیم را هم پشت سر گذاشت و با "اسرائیل" صلح کرد و در کمب دیوید طرح درازمدتی را برای ایجاد یک پایگاه مقدم و ضربتی امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه با مشارکت مصر، اسرائیل و آمریکا پی ریزی نمود. طی سالهای گذشته، با وجود آنکه سرکوب انقلاب فلسطین و نیروهای مبارزلسانی ادامه یافت و علیرغم آنکه تلاش برای یافتن آلترا تیبو بجای سازمان آزادیبخش فلسطین جهت مذاکره با اسرائیل بر سر خودگردانی قسمتی از اراضی اشغالی متوقف نگردید. ولی انقلاب فلسطین بصورت چوبلای جرخ همزیستی بورژوازی عرب و اسرائیل همچنان باقی است. کنفرانس سران عرب هر چند از ترس توده‌ها تا آن چند سال پیش سادات را از اجامه دول عربی اخراج کرد و مقبر "جامعه" از قاره به تونس منتقل شد، ولی کمک‌های و آشکارا ارتجاع عرب به سادات ادامه یافت. کنفرانس اخیر نیز یکی از هدفهای پیش نجات سادات بود.

ثالثا تثبیت و پیشبرد سیاست آمریکا در خاورمیانه. چنانچه از لحاظ حفظ منافع آمریکایی بویژه نفت و کلا هدفهایی که بر سر داریم و جبهه علاوه بر آنها تقویت جبهه‌ها عرب و وابسته به آمریکا در برابر رژیمهای بورژوازی دولتی که همبازان مختلف به سوسیال امپریالیسم شوروی متمایل و نزدیک اند و عموماً رتند کشورهای عضو "جبهه بایبادی". یکی از دلایل تحریم این کنفرانس از طرف کشورهای اخیر همین متمایل و نزدیک به شوروی می‌باشد. در واقع کشورهای عربی و وابسته به امپریالیسم غرب و بخصوص آمریکا در برابر کشورهای متمایل و نزدیک به شوروی با این کنفرانس به ما نورپرداخته و نشان میدهند که در برابر نفوذ شوروی در منطقه متحدان از منافع امپریالیسم آمریکا دفاع بلند میشوند. پسر واضح است که عدم شرکت رژیمهای متمایل و نزدیک به سوسیال امپریالیسم در این کنفرانس نه به این دلیل که کوبا "مترقی" می‌باشند و پنا بر این عدم شرکت آنان از موضع مترقیانای بوده است بهیچوجه روشن است که عدم شرکت این رژیمها در کنفرانس سران عرب ناشی از موضع طبقاتی و متمایل و نزدیک آنان به امپریالیسم شوروی می‌باشد. بورژوازی حاکم بر این کشورها ما هیئت ارتجاعی بوده و نمی‌توانند از موضع خدا میرا لیستی حرکت نمایند. ناگفته نماند که عدم شرکت لبنان نه از لحاظ نزدیکی به شوروی بلکه در رابطه با فشار سوریه بر این کشور قابل توضیح است.

امپریالیسم جنایتکار آمریکا و بودجه نظامی آن

امپریالیسم جنایتکار آمریکا با افزایش فزاینده بودجه نظامی خود تنها بیش از پیش بر زحمتگشان آمریکا فشار وارد می‌سازد، بلکه به علاوه خود را مسلح می‌کند تا هر چه بیشتر به رقابت با سوسیال امپریالیسم شوروی برداخته و خلقهای تحت ستم را مورد سرکوب خونین قرار دهد. امپریالیسم آمریکا یکدم از فکر توطئه، کودتا، تها و زو کشتا ر خلقهای جهان غافل نشده و تمام حیات سراسرتنگین آن را هدجنا ییتکار - ترین اقدامات می‌باشد. روی کار آمدن ریگان جنایتکار فرصت جدیدی است تا بیش از گذشته انحصارات تسلیحاتی آمریکا به چپا و ل برداخته و دولت آمریکا به تها و زات گسترده تری در عرضه جهانی روی آورد. امپریالیستهای آمریکا برای تحقق اهداف خود هر ساله بودجه نظامی دولت را افزایش داده و در حال حاضر ریگان - کودتا بنحویس با بقیه ای این بودجه را بسیار بالا ببرد. سیاست خارجی ریگان که مبتنی بر تشدید مسابقه تسلیحاتی و رقابتها ی نظامی بیشتر است، نیازمند بودجه نظامی گسترده‌ای است که بتواند به اهداف تها و زکارانه دولت ریگان پاسخ گوید. قبل از آنکه بودجه نظامی دولت ریگان را توضیح دهیم نگاه می‌بهر سرشده‌ای بنده هزینه‌های تسلیحاتی آمریکا در سالهای اخیر می‌اندازیم:

سال	مبلغ
۱۹۷۵	۸۵/۴ میلیارد دلار
۱۹۷۶	۹۴ میلیارد دلار
۱۹۷۹	۱۲۷ میلیارد دلار
۱۹۸۰	۱۹۵ میلیارد دلار

اخیراً ایندگان سنای آمریکا یک بودجه نظامی ۱۶۸ میلیارد دلاری را به تصویب رساندند لیکن واقعیت اینست که این مبلغ رقم قطعی نیست و نیایی بودجه نظامی آمریکا را تشکیل نمیدهد دولت ریگان در پی آن است تا این بودجه نظامی را به ابعاد بسیار بقیه‌ای برساند بنحوی که ترار است هزینه‌های نظامی در ۱۹۸۱ به مبلغ ۲۲۵ میلیارد دلار و تا سال ۱۹۸۵ به ۳۲۴ میلیارد دلار افزایش یابد. مدین ترتیب نرخ رشد سالانه بودجه نظامی در طی ۵ سال آتی به ۸٪ میرسد. در واقع بودجه جنگی امپریالیسم آمریکا در طی این دوره به مبلغ بیش از هزار میلیارد دلار خواهد رسید، یعنی مبلغ عظیمی که بیش از مبلغ همه هزینه‌های نظامی آمریکا در طول تاریخ می‌باشد.

آنچه قابل توجه است این است که فقط ۳۰ درصد از بودجه نظامی آمریکا مختص هزینه‌های

ملاحظات کوتاه

کاین منم طاووس علیین شده

ملاحظه نویس وقتی گزارش سفر و مباحثه مطبوعاتی ها شمی رفسنجاننی بیس از سفرش به کشورهای عربی را شنیدیمی اختیار بهیا داین داستان مولوی افتاد که میگویید: روپا هی درخ رنگری افتاد چون از آن بیرون آمد و دمخود را رنگین دیدند اشت که طاووس شده است. او بر خودمی بالید و میخواند: "کاین منم طاووس علیین شده" آقای ها شمی رفسنجاننی چنان ذوق زده دربار ره بیروزیهای سفرش به کشورهای عربی و عشق مردم آنجا ها به انقلاب اسلامی و اینکه بهترین هدیه سه برای مردم آن کشورها عکس اما ما است، سخن میگفت که تصور میکردی دوران امیرا طوری اسلامی و خلافت ها رون الرشید در آینده نزدیک دوبار احیا میشود و آقای رفسنجاننی هم وزیر دست راست خلیفه خواهد بود! این آقایان که در نتیجه موج فزاینده مبارزات توده ها، در همینجا هم قاجار زین رانمی توانند بچسبند بقراسب سواری در آفریقا و کشورهای عرب هستند. چند تا از رژیمهای ضد انقلابی حاکم بر کشورهای عربی نظیر سوریه که با رژیم ایران همسوئی طبقاتی دارند و گرایش سیاسی جدید حزب جمهوری اسلامی در انطباق با آنها حرکتی را از خود نشان داده است به تمجید از با صلاح انقلاب اسلامی ایران پرداخته اند تا توده های ناگاه خود را با آوازی از دوست بفریبد. آقای رفسنجاننی میگویید که "اغلب آنها با واژگونی رژیم صدام حسین با ایران موافقتند! هر چند ایشان معین نفرموده که کدا میک از آن رژیمها چنین عقیده ای داشته اند ولی بایسد گفت رژیمهای سوریه، عراق، لیبی و... صبح از واژگونی یکدیگر سخن میگویند و عذر فریاد وحدت سر میدهند. روزا ز نو روزی از نوا الجزایر هم که سالهاست بین ایران و عراق نقش "واسطگی" (ببخشید) را ایفا میکرده این بار این نقش را به روابط ایران و آمریکا هم تعمیم داده است و در سفرها متانت بیشتر حرفهای مشابهی را به آقای رفسنجاننی تحویل داده است.

غیر از صحنه سازیهای مسخره ای نظیر پیش عکس اما موعشق کودکان الجزایری به آن (خوشا بحال ما!) و مصیدهای که در مدج جمهوری اسلامی ایران در مجلس سوریه توسط یک شیخ سروده شده و خوش و بیش هائی که مفت و مجانی تحویل ایس آقا داده اند و او هم جزیرت تحویل مردم ما میدهد یک نکته دیگر در گزارش ایشان قابل توجه بود. آن اینکه روسیه در جنگ ایران و عراق "جانب حق" را گرفته و به عراق اسلحه نداده است! معلوم نیست کدا میک از "رجال جمهوری اسلامی" حرف

مبارزه و اعترافات آوارگان علیه شما متوجه است و نه مردم ایران و این را خود آنها در شعارها نشان و خواستهایشان بروشنی بیان می نمایند. و این وظیفه شماست که میلیون ها تومان پولی را که از مردم گرفته اید برای آوارگان خرج کنید و نه اینکه طلبکار هم بشوید (همان مباحثه) ولی وقیحا نه تراز همه قسمتی از مباحثه وی میباید شد که میگوید:

"... مسائلی که به هنگام مسکنای اینها در شیراز و امفهان پدید آمد، بخاطر اشاعه تبلیغاتی بود که از ناحیه ضد انقلاب رواج پیدا کرده بود. ضد انقلاب شایع کرده بود که اینها فراریان از صحنه جنگ هستند و نمی بایست مورد پذیرائی قرار گیرند....." (همان مباحثه)

مطمئنا از نظر آقای بهزاد نیا "آیت الله دستغیب (شیراز)، آیت الله طاهری و خادمی (امفهان) و سایر پاسداران اصفهان و شیراز که در خطبه های نماز و اعلامیه های متعدد بدترین و زشت ترین نسبت ها از قبیل "فدا انقلاب" "فرار ق" "میرکاشی" و... به هم میهنان جنگ زده ما نسبت دادند، ضد انقلاب بحساب نمی آید و در آن صورت بایباید اینهمه وقاحت و بیشرمی که خاص رژیمها شمی چون جمهوری اسلامی است "آفرین" گفت. آوارگان جنگ زده در شیراز میدیدند که همسان روزها شیکه "دستغیب" مرتجع مردم را به "تف اندازی" بر چهره رهنجدیده و آفتاب سوخته و زحمتکشان جنگ زده ترغیب میکرد. این کمیونستها و دیگر نیروهای انقلابی راستین بودند که ضمن افشای جنایات جنگ ارتجاعی با امکانات خود و زیر پرورش پاسداران به کمک وی آوارگان جنگ می شناختند (ومی شتابند) و این را جزئی از وظیفه انقلابی خود میدانند و در این راه تسامحی پای جان پیش رفتند و خواهند رفت (به اعداام رفیق بیکا رگر شکر الله دانیان را که از چسار در امداد در آبادان دستگیر شده توجه نمائید (بیکار ۷۹ و ۸۰). آخرین نکته ای که در این "مباحثه" وجود دارد، اعلام اسکان آوارگان در نقاط پراکنده و دور از مناطق زندگی زحمتکشان جنگ زده است رژیم سعی میکند که جنگ زدگان زحمتکش را در سیرجان، نیشابور، جیرفت، کرمان، شاهرود و... پراکنده نماید، او چندهدف را تعقیب میکند از جمله جلوگیری از عمل متحد و متشکل آوارگان دور کردن آنان از مراکز جمعیت و بویژه صنعتی که مورد پشتیبانی دیگر زحمتکشان واقع نگردند، دور کردن از سرزمین مادری که با زکشت آنان به شهرها نشان (پس از خاتمه جنگ) (و تجدید ساختن و ترمیم خسارات جنگ و... مطرح نیاشد. ولی رژیمهای ارتجاعی کورند و کور. این زحمتکشان را هر جا که ببرند از پشتیبانی نسبی زحمتکشان ایران و نیروهای انقلابی برخوردار خواهند بود و جنایات رژیم از زنده آتشان پنهان نخواهد ماند.

آوارگان جنگ و رژیم جمهوری اسلامی

در حاشیه صحابه سرپرست "هلال احمر ایران"

ما در شماره های متعدد پیکار روویژه تا سه جنگ سیاستهای ارتجاعی رژیم سردمداران را نسبت به آوارگان جنگ افشا کرده و نیز علل چرخش در سیاست رژیم نسبت به هم میهنان جنگ زده ای که آوار شهرها و روستا های دیگر شده اند آورده ایم (پیکار ۸۱) دردنباله همین سیاست جدید و فریبکارانه است که "دکتر بهزاد نیا" سرپرست "جمعیت هلال احمر ایران" مباحثه ای انجام داده و آنچه که تا بیست و خود و همپالکی هایش میباید شناسا جنگ زدگان آوار و نیروهای انقلابی کرده است. او در قسمتی از مباحثه نتوانسته کینه خود را نسبت به زحمتکشان جنگ زده پنهان کند و از زیاده ای آنها شکایت کرده و بدون اینکه اشاره به علت آوارگی آنها، جنگ ارتجاعی کنونی که رژیم جمهوری اسلامی یکی از بنیانش هست بنمایند میگوید:

"هم اکنون بیش از هفت هزار نفر به بیبهان هجوم برده اند و در آنجا پراکنده شده اند" (میزان ۶ آذر ۵۹) برخورداردی وقیحا نه تراز این نسبت به دهها هزار نفر از زحمتکشان مناطق جنگی که با هزاران مصیبت و قلاکت از زیر بمبها و خمپاره ها توانسته اند جان خود را به قیمت از دست دادن تمام دار و ندارشان نجات دهند ممکن نیست (طبیعی است که سرمایه داران و پولداران در همان روزهای نخست جنگ با کامیونهای پراوسا تل و سرمایه شان آن شهرها را ترک کرده و اولان در مناطق امن بگونه ای دیگر به استثمرا زحمتکشان ادا شده میدهند) او نمیتواند اختناق حاکم بر اردوگاه های آوارگان را انکار نماید منتهی به آن بسا تهیه "کارت شناسائی" اشاره میکنند و توصیه میکند که "این کارت ها جنبه شناسنامه دارد" (همانجا) این "انقلابی" از "میرکا" برگشته میگوید: "اما آوارگان جنگی این مشکلات و سختی ها و آوارگی ها را نتیجه تلاشهای غیر انسانی هم نوعان خود میداند که در مجموع از هم میهنان خود که در نقاط دیگر مملکت در آرامش و آسایش نسبی هستند، توقعات و انتظارات بخصوصی پیدا میکنند و به همین دلیل، نگرانها، اضطرابها و بیقراریهایی آنها هم بیشتر میشود...." (همانجا).

آری، هم میهنان آوار ما این آوارگیها و... را نتیجه تلاشهای "هم نوعان" خود میدانند منتهی و شما میدانید که این "هم نوعان" جز دشمنان طبقاتی آنها و سردمداران جمهوری اسلامی نیستند که شما "فریبکارانه میخواهید آن را به مردم ایران برگردانید و به همین دلیل تمام

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

دولت، حامی علی نامدار است یا حاجی فروزانفر؟

روز ۱۳ آبان جوان ۱۵ ساله‌ای بنا م‌علی نامدار در کودالهای کارخانه صنایع آجر ایران و کوره پزخانه‌های می افتد و خفه می‌شود. زحمتکشان محله روغن کشتی با اجتماع در مقابل کارخانه و با شعار "مرگ بر سرما بیدار" خواستار دستگیری ما حب کارخانه می‌شوند. حاجی فروزانفر ما حب کارخانه صنایع آجر ایران که تحت فشار اهالی زحمتکش محله روغن کشتی دستگیر شده بود تا گودال‌های انتهای کوی "زاهدی" را بپرکند به فاصله یکروز یعنی ۱۴ آبان آزاد می‌شود. اولین بار رئیس‌ت که رژیم جمهوری اسلامی سرمایه دارانی را که تحت فشار اهالی شهرک دستگیر می‌شوند آزاد می‌کند. غیای می‌تواند و می‌تواند جوان نامرد زمین‌خواران مشهور شهرک نیز چند ماه قبلاً هنگامیکه توسط مردم به گروگان گرفته شده بودند با تومیه "شورای انقلاب" آزاد شدند. این امت دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با زحمتکشان و خدمت آنان به سرمایه داران خونخوار.

قصاوت کنید!

- رژیم جمهوری اسلامی خود را با اورستضعفان میداندا
- سپاه پاسداران خود را با زوی مستضعفین میداندا
- کارگران بیکار و زحمتکشان برای گذران زندگی در خیابان امین ده می‌سازند. و پاسداران به دستور رژیم، این دهکده‌ها را با خاک یکسان می‌نمایند!
- کارگران، زحمتکشان، قضاوت کنید!
- این رژیم باور کیست؟ سپاه پاسداران با زوی کیست؟
- یا اروپا زوی سرمایه داران یا زحمتکشان؟
- سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر حوزه محلات تبریز (۵۹/۸/۲۶)

چیره خواران دولت دهقانان زحمتکش را پر سر سهمیه نفت کتک زدند

بدنبال چیره‌بندی نفت، اهالی روستای "مالفجان" - یکی از روستاهای اطراف لاهیجان - با راه به شرکت تعاونی روستا مراجعه کرده و در مورد کمیودت نفت خود به گردانندگان تعاونی اعتراض کرده‌اند. اما با وجود اینکه در انبار تعاونی نفت به حد کافی موجود بود، گردانندگان تعاونی هر بار به نحوی روستائیان را فریب داده و آنها را دست بسر کرده‌اند. تا اینکه چندین پیش از طرف فرمانداری نامه‌ای به انجمن اسلامی ده ارسال شد با این مضمون که نفت موجود در انبار به روستاهای دیگر انتقال یابد. اهالی مالفجان به محض اطلاع از این امر مقابل تعاونی جمع شده و از انتقال نفت جلوگیری نمودند. به خاطر همین اعتراض و ممانعت روستائیان، چیره‌خواران رژیم از یک روستائی مبارز به فرمانداری شکایت کردند. این روستائی بلافاصله دستگیر و به لاهیجان اعزام شد. عده‌ای از اهالی نیز با او به لاهیجان رفتند. در لاهیجان معاون فرماندار به دهقانان گفت که چسرا از دستور ما سرپیچی کرده‌اید؟ دهقانان پاسخ دادند که سهم‌نفت ما کم است و ما نفت نداریم. سپس به دستور فرماندار را عرض کردند. معاون فرماندار در مقابل اعتراض روستائیان زحمتکش آنها را بیادکتک گرفته و دو نفر از روستائیان را به زندان رمی تحویل می‌دهد. این دور روستائیان زحمتکش تا مدتی در پادگان زندانی می‌شوند. اکنون دهقانان مالفجان نفت ندارند و بی‌عزت‌نداشتن نفت برای روستائیان مجبورند با تار یک شدن هوا بخوابند.

(نقل با تغییر از بیک بیچاره ۲۵)

ملاحظات کوتاه

راست را می‌زنند؟ هیچک؟ و با لایحه اینکه رژیم - های ضد انقلابی همدیگر را درمی یابند. مگر نه از قدیم گفته‌اند آب، آب رامی جوید گودال هردو را؟

"نه شرقی، نه غربی" هم شرقی، هم غربی

در آزمون‌ها پیشگاه رژیم جمهوری اسلامی یک فرمول "سیمبالی - مکتبی" دیگر کشف شد. قریح و انبیب و ... زلابلای کتب گرد گرفته قدما بیرون آورده شد تا بر اساس نسخه ولایت فقیه، جیسری بسا زنده نه شرقی با شده غربی. آنها برای "ما ساندن" تز خود از عبارات "لا شرقیه ولا غربیه" کمک گرفتند. در صورتیکه آن عبارات در قرآن در توصیف یک درخت آمده بود، نه در مورد جمهوری اسلامی! آنها در حالیکه با زبان شرق و غرب را ناسزا می‌گفتند با دست و پا هردو را پیش می‌کشیدند و مگر اینها کار دیگری می‌توانستند کرد؟ روز چهارشنبه ۱۲/ آذر نخست وزیر مکتبی هم رئیس مجلس شوراسیاست "نه شرقی نه غربی" را خوب معنی کردند. آقای رجائی گفت ما سلاحهای را که از آمریکا طلبکاریم را از او خواهیم گرفت و رفسنجانی هم "فرمود" که اگر لازم شد از شوری اسلحه میخریم.

لیبرالها که از اول بودند و پیوسته کنده کرایش خود به آخو امیریا لیسیم آمریکا و اروپا را فاش می‌گفتند از "گفته خود دلشاد" بودند. اما این آقایان حزبی مکتبی حکم کسی را داشتند که دست بر کمر زده در جاه افتساد و دستش را همچنان بر کمر گذا رده بود. بنسبت فرستادند که بگیرد و بیا بد بالا و او میگفت میایم ولی دست از کمر برنمیذارم!

دم خروس یا پرجم؟!!

رفیق می‌گفت هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود در مسجد امام (مسجد شاه سابق) گفته است: در کشورهای آزاد مثل آمریکا هم که سالها قبل انقلاب کرده‌اند شکنجه وجود دارد. آن رفیق اضافه می‌کرد: "آدم‌ها بدکاره‌ها حرف این آقایان را باور کنند، بالاخره آمریکا "شیطان بزرگ" جهان خواهد بود و روستائیان را است یا کشور آزاد؟ تازه اینها آمریکا را کشور "۲۵ سال انقلاب کرده" میدانند و لابد شکنجه هم بعنوان یک "سنت انقلابی" (البته از نوع آمریکا فیش) به ارث رسیده است. رفیق مزبور می‌گفت "واقعاً که دم خروس" از زیر لبش این آقایان بیداست. "گفتم آنقدر دم خروس" از این رژیم بیرون زده که دیگر حکم "پرجم" شان را پیدا کرده است. اینطور نیست؟

خبر موثقی از جلسه اکثریتی‌ها به سرپرستی کشتگر با بهزاد نبوی مشاور رجائی

وقرا رگذا شدند که به آنها وقت داده شود و پس از فکر کردن نظر خود را خواهند داد.

توضیح در مورد یک خبر

در شماره ۸۵ پیکار خبری مربوط به حمله مردم مبارز بوکان به دفتر سازمان چریکهای فدائی (اکثریتی) آمده بود. بر اساس اطلاعات دقیقتر این حمله به تحریک حزب دمکرات و با استفاده از تفکر خلق کردا زخائین رویونیست صورت گرفته است. ما با توجه به مضمون و مجموعه عملکردهای حزب دمکرات با چنین حرکتی دقیقاً مرز بندی داشته‌خواهان افشا و طرد زخائین رویونیست از موضعی کاملاً سالم و انقلابی میبایست

از طرف کشتگر مطرح میشود. حال که ما با شماها کنار آمدیم و شما ما را ضد امیریا لیست میدانیم و ... چرا هنوز محدودیتها نسبت به سازمان ما ادامه دارد و مثلاً نشریات ما آزاد نمیشود از افراد ما گرفتار میشوند و ...

بهزاد نبوی ضمن قبول کنار آمدن و همکاری آنها عنوان میکند که هنوز مسائل است که می‌باید از طرف سازمان شما روشن شود.

۱- موضع اکثریت در مقابل شوری و دخالت آن در افغانستان

۲- پیشنهادها اینکه مدارکی از بنی صدور وجود دارد و اکثریتی‌ها قبول کنند که این مدارک را در شریه کار بدون کم و کاست و عیناً منعکس نمایند. این جلسه گویا بیش از پنج ساعت بطول کشیده ولی اکثریتی‌ها نتوانستند پاسخ بدهند

بقیه از صفحه ۲۴ امپریالیسم

نظامی داخلی بوده ولی ۷۰ درصد بقیه میلیتاریست که جیت توسعه مدرنترین سلاحهای جنگی برای تحولات و رقابتهای بین المللی بکار میروند. بعبارت دیگر اگر ۲۰ درصد از بودجه نظامی بانکی ها جهت سرکوب سیاهوستان، سرخیوستان و زحمتکشان آمریکا صرف میشود ۷۰ درصد آن به سرکوب انقلابات و جنبشها در جهان و نیز رقابت با شوروی اختصاص دارد. برزیلنسی ضمن انتقاد به حزب دمکرات اخیرا مطرح ساخت که: "سیاست خارجی آمریکا بدنبال جنگ ویتنام و بحریهها رفته است و ویتنامیها در ریکان سنا تورجا را زبیری در ملاقات با آندره گرومیکو به تازگی مطرح نموده که: "رفتن تجار و زکرا نه مسکودر طی سال گذشته موجب سخت شدن موضع آمریکا در رابطه با تنج زدائی شده است".

این گفتارها بروشنی جهات سیاست خارجی امپریالیستهای جنایتکار آمریکا را نشان میدهد. در حقیقت تبعکاران و اشنگتن برای آنکه جنبشهای خلقی جهان سیاست خارجی آمریکا را "جرحه دار" نکنند و سوسیال امپریالیسم مناطق تحت نفوذ خود را توسعه ندهد، میکوشند تا بودجه جنگی خود را هرچه بیشتر افزایش دهند و بدین ترتیب در غارت خلقها و سرکوب انقلاب همچنان نقش فعال داشته باشند. اما خلقهای جهان همچنان که با راهبانیات کرده اند امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دیگر امپریالیستها را مورد ضربت قرار داده و بالاخره آنها را به گور خواهند سپرد. این حکمتا ریخ است.

توضیح و پوزش

در مقاله "زمندگان و راه کارگر...". در تشریح شماره ۸۳ صفحه ۱۰ ستون اول سطر ۱۳ از جمله "بدون مبارزه با پایگاه اصلیش ارتجاع داخلی" پس از جمله "مبارزه با امپریالیسم و استقلال از امپریالیسم" افتاده است.

بقیه از صفحه ۲۳ زمندگان

رژیم نه میخواهد و نه میتواند، خواستهای تودهها را برآورد، با دادن رهنمود و پیشنهادها ارتجاع این تودهها در تودهها برمی انگیزد که میتوان انتظار برآوردن خواستهای انقلابیشان را از ارتجاع داشت. اگر رژیم ارتجاعی است بمعنای اینست که خواستهای انقلابی تودهها تنها با نفعی آن رژیم برآورد میشود. آیا راه - کارگری اندیشد که جمهوری اسلامی میتواند خواستهای انقلابی تودهها را برآورد و بعبارت دیگر دارای توان و ظرفیت انقلابی است؟ در این صورت با بدیا ساختن دهد که بر چه اساسی آنرا ارتجاع میخواند؟

ب - راه کارگر: کارگران بسود بورژوازی، هر چه بیشتر استقامت کنید!

اکنون ببینیم برخورد راه کارگر به جنبش کارگری چگونه است. راه کارگر در حرف دشمن سرمایه داری است و رژیم را نیز سرمایه داری می داند. اما در عمل کارگران را فرا میخواند تا برای بورژوازی بیشتر کار کنند و بیشتر استقامت شوند، مزدی برای ساعات کار اضافی دریافت ندارند و از بر باد شدن هرگونه جنبش اعتراضی چشم ببندند. راه کارگر به کارگران چنین رهنمود میدهد: "افزایش تولید ضروری است" و "بیشتر استقامت کنید" ساعت کار کارگران در قبیل دریافت ساعت حقوق. بدین ترتیب نه تنها راه کارگر کارگران را به مبارزه با استقامت کارگران فرا نمیخواند بلکه از آنها میخواهد اهدا و طلبا نهد بگذارد و هر چه بیشتر طبقه سرمایه داری را بخونشان را بکشد. راه کارگر، تا آنجا می رود که میگوید: "سرمایه داران و مدیران را قبل از اینکه عملی برخلاف منافع خلق، یعنی اختلال در مقام و متضدتجا و زانجام مندا ده اند، نباید از خود دراند." (نقل قولها همه از راه کارگر ۴۵ است)

آیا آشکارتر از این میشد سازش گرگ و میش استقامت کارگران استقامت رفته و دودشمن خونین طبقه تالی، کارگر و سرمایه داری را تبلیغ کرد، آیا تبلیغ "نراندن سرمایه داران از خود، توسط کارگران"، شعار بورژوازی نیست؟ آیا بدون راندن سرمایه داران توسط کارگران، انقلاب انجام میگیرد؟ راستی رفقای راه کارگر تا چه حد خواهان انقلابند؟

از انتشارات جدید سازمان

کتابهای جدید از انتشارات سازمان

کتاب: **تئوریک (۱)**

پیرامون ماهیت جنگ ایران و عراق و برخوردهای انحرافی به آن

کتاب: **کارت حزب در میان تودهها**

امل : رفیق روستایی ۲۰۰۰	تهران : حوزه کارگری، جنوب ۴۰۰۰۰ ریال	رشت : ع ۲۰۰۰
ظ : ض ۴۰۰۰	ناحیه جنوب تهران ۱۲۲۵۰ ریال	د - ش ۷۵۰
ساری :	کارمند مرکز آمار ۵۰۰۰ ریال	د - ش ۳۰۰
رفیق کارگر ۵۰۰۰ ریال	رفقای چاپ ۱ ۵۰۰۰ ریال	ز - آ مادر ۲۰۰۰ ریال
رفیق هوادار ۵۰۰۰ ریال	کمیته کارمندی ۱۲۰۰۰ ریال	م - م - مادر ۵۰۰۰ ریال
بتدریژی :	رفیق آهنگر ۷۲۰۰ ریال	م - ر - ر ۱۰۰۰۰ ریال
ش ۲۰۰۰۰ ریال	سربا زوظیفه ۳۵۰۰ ریال	رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال
روزبه ۵۰۰۰ ریال	سارا (معلم) ۵۰۰۰ ریال	رفیق مادر ۵۰۰ ریال
هسته اکرم مادقیور ۵۰۰	ع - پیشمرکه ۲۰۰۰۰ ریال	ع - مدرسه ۲۵۰۰ ریال
رفیق کشاورز از یک روستا هدیه ات رسید،	ش - ۶۰ هدیه انگشتر شمارسید .	زیرهسته - ب ۳۰۰ ریال
قرقرین :	رفیق ۳۰۰ کیلو برنج	چله خانه رشت ۶۵۰ ریال
الف، م، ۲۰۰۰۰ ریال	حاج خلیل الف ۲۰۰۰ ریال	کارگر شهرداری ۵۰۰ ریال
م - لوله کش ۲۰۰۰ ریال	مسعود الف ۳۰۰۰ ریال	رفیق آهنگر ۴۰۰۰ ریال
ی - کارگر کیش ۲۰۰۰ ریال	رفیق مادر - س ۵۰۰ ریال	رفیق مکانیک ۲۵۰ ریال
آغا جری :	رفقای هوادار در کارخانه ۷۰۰۰ ریال	اصغیان
دانش آموز را همنامی ۱۰۰۰ ریال	رفقای هوادار از شهرک حسن خان ۱۸۰۰ ریال	ش - ی ۲۰۰۰ ریال
دیپلمه بیگانه ۲۰۰۰ ریال	رفیق ن - ۱۰ هدیه شمابری بیمارستان صحرایی کردستان رسید . متشکریم	ر - کلی ۵۵۰ ریال
ک - ج دانش آموز ۲۸۰۰ ریال	تهر کرد :	رفیق آذر ۱۰۰۰۰ ریال
رامهرمز :	دانش آموز ۵۰۰ ریال	رضا - هوادار ۷۰۰۰۰ ریال
دانش آموز ۵۰۰۰ ریال	رفیق محسن ۵۰۰ ریال	معلم - هوادار ۱۰۰۰۰ ریال
رفقای هوادار ۳۰۰۰۰ ریال	معلم هوادار ۱۰۰۰ ریال	تهران :
شمال :	معلم هوادار ۲۵۰۰ ریال	د ۹۰۰۰ ریال
رفیق آهنگر ۳۰۰۰ ریال	محمود آباد :	ت ۱۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی A ۲۲۰۰	رفقای هوادار ۴۰۰۰۰ ریال	م - ش ۵۰۰۰۰ ریال
لاهیجان :	رفقای هوادار ۲۸۵۰۰ ریال	ع - ن ۱۵۰۰ ریال
رفقای هوادار ۶۱۰۰۰ ریال	رفقای هوادار روستای املم ۱۰۰۰۰ ریال	دکتر ع ۵۰۰۰ ریال
رفیق پ - ۲۱۴ هدیه ات رسید .		دکتر م ۵۰۰۰ ریال

کمکهای مالی دریافت شده

تهران :	جوادیه	رشت :	سال :
ب ۱۵۵۰۰	۱۲۴۰۰	ک	ح ۸۰۰۰
ج	ر - ن	۱۱۰۰۰	ح ۶۲۰۰
۵۵۰۰	۴۵۰۰۰	ک	ع ۱۰۰۰۰
۱۶۰۰۰	کارگر	۷۱۱۰	ه ۲۵۰۰
ح	۴۵۰۰	اهواز :	
۷۵۰۰	م - م	غ	
ح	۱۶۰۰۰	۱۰۰۰۰	
۳۴۴۰۰	م - م	ی - م	
س	۲۱۰۰	ف - ر	
۵۵۵۰	امل :	۳۰۰۰	
ع	ب	۱۵۰۰۰	
۴۳۰۰	۶۱۰۰	آبادان :	
۲۰۰۰	۱۱۰۱۰	ج	
۲۲۳۰	کمکهای آوارگان	۷۶۰۰	
۶۰۵۰	جنگ	ع - ع	
ق	۹۲۰۰	۲۲۳۰۰	
۱۲۹۰۰	ح	ف	
- م	۳۰۰۰	۷۰۰۰	
۱۷۹۰۰	ر	۶۹۰۰	
۲۸۰۰	۱۱۸۰۰	۱۹۴۰۰	
۱۴۵۰۰	س	۱۵۵۰۰	
۱۶۵۰	۱۱۰۰۰	ار ۷۱۰۰	
۱۶۵۰	ص	۱۵۰۰۰	
۳۰۰۰	اصفهان	ح ۹۰۰۰	
۷۲۰۰	۱۵۹۰۰	ز ۲۲۲۰۰	
۸۰۰۰	ع	۲۶۰۰	
۶۰۰۰	۵۳۰۰	خراسان :	
	۱۴۵۰۰	د ۴۱۲۵۰	
	۱۱۴۰۰	تبریز :	
	م	الف ۱۲۲۰۰	
	۷۱۰۰	ن	
	و	۹۵۰۰	
	۱۲۷۰۰		

با بیل - رفقای هوادار ۲۳۰۰۰ ریال
 چاهیار - ن - م ۲۰۰۰۰ ریال
 خام - دانش آموزان هوادار برای ۱۳ آبان
 ۲۵۰ ریال
 کوجصفهان - رفقای دانش آموز ۲۱۰۰۰ ریال
 سیاهکل - رفقای هوادار ۶۰۰۰۰ ریال
 زنجان - رفقای هوادار ۵۰۰۰۰ ریال
 بدون کد ۳۲۰۰ ریال - م
 سوئد - استکلهم - اتحادیه دانشجویان هوادار
 ۵۰۰ دلار
 میانه - رفقای هوادار ۸۰۰۰۰ ریال
 آذرشهر - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال

**جنگ قدرت
به خیابانها هم
کشیده شد**

**یادداشت‌های
سیاسی
هفته**

**نیروهای ارتجاعی تلاش میکنند تا
بر جنبش اعتلائی
توده‌ها سوار شوند**

در هفته گذشته سخنرانی سلامتیمان و آیت الله لاهوتی در مشهد و تظاهرات عده‌ای بطرفداری از لیبرالها با شعارهای تند و چون مرگ بر پهلوی و مرگ بر سه مفسدین، خامنه‌ای، بهشتی، رفسنجانی (جمهوری اسلامی ۹ و ۱۰ آذر و بدنبال آن راهپیماییهای طرفداران حزب ویستن با زار - های قم، مشهد و تهران جنگ قدرت را وارد بعد تازه‌تری کرد. تاکنون جنگ قدرت عمدتاً در تبلیغات شفا هی یا کتبی بر علیه یکدیگر، انعکاس مییافت. اما ویژگی حدت یا بی تضاد - های جناحهای رقیب موجب شده که دست به تظاهرات و اعتصابات (با زار) علیه یکدیگر نیز بزنند. وقایع هفته گذشته نشان میدهد که:

۱- مبارزه طبقاتی بیش از پیش تشدید یافته و در این رابطه تضادهای درون هیات حاکمه بیش از هر زمان دیگر شدت یافته و جناحهای رقیب به جان یکدیگر افتاده اند.

۲- شدت تضادها، با ملاقاتهای بنی صدور آیت الله خمینی و... تخفیف نیافته و آنجا که مبتنی بر اختلافات اساسی است، با "میثاق - های وحدت" و... قابل تخفیف نیست بدین

ترتیب هما نظور که در هفته گذشته، به رویا روشی طرفین درخیا با آنها کشیده شد. در اوچگیری بیشتر این تضادها، که ارتباط مستقیم با اوچگیری مبارزه طبقاتی نیز دارد. رویا روشی های بیشتر و خشن تری را برای یکسره کردن کار یعنی، یکف گرفتن کامل قدرت توسط یکی از جناحها، بایستی شاهد بود.

۳- وقایع هفته گذشته و سخنرانی های تند در مساجد بر علیه یکدیگر و شعارهای سرگونی بر علیه جناحهای رقیب نشان میدهد که طرفین اگر تاکنون بخاطر مصالح "فدا انقلاب" و توانائی یافتن برای مقابله با انقلاب یکدیگر و وحدت داشته اند، این وحدت را در آینده غیرممکن تلقی میکنند. بدین ترتیب طرفین رقیب - خواهند کوشید، در داخل و خارج، متحدینی (هر چند موقت) برای خود به کف آورند. مسافرتیهای رفسنجانی به سوریه، لیبی، الجزایر و کوشش لیبرالها برای بدست آوردن حمایت مجاهدین از این مقوله است. در این رابطه میتوان بنه ملاقات دکتر پیمان که متمایل به جناح حزب جمهوری اسلامی است با آیت الله خمینی نیز اشاره کرد، (۸ آذر) که تنها میتوانست در برتو

هفته گذشته از یکسو، هفته‌آدا معوا مغربی لیبرالها برای جذب توده‌های ناراضی بسوی خود بود و از طرف دیگر، اوچگیری ناراضی توده‌ها را بعبان نشان میداد جنبش آوارگان جنگ در سرا سرکشور، در حال اوچگیری است. سر سرگران شدن بنزین، یک جنبش سراسری توسط رانندگان تا کسی صورت گرفت و به پیروزی نیز انجام میداد. زکا رخانه‌ها، خبر از ناراضی روز - افزون کارگران و مقامات و مقابله‌هایی که حتی بصورت اعتصاب نیز درآمده است، رخ می - نماید. جنبش دانش آموزی، برای جلوگیری از اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی و همین کسب آزادیهای سیاسی، به چند برخورد و تظاهرات خونین در چند شهر انجام میداد. در صفهای نفت، تندو شکر، کوپن، تخم مرغ و... ناراضی توده‌ها موج میزند. زدو خورد های معتدلی میان توده‌های خشمگین و پاسداران در صفها صورت گرفته که به تیراندازی و زخمی شدن نیز انجامیده است. جنبش آوارگان جنگ، جنبش توده‌ای علیه گرانی و کمبود کالاها و فلاکت زحمتکشان و جنبش

بقیه در صفحه ۲۲

بقیه در صفحه ۲۲

در سالها شی که رژیم شاه در سرا سرایران آرایش فذخلی خود را به پستوانه ارگانهای سرکوب سرما به داری وابسته برقرار کرده بود، سالها که انقلابیون دسته دسته با به سیاهالها و شکنجه گاهها بیده میشدند و با به میدانهای تیر تا که سینه ما لامل از شور انقلابی شان آماج گلوله جوخه های آتش قرار گیرند، در یکی از بخشهای جنوب (کشور لالی) - از توابع مسجد سلیمان - قلب جوانانی که با به خانواده گان شان در کارگران شرکت نفت بود، از گذشته انقلابی میهن و اخبار مبارزاتی که در گوشه و کنار ایران میرسد، به طیش واداشته اند و مشعل فروزان آگاهی طبقاتی در ذهنیت نورسیده شان شعله ای دمید. این رفقا هنگامی که برای ادا مه تحصیل به شهر میرفتند با علم ما رکسیم - لنینیم آشنا شی پیدا میکنند.

این رفقا هسته اولیه جریان ما را تشکیل داده و این هسته ها که در میان دانش آموزان و معلمین پرداخت. در شهریور ۵۴ ضربه عمیقی به جریان ما وارد آمد که منجر به دستگیری عده ای از رفقا شد. در دوران قبل از قیام، رفقا همگام



**اعلامیه وحدت
"جوانان
مبارز لالی"
(مسجد سلیمان)**

مبارز لالی در میان کارگران و سایر توده‌ها پخش میگردد. اما نیاز حرکتی توده‌ای یحدی رسیده بود که دیگر گروهها و محافل بتنها شی عا جزا زیا سخگوشی بدان بودند. به این لحاظ ما در ادا مبررسی جریانات درون جنبش کمونیستی و پس از مرز بندی با جریانات انحرافی بدین نتیجه رسیدیم که سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، با شی پرولتری خود سهم عظیمی در جنبش داشته و آنجا که ما از لحاظ سیاسی - ایدئولوژیک با این سازمان وحدت داریم ضروری است جهت خدمت به جنبش طبقه کارگر ایران به صفوف هواداران این سازمان بپیوندیم.

دور در طبقه کارگر ایران پیشتر جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقی ایران! مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقی ایران! مرگ بر ارتجاع داخلی! برتراربا دمچهوری دمکراتیک خلق!

(جوانان مبارز لالی)

با جنبش توده‌ها به مبارزه علیه رژیم متفسور پهلوی به پیش رفتند. پس از قیام مبارزه ادا مه یافت. و در جریان حمله ارتجاع برای سرکوب نیروهای انقلابی، یکی از رفقای ما بدست عوامل رژیم شهید شد. ارتجاع عیون رفیق "رضا - نرا توند" را ابتدا خفه کرده و سپس جسدش را به رودخانه انداختند. در این زمان رهبری حرکت - های دانش آموزی و دیپلمه‌های بیکار و حرکت روستائیان سیل زده در منطقه بدست رفقای ما بود و اعلامیه‌های ما با امضاء "جوانان

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

مبارزات توده هادر
 "پائین شکاف را در بالا"
 عمیقتر می کند:

نامه "محرمانه" بنی صدر به آیت الله خمینی

- بنی صدر تا کید میکند که برای تحویل سریع وبه موقع گروگانهای آمریکائی و در واقع برای التیام روابط بین ایران و آمریکا، "از شدت هیجان و غصه گریسته است."

- بنی صدر تا کید میکند که اصرا را و بر بازسازی ارتش دست پیروده شاه نه از سر مخالفت با دیگر ابزارهای سرکوب منجمله کمیته ها و سپاه پاسداران بوده است بلکه او هر دو را و همه را می خواهد.

- بنی صدر از بدتر شدن وضع اقتصادی کشور سخن میگوید بی آنکه به روی مبارک خود بیاورد که خود در طراحی همین اقتصاد سهیم بوده و با ند خودش (علیرضا نویری رئیس بانک مرکزی و ۰۰۰) آنرا زیر سلطه خود دارند. او و همینطور "یادش می رود" که از سر نوشت اقتصاد توحیدیش پس از دو سال که از پاک رفتن رژیم میگذرد حرفی بمیان آورد.

- بنی صدر با سوء استفاده از حماقتهای رقیب اظهار میدارد که این دولت لایق این اوضاع نیست. این سخن بطور مجرد بسیار درست است ولی بنی صدر که میخواهد درها را بروی دولتی بسرکردگی لیبرالها و سردر آخور امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی بگشاید، چشمهای باز کارگران و زحمتکشان را ندیده میگیرد.

- هر دو جناح در قدرت، سخت به جان هم افتاده اند و با ران فحشها را بر یکدیگر میبارند برای هیچکدامشان سر نوشت توده های زحمتکش و خلقهای ستمدیده کرد و عرب و... مطرح نیست مهم این است که کدا میک از آنهاد راه کسب قدرت مطلقه با سنگ اندازی دیگری روبرو شده است.

فتوکپی سدی که در زیر ملاحظه میکنید از دفتـ ریاست جمهوری به بیرون در زگرده است. بنی صدر طی این نامه با صلاح محرمانه، در تاریخ ۹ آبانماه به آیت الله خمینی شکایت میبرد و در آن خود را در موضع "اپوزیسیون" قرار میدهد. و رقیبان قدرت طلب حزب جمهوری اسلامی و باندهای مربوطه را افشا میکند. بنی صدر از بی لیاقتی آنها و خرابکاریهایشان و از اینکه آنها هیچ اصلی را جز قدرت طلبی نمیشناسند سخن میگوید و خود را در موضع فردی مظلوم و دل سوزجا میزند. او میکوشد خود و شرکای لیبرالاش را تنها حلال مشکلات فزاینده کشور معرفی کند، او مظلوم نمائی میکند و اشک تمساح بر سر نوشت "انقلاب" (؟) میریزد مسلم است که منظور او و همپالکی های لیبرال او از "انقلاب"، انقلاب دمکراتیک - فدا مپریالیستی خلقهای ایران، که نامانده است، نیست، منظور او از "انقلاب" همان چیزی است که او و امثال اش را با غصب قدرت به "جمهوریتشان" رساند.

- بنی صدر عمداً فراموش میکند که با همینها "میثاق وحدت" را با رها امضاء کرده و برای جلب حمایت آنان و همدست شدن با آنها در مقابله با تداوم انقلاب و سرکوب نیروهای انقلابی، با رها سوگند خورده است که به "ولایت فقیه" رای داده است.

- بنی صدر مثل همیشه در مقابل رقیب به "پیش بینی" خود مینازد. ولی او هرگز مایل نیست بر توده ها روشن شود که "پیش بینی علمی" او جز در قالب بورژوازی و بر ضد کارگران و زحمتکشان نیست.

۲ - برای آقای بنی صدرا کرورستان های کردستان رایگی پس از دیگری قتل عام کنند (تا کنون ۸-۷ نمونه وجود دارد) و جنایات وحشتناک صهیونیستها در "کفر قاسم" و "دیریا سین" فلسطین و جنایت امریکایی ها در دهکده "می لای" ویتنام را زنده کنند مهم نیست، برای او مهم نیست که داند نشگاه را با گلوله و محاصره و توطئه تبلیغاتی و سیاسی و چماقداری تعطیل کنند برای بنی صدرا مهم نیست شهرهای خوزستان و عراقی با توپ کوبیده شود، مهم نیست که نیروهای انقلابی و کمونیستی ترورشوند، اعدام شوند، در زندانها شکنجه شوند (و مگر این چیزها حرف امروز است. از فردای قیام ایمن بساط وجود داشته است) مهم نیست که کارگران دورود و اندیمش را به گلوله ببندند، بلکه مهم این است که به زور ۳-۴ و با کتک کاری کسی را به رادیو تلویزیون تحمیل کرده اند که مورد خواست او نیست.

- بنی صدرا ناله میکند که به هیچ رئیس جمهوری اینقدر ظلم نشده است و حالا که قضیه سرنوشت خود اوست آنرا بود و نبود کشور میداند.

- بنی صدرا که زبان تزویر را بیج را که سکه روز شده خوب آموخته و بکار میبرد، به آیت الله خمینی میگوید: "در هر نماز از خدا میخواهم که شهادت را نصیب من گرداند"، یکی با پیدا ز این آقا بپرسد تو چرا دردوره شاه، نه آرزوی شهادت بلکه آرزوی یک سیلی هم در راه مبارزه ننمودی؟

- بنی صدرا این نامه چندین بار از بازسازی ارتش سخن میگوید و بوضوح روشن میکند که با همین ارتش در کردستان و ترکمن صحرا و مناطق دیگر به سرکوب خلقهای ایران پرداخته است و به شریک بودن در جنایاتی که صورت گرفته اعتراف مینماید. بنی -

صدرا از اینکه ارتش شاهنشاهی را چنان با سازی کرده که حالا بجای حمایت از شاه از رژیم آیت الله خمینی حمایت مینماید بدیه خود میبالد. در حقیقت بسورژو آ لیبرالهائی نظیر بنی صدرا نیز مانند رقیبان حزبی خود به ارتش بعنوان ابزاری جهت سرکوب کردن انقلاب، نیاز دارند و دعوا بر سر این است که این چماق در دست کدما میک با شد. بنی صدرا و رقیبان حزبی، در سرکوب کارگران و زحمتکشان، کمونیستها و نیروهای انقلابی هرگز تردیدی بخود راه نداده اند. چهره مزورانه و روبا ه صفت بنی صدرا در پشت "گرد و خاکی" که این دعوا - ها در فضا پراکنده است نباید مخفی بماند. باید کارگران و زحمتکشان را نسبت به خطر لیبرالها آگاه ساخت و آنگاه که توده ها آگاه شوند کل این رژیم را از بالا تا پایین نخواهند پذیرفت و پرچم مبارزه در راه جمهوری دموکراتیک خلق را در جهت وصول به سوسیالیسم بر خواهند داشت.

این وظیفه حتمی کمونیستهاست که ضدا انقلاب را در کلیه چهره های پش افشا کنند و با پیوند هر چه بیشتر با توده ها و با برافراشتن پرچم لنینیسم و سازماندهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و همچنین استفاده از کلیه شکافهای که در جبهه خصم وجود دارد، تنهها آلتی را تیورا که همانا برپایی جمهوری دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر است عملا تحقق بخشند. این سند را بخوانید تا نمونه ای از تزلزل در ارکان رژیم جمهوری اسلامی را که برخلاف مصالح کارگران و زحمتکشان ما بنا گردیده است مشاهده کنید و عمیق سیاست مزورانه و ارتجاعی بنی صدرا و دیگر لیبرالها را که دست کمی از حزبی هاندار در روشن تریببینید.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دفتر ریاست جمهوری

بسمه تعالی

پدر عزیزم

و ضمی را که در آنیم از ماه پیش و به دفعات پیش بینی علمی کرده و صروض داشته ام، آقای موسوی اردبیلی پیام شما را ابلاغ کرد و با وضع جلسه دبروز، ناچار صروض می دارم: - آن بار که موافقت با تحویل گروگانها به دولت به مخالفت تبدیل شد به عرض رساندم و در جلسه شورای انقلاب در حالی که از شدت هیجان و غصه میگریستم گفتم: کاری را که از موضع قوت حاصل نمیکنیم ناگزیر روزی از موضع ضعف و تسلیم حل خواهیم کرد. و بدبختانه آن روز رسیده است. - مراد نرزد شما متهم میگردند که مخالف نهادهای انقلاب است و می خواهد ارتش را روپناورد. هر چه کردم آن طور که باید باور شما نشد که دشمنان داخلی و خارجی ما در تدارک یک مصیبت بزرگ هستند و ما باید ارتش را با سازی کنیم. با همه اینها آنچه توانستم کردم و ارتش امروز کاری برخلاف همه سنت های نظامی نمی کند و آن با سازی زیر ضربات دشمن است و آنها مقصوبانسی

همه این مصیبت ها هستند. نمی آیند به شما عرض کنند، ظرف یکماه ۲۲۰۰۰ نفر را سازمان داده اند و میگویند چرا بقیه ذخیره ها را هنوز بکار نگرفته اند، و دیروز در حضور می گفتند نفرهای سده ندارد قوای زرهی لازم است!!

- چند بار درباره بدتر شدن وضع اقتصاد کشور عرض مطلب کرده ام، خود نیز نمی دانم و امروز دولت دیناری ندارد و داره از بانک مرکزی میگیرد، خرج می کند. با وجود جنگ، تورم چه بر سر ایران خواهد آورد؟ خدا خود رحم کند.

چند نوبت عرض کردم این دولت لایق این اوضاع نیست و سرنوشت کشور را آن هم در این لحظات نباید به دست کسانی داد که کمترین علم و اطلاعی از وضعیت کشور ندارند و لیاقتهایشان در حداقل است، مسموع نشد.

- در کجای دنیا جهاد سازندگی بوجود می آورند، سپاه بوجود می آورند، کسبته بوجود می آورند بعد می آیند میگویند شما باید حکومت کنید؟ این دولت در کشور ما با وجود قانون اساسی و عرف را زد و عمل هم کرد، وقتی نهادی برای مقصود معینی ایجاد شد و بعد تبدیل به ابزار قدرت شد فساد بنیاد گذاری شده است و البته قدرتمندانه به جان همه چیزها می افتند که مراحم باستانی و افزایش قدرتشان شده است و آن بلا را بر سر ارتش بخصوص لشکرها ی خوزستان و کرمانشاه می آورند هر آثار جنگ به خدمت می رسند که ما به فرماندهان ارتش اعتماد نداریم و میگویند و میگویند که ارتش تاب نمی آورد و باید جنگ چریکی کرد و دیروز در حضور خود شما همان آدمها می گفتند که باید تانک داشت و با تانک جنگید.

- در کجای دنیا دیده شده است کسانی که با ویران کردن ارتش و اقتصاد کشور، ایران را در معرض یکی از بزرگترین خطرهای تاریخ خود قرار داده اند، در حضور شما، در مندمعی و متهمم بنشینند و با بیهم بافتن یک رشته دروغ و دیشب چند مورد این دروغها آشکار شد در جمعها متهمم بکنند و روحها را با قی نگذارند که فرمانده بینوا بتواند با آن فکری به حال خود و دشمن بکنند؟

- در کجای دنیا فرمانده کل قوا و رئیس جمهوری در مجموعه جنگ، دولتی را او تحمیل شده است که کارش مشکل تراشی با رئیس جمهوری و تبلیغ سرفداواست.

- در کجای دنیا برای تحمیل کسانی که به رئیس جمهوری ناسزا گفته اند، به زور ژه و پسا گتک کاری به رادیو و تلویزیون تحمیل شده اند؟

- چند بار عرض کردم این رادیو و تلویزیون کارش تحریک است، چند بار عرض کردم به خدا نیازی به رادیو و تلویزیون ندارم، اما این رادیو و تلویزیون با این تبلیغات زمینشده اجتماعی انهدام انقلاب را فراهم می آورد. به جای توحه و بیرون کردن این عناصر، آقای نوری که مدهی است به حکم شما برای اداره خبریه آنجا رفته است فرمانده قوا می شود و حکم به جلوگیری مسلحانه از ورود کسانی و.... می دهد.

- و.....

به خدا قسم به هیچ رئیس جمهوری این مقدار ظلم نشده است و من این همه را به خاطر این که شما را ترجیحاً نمی تحمل کردم، اما حالا پای بود و نبود کشور در میان است

پدر عزیزم، به خدا قسم در هیچ کجای دنیا فرماندهی را از جبهه احضار نمی کنند تا به حرفهای بی سرونه فرماندار یک شهر پاسخ بگویند که خود جرو با سدی است که لنگر خوزستان را به آن حال زار انداختند، مردم دارند بدمی گویند، در شهرهای خوزستان اضطراب به نهایت است، در شهرهای دیگر هیچ چیز نیست و صفها هر روز طولانی تر می شود.

پدر عزیزم، می ترسم خدای نا کرده پیش بینی چندماه پیشم راست از آب درآید و کشور تسلیم تقدیری بشود که قدرتها می خواهند به آن تحمیل بکنند و می ترسم که از من به عنوان رئیس جمهور بخواهند این تسلیم نامها را امضاء کنم چرا که می بینم عبرت نگرفته اند و همچنان به بازی های قدرت طلبانه خویش مشغولند. دیروز به تهران آمده ایم و امروز دشمن به نزول حمله کرده است! چرا به تهران آمده ایم برای جواب گفتن به ایرادها ی بنوا سرائیلی عده ای جو ساز، حرفه شنیدیم از کسانی که خود مسبب این اوضاع هستند.

پدر عزیزم، بدبختانه وضعیت طوری است که اگر در این وضعیت کنار بروم خدای نکرده هر چه شخصی به جبهه داخلی ما وارد می آید، اینست که در هر نماز از خدا می خواهم که شهادت را تهیب من گردانند، که منام و تسلیم و خواری را نبینم.

پدر عزیزم، از وقتی که با شما در ارتباط شده ام آیا به یاد می دارید به شما خلاف حقیقت

گفته باشم ؟ پیش بینی علمی امور با روش علمی ممکن است . روی این میزان در جواب می باید که د آقای موسوی اردبیلی عرض می کنم . چه زنده بمانم و چه نمانم راهی جز اینها که عرض می کنم نیست : ملت اسکا بر در بحبوحه جنگ چمبرلین را کنار گذاشت و چرچیل آورد . به نظرایسن

جانب مصیبت بزرگتر از جنگ وجود دولت حاضر است نه سه دلیل روشن :

۱- عدم کارایی هم از لحاظ علم و آگاهی و هم از لحاظ کفایت و لیاقت .
 ۲- نه بی طرفی بلکه مخالفت آشکار با رئیس جمهوری که عملاً جمع شدنشان را غیر ممکن ساخته است ، و همان جلسه دیروز آشکارا معلوم می کرد که آقایان ذری برونده سازی هستند که در صورت شکست نه تاک می ماند و نه تاک نشان .

۳- عدم مقبولیت در جامعه و ناتوانی در جلب حمایت و بخصوص ناتوانی در یکپارچه انداختن چرخها و مقابله و مقاومت روز افزون دستگاههای اداری و اجرایی ، اگر این دولت بماند وضع روز به روز بدتر می شود . شما هیات های قابل اعتماد و با اعتماد درست به فرستید و ببینید مردم چه می گویند و ادامه جنگ خطر چه انفجاری را دارد .

ب- دستگاه تبلیغاتی که در آن مدیران با اطلاع با هم روبرو بشوند ، دستگاهی است که حالت انفجاری را تشدید می کند . با قاطعیت تمام عرض می کنم ، این دستگاه یک مدیر قوی می خواهد که دار و دسته هائی را که از وابستگان سببی و نسبی و سیاسی آقایان هستند کنار بزنند و چندبار مراجعه کرده اند که مردم نگران هستند و می خواهند از زبان رئیس جمهوری حرف بشنوند ، گفته ام تا وضع رادیو و تلویزیون اصلاح نشود ، حرف نخواهم زد . اعلام عمومی نگرده ام اما ناچارم بکنم . با وضعی که داریم سانسور خطرناک ترین کارهاست چون هر چه پیش بیاید مردم خواهند گفت ، چرا حقایق را از آنها پنهان می کنیم .

ج - نیروهای صلح باید از یک فرماندهی واحد پیروی کنند و این شدنی نیست مگر این که شما اینها را که هزار فساد می کنند و نزد شاه می دوند ، طلبکار می شوند را برانید دست فرمانده کل قوا را در نظم و نسق دادن به کار نیروها باز بگذارید ، نه مثل گذشته ، کاملاً باز .

د - جنگ را باید با سیر و حوصله پیش برد . هیچ ارتشی در زیر ضربات دشمن تجدید سازمان نکرده و این ارتش دارد می کند ، ارتش باید روحیه شجاعی پیدا کند و این کار با این عده که در هوزستان هستند و کارشان همین برونده سازیهاست (و کسی هم زحمت تحقیق درباره ادعایشان را به خود نمی دهد) ممکن نمی شود . باید تحمل بسیار داشت و بتدریج روحیه آنها جی را در ارتش برانگیخت اگر این جانب هیچ خدمتی نکرده باشم این خدمت را کرده ام که یک ارتش پریشان و پراکنده و مایوس و پرهرج و مرج را که در پیام خودتان در اول سال هم بود که دیگر تحمل هرج و مرج داخلی آن را نخواهید کرد را تحویل گرفته ام و با آن در کردستان و گنبد و آذربایجان غریبی و حال در تمامی غرب ایران دارم می جنگم و امروز قویتر از روز شروع به جنگ نیز شده است و در تفسیر روحیه و فکر ارتش سببی بس که ساخته رژیم شاه بود و حالا دارد از رژیم شما دفاع می کند . پدر عزیزم

غیر از این راه حلی نیست ، امیدواریم با همان قاطعیت روزهای اول اقدام کنند ، اگر زنده ماندم این راه حل تنها راه حلی است و اگر از بین رفتن (انشاء الله) این راه حل فوراً پیدا می کند و ساعتی را هم نباید به تاخیر انداخت .

این کارها را هم شورای دفاع با ترکیبی که دارد نمی تواند بکند ، نمی خواهند راستش را به شما بگویند ، کسی که دیروز به ناجی (فرماندار نظامی اصفهان) نامه غلط کرده ام نوشته است ، امروز چگونه بتوان از او انتظار داشت که به فکر نجات کشور باشد و ارتش چگونه از او پیروی می کند ؟

در یک بهانی گفته ام ، اگر از بین رفتن با هیچ چیز از ملت نمی خواهم و از دولت هم ، نه مصتری ، نه چیز دیگر ، فقط زن و بچه این جانب - به دلیل انتصاب به این جانب - را نیاز دارم . چون به راستی معتقد شده ام اینها دین ندارند و جز قدرت هیچ چیز نمی خواهند .

ابوالحسن بنی صدر